



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

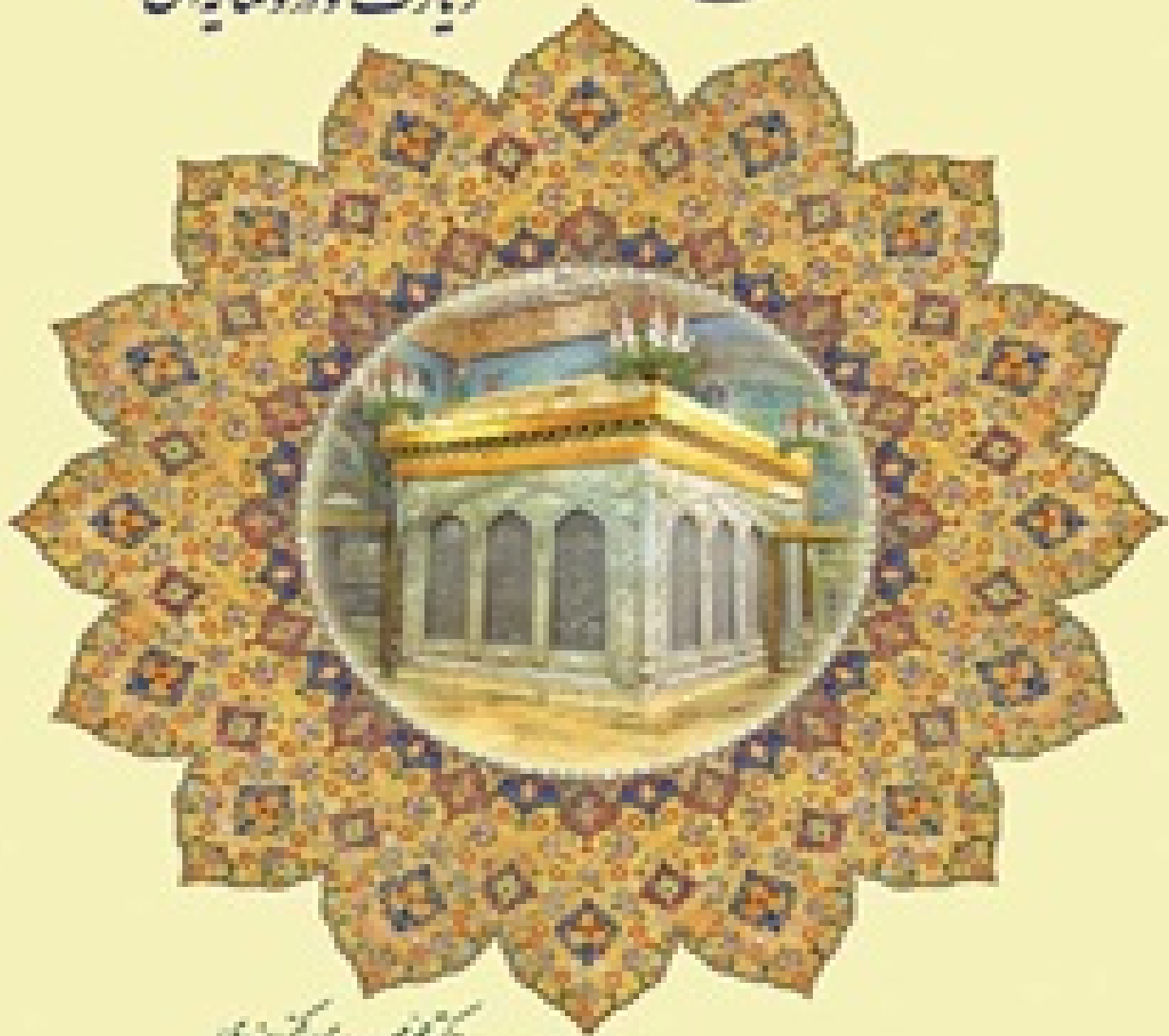


مکتبہ

شوق دیدار

زیارت و درو نماز آآن

مکتبہ



مکتبہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزیده شوق دیدار: زیارت و درونمایه آن

نویسنده:

محمد مهدی رکنی یزدی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	گزیده شوق دیدار: زیارت و درونمایه آن
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۱۵	سخن ناشر
۱۷	پیش گفتار
۱۸	بخش اول: زیارت و آداب آن
۱۸	زیارت
۱۸	اشاره
۱۹	زیارت در بُعد تاریخی
۳۰	ادب زیارت
۳۰	آداب حضور در قرآن کریم
۳۳	آداب زیارت
۳۹	بخش دوم: زیارت در آینه احادیث
۳۹	اشاره
۳۹	ثواب زیارت
۴۴	زیارت پیشوا پس از زیارت خانه خدا
۴۶	زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جوار آن حضرت
۴۷	توسل و شفاعت جستن
۵۲	ثواب زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و عمران قبور امامان
۵۴	اهمیت و ثواب زیارت سیدالشهدا علیه السلام
۵۷	بحثی پیرامون ارزش آمرزش گناهان
۶۲	شوق زیارت امام حسین علیه السلام

۶۵	شفا جُستن از تربت پاک سیدالشهدا علیه السلام
۶۷	بحثی پیرامون گریه بر سیدالشهدا علیه السلام
۷۶	فضیلت زیارت حضرت رضا علیه السلام
۸۱	همانندی زیارت ائمه هدی
۸۵	بخش سوم: درونمایه زیارتنامه ها و تحلیل آنها
۸۵	درونمایه زیارتنامه ها
۸۵	اشاره
۱۰۲	تولاً و تبزاً
۱۰۸	دعا و زیارت
۱۰۹	سخنی کوتاه در باره دعا
۱۱۶	ارزش ادبی زیارتنامه ها
۱۱۸	تصحیح فرهنگ زیارت
۱۲۳	لغت نامه
۱۳۶	کتابنامه
۱۴۱	درباره مرکز

گزیده شوق دیدار: زیارت و درونمایه آن

مشخصات کتاب

سرشناسه: رکنی یزدی، محمدمهدی، ۱۳۰۹-

عنوان قراردادی: شوق دیدار: مباحثی پیرامون زیارت. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: گزیده شوق دیدار: زیارت و درونمایه آن/ محمدمهدی رکنی یزدی.

مشخصات نشر: مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: ۱۳۵۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۱-۱۳۵-۵؛ ۱۳۵۰۰ ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری

فایا (چاپ سوم)

یادداشت: کتاب حاضر برگزیده "شوق دیدار: مباحثی پیرامون زیارت" است.

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۶ (فیا).

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۷.

یادداشت: چاپ سوم.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۹-۱۲۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: زیارت و زائران -- آداب و رسوم

موضوع: زیارتنامه ها

موضوع: زیارتگاه های اسلامی

شناسه افزوده: بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: BP۲۶۲/ر۸ش ۹۰۱۴ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۶

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۶۷۸۲۱

ص: ۱

اشاره

گزیده

شوق دیدار

زیارت و درونمایه آن

دکتر محمدمهدی رکنی یزدی

ص: ۴

فهرست مطالب

فهرست مطالب ۵۰۰۰

سخن ناشر ۷۰۰۰

پیش گفتار ۹۰۰۰

بخش اول - زیارت و آداب آن

(۱۰ - ۳۰)

زیارت و آداب آن ۱۰۰۰۰

زیارت ۱۰۰۰۰

زیارت در بُعد تاریخی ۱۱۰۰۰

ادب زیارت ۲۲۰۰۰

آداب حضور در قرآن کریم ۲۲۰۰۰

آداب زیارت ۲۵۰۰۰

بخش دوم - زیارت در آینه احادیث

(۳۱ - ۷۵)

ثواب زیارت ۳۱۰۰۰

زیارت پیشوا پس از زیارت خانه خدا ۳۶۰۰۰

ص: ۵

زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جوار آن حضرت ... ۳۸

توسُّل و شفاعت جُستن ... ۳۹

ثواب زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و عمران قبور امامان ... ۴۴

اهمیت و ثواب زیارت سیدالشهدا علیه السلام ... ۴۶

بحثی پیرامون ارزش آمرزش گناهان ... ۴۹

شوق زیارت امام حسین علیه السلام ... ۵۴

شفا جُستن از تربت پاک سیدالشهدا علیه السلام ... ۵۷

بحثی پیرامون گریه بر سیدالشهدا علیه السلام ... ۵۹

فضیلت زیارت حضرت رضا علیه السلام ... ۶۸

همانندی زیارتِ ائمه هدی ... ۷۳

بخش سوم - درونمایه زیارتنامه ها و تحلیل آنها

(۱۱۳ - ۷۶)

درونمایه زیارتنامه ها ... ۷۶

تولاً و تبراً ... ۹۳

دعا و زیارت ... ۹۹

سخنی کوتاه در باره دعا ... ۱۰۰

ارزش ادبی زیارتنامه ها ... ۱۰۷

تصحیح فرهنگ زیارت ... ۱۰۹

لغت نامه ... ۱۱۴

کتابنامه ... ۱۱۹

زیارت مکانهای قدسی نزد همه ملت‌های جهان رسمی است رایج، اما در اسلام به عنوان عبادتی مهم با آدابی خاص تشریح و توصیه شده، زیرا فواید فردی و اجتماعی، مادی و معنوی فراوانی در بردارد.

حضور در اماکن متبرک که مرقد مطهر پیامبر خاتم و ائمه معصوم ماست، همراه با خواندن زیارتنامه‌ها و آدابی است که آگاهی بر آنها زیارت را روح می‌بخشد و حظ معنوی اش را افزایش می‌دهد. شرح این مسائل و پاسخ شبهاتی که درباره زیارت اموات شده، و تحلیل معانی و مطالبی که در زیارتنامه‌ها آمده و دیگر بحث‌های مربوط، درونمایه شوق دیدار را تشکیل می‌دهد، به ویژه که تعریف و توضیحی زیبا و رسا درباره اصل زیارت و سیر تاریخی آن در ابتدای کتاب آمده است.

این بحث‌های آموزنده که با قلمی روان و استادانه نوشته شده، سبب شد شوق دیدار که در سال ۱۳۶۲ منتشر شده بعد از آن پنج بار تجدید چاپ شود و مورد استقبال نواندیشان قرار گیرد.

با توجه به اهتمام ویژه ای که تولیت عظمای آستان قدس رضوی به پژوهش‌های اسلامی، و خدمات فرهنگی، تبلیغی برای زائران بارگاه ملکوتی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه افضل التحیه والثناء قائلند، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی خلاصه کتاب را به بنیاد

پژوهشهای اسلامی سفارش داد تا در شمارگان بیشتری چاپ کند، و برای پخش گسترده در اختیار آن معاونت محترم قرار گیرد. خوشبختانه در طلعه سال نو مؤلف بزرگوار موفق شد گزیده «شوق دیدار» را در ویرایش جدید با حجمی کمتر و نثری شیواتر سامان دهد. امید است بیش از پیش معرفت آموز باشد، و زائران با پی بردن به مقام والای امام و اهمیت زیارت، با اشتیاقی عارفانه به این سنت حسنه رو آورند، و عزت و قدرت مسلمین را با استمداد از حضرت حجه بن الحسن - عجل الله فرجه - در پرتو رهنمودهای حکیمانه آیت الله خامنه ای - مد ظله - از پروردگار متعال مسألت نمایند.

فروردین ۱۳۸۶

ص: ۸

برخی از آداب و سنت‌های دینی با آنکه در فایده و عقلانی بودن آنها تردیدی نیست، برای مردم این عصر چنانکه باید مورد توجه قرار نگرفته، زیرا به زبان مناسبِ زمان و تحلیلی در خور فرهنگِ زمانه بیان نشده است، در حالی که خداوند می‌فرماید: ما هیچ رسولی نفرستادیم مگر به زبان قومش تا برایشان [پیام مرا] بیان کند. (۱) و حضرت صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: ما گروه پیامبران مأموریم که با مردم به قدر عقولهایشان با آنان سخن گوئیم. (۲) براساس این تعلیمات گوئیم:

یکی از سنت‌های اسلامی زیارت قبور مؤمنین و حضور بر تربت ائمه دین و سلام دادن به ارواح مقدس آنان و خواندن نماز و دعا و قرآن در زیارتگاه‌هایشان می‌باشد، که دارای آداب و شرایطی است، و این کتاب آنها را با توضیح معنی اصلی زیارت و اهمیت ثوابش به زبان امروز بیان می‌کند، و پاسخی استدلالی به منکران زیارت و شفاعت می‌دهد. همچنین با تحلیل متن زیارتنامه‌ها تصویر روشنی از آنها را نمایان می‌سازد. امید است خواندنش مایه شناخت بیشتر امام و شوق افزون‌تر به زیارت آنان گردد.

ص: ۹

۱- سوره ابراهیم، آیه ۴.

۲- الأصول من الکافی، ۱/۲۳.

چشم آلوده نظر از رخ جانان دور است

بر رخ او نظر از آینه پاک انداز

حافظ

زیارت دیداری است مشتاقانه، با حضور در پیشگاه اولیای خدا و ائمه هدی. زیارت حضور در اماکن مقدسه است و رویارویی با پیشوایان و راهنمایان عالم معنی، که با حرکتی از شهر و دیار به شوق دیدار شروع می شود، حرکتی ظاهراً در مکان و به حقیقت در دل و جان.

زیارت برقرار کردن ارتباط قلبی است با حجت خدا، و قرار دادن خویش

خویش است در حوزه روحانیت و فیض بخششی امام(ع)، و امام انسانی است

ص: ۱۰

۱- در این کتاب هر جا «امام» به طور کلی ذکر می شود، در درجه اول مقصود رسول اکرم صلی الله علیه و آله است سپس ائمه دوازده گانه معصوم، زیرا آن حضرت افزون بر مقام نبوت و رسالت دارای منصب امامت و پیشوایی نیز بودند.

متعالی، با ابعاد وجودی گسترده، که معنویتش را از آفریدگار می گیرد و واسطه رحمت و خیرسانی به آفریده هاست.

با حضور زائر در حرم امام زیارت حاصل می شود، اما حقیقت زیارت که پیوند روحی و دیدار شوق آمیز است آن گاه تحقق می یابد که حالی باشد و مقالی، و رازی و نیازی و این پیدا نشود مگر پس از شناخت امام و اهمیت زیارتش و معرفت داشتن نسبت به مقامات روحانی و کمالات معنوی آن برگزیدگان خدا، که شرح آن در بخش پایانی کتاب خواهد آمد.

زیارت در بُعد تاریخی

زیارت در اسلام تاریخی دیرین دارد، زیرا پایه گذار زیارت قبور مسلمین پیامبر معظم ما می باشد، که شرح آن در کتابهای سیره و حدیث آمده، و می رساند که همراه با شورها و شوقها، رنجها و سوگهاست: شور ایمان، شوق دیدار قبر محبوب، رنج سفر و سوگ فقدان عزیزان، و اینک نمونه هایی از آنها:

۱- زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله که به انگیزه فطری و کشش قلبی از مدفن مادر گرامیشان - آمنه بنت وهب (۱) انجام گرفته است، محمد بن سعد در الطبقات الکبری آن را نقل کرده: «در واقعه حُدیبیّه [سال ششم هجری] پیامبر صلی الله علیه و آله بر سر قبر آمنه رفت، و بر آن گریست و به مرمت و بازسازی آن پرداخت» (۲). همچنین پس از حجه الوداع به زیارت قبر آمنه شتافت و با تجدید خاطرات کودکی و یتیمی در آنجا گریست. (۳)

۲- از ابوهریره روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله قبر مادرش را زیارت کرد، بعد

ص: ۱۱

۱- خاک جای آمنه مادر حضرت در قریه ای به نام «ابواء» می باشد، که در میان راه مکه و مدینه و ۲۷ میلی جُحفه واقع شده. دایره المعارف بزرگ اسلامی: ابواء، ج ۵.

۲- دایره المعارف بزرگ اسلامی: ذیل ابواء. نیز رک: تاریخ پیامبر اسلام، چاپ دوم؛ بحار الأنوار، ۱۰/۴۴۱ که خبر را از شیخ مفید نقل می کند.

۳- دایره المعارف بزرگ اسلامی، ذیل ابواء.

گریست و اطرافیانش را گریانند... و فرمود: برای زیارت قبر وی از پروردگرم اجازه گرفتم، که به من اذن داده شد. پس [شما نیز] قبرها را زیارت کنید زیرا مرگ را به یاد می آورد. (۱)

۳- از عباد بن ابی صالح روایت شده که «رسول خدا صلی الله علیه و آله در ابتدای هر سال به زیارت قبور شهدا در اُحد (۲) می آمد، و بدین عبارت آنان را زیارت می کرد: «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ». راوی می افزاید که ابوبکر و عمر و

عثمان هم به زیارت شهیدان اُحد می رفتند.... (۳)

۴- بیهقی و محدثان دیگر نقل کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله قبور شهدا را در اُحد زیارت کرد، سپس گفت: خدایا! بنده ات و پیامبرت گواهی می دهد که اینان شهیدان [در راه تو] اند، و هر کس زیارتشان کند یا تا روز قیامت بدانها سلام کند، پاسخ سلامش را می دهند. (۴)

۵- از حضرت ابوجعفر [محمد بن علی بن الحسین] روایت شده که حضرت فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله قبر حمزه رحمه الله را زیارت می کرد، و آن را مرمت و اصلاح می نمود، و با سنگی بر آن نشان می گذاشت. یحیی بر این خبر می افزاید: بعد آنجا نماز می خواند و دعا می کرد و می گریست، [این سیره اش بود] تا زمانی که فوت کرد. (۵)

۶- حاکم نیز همین خبر را از قول حضرت علی علیه السلام نقل کرده، با این تفاوت

ص: ۱۲

۱- صحیح مسلم بشرح النووی، ۴/۴۶.

۲- اُحُد: کوهی در نزدیکی شهر مدینه که در سال سوم از هجرت یکی از غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله در نزدیکی آن روی داده و حمزه عموی رسول اکرم با ۷۰ تن از مسلمانان در آن غزوه شهید شدند.

۳- وفاء الوفا، بأخبار دارالمصطفی، چاپ چهارم، ۳/۹۳۲.

۴- وفاء الوفا، بأخبار دارالمصطفی، چاپ چهارم، ۳/۹۳۲ - ۹۳۳.

۵- وفاء الوفا، بأخبار دارالمصطفی، چاپ چهارم، ۳/۹۳۲.

که: فاطمه علیهاالسلام هر جمعه قبر عمویش حمزه را زیارت می کرد.^(۱) یعنی روز زیارت در این خبر یادآوری شده.

۷- از جمله کسانی که برای زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سفر کرده بلال بن رباح صحابی و ملوان آن حضرت می باشد که ابن عساکر با سندی صحیح آن را نقل نموده، و علتش را خوابی می داند که بلال دیده بود: او رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دید که خطاب به وی فرمود: ای بلال! این جفا چیست؟ آیا وقت آن نرسیده که به دیدارم آیی؟ بلال ترسان و غمگین بیدار شد. بر مرکبش سوار گشت و از شام قصد مدینه کرد. چون به مرقده مطهر نبوی رسید، صورتش را بر قبر می مالید و می گریست و درد دل می کرد، تا حسن و حسین علیهماالسلام به سویش رفتند. او آن دو را دربر گرفته می بوسید...^(۲)

۸- در تفسیر کشف الأسرار و عده الأبرار تألیف رشیدالدین میبیدی در سده ششم می خوانیم: «در آثار بیارند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به زیارت بیرون رفت بر سر گور فاطمه، می گریست و می گفت:

مَالِي وَقَفْتُ عَلَى الْقُبُورِ مُسَلِّمًا

قَبْرِ الْحَبِيبِ فَلَمْ يَرِدْ جَوَابِي...^(۳)

شواهدی که از منابع کهن اهل سنت نقل کردیم - و اندکی از بسیار بود - می رساند که زیارت قبر درگذشتگان - بخصوص اولیای خدا و خویشاوندان - سنتی است دیرین که آغازگر آن پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله بوده، و پس از ایشان

دُخت گرامی و اصحاب بزرگوار حضرت از آن پیروی کرده اند، و این سیره در

زمان ائمه معصومین و بعد بین علمای دین تا امروز همچنان معمول و رایج بوده است، و کاری نو آیین از سوی شیعه نمی باشد. بلی شیعه در زنده نگهداشتن این

ص: ۱۳

۱- وفاء الوفا، ۳/۹۳۲.

۲- وفاء الوفا، ۴/۱۳۵۶؛ الغدير، ۵/۱۴۷.

۳- کشف الأسرار، ۱/۶۲۶، و چنین است ترجمه آن بیت: مرا چه شده! که بر قبرها درنگ کرده ام، و به قبر دوستم سلام می دهم، ولی جوابم را نمی دهد.

سنت و عملِ بدان بر برادران اهل سنت پیشی جُسته، مخصوصاً که زیارت همچون مرثیه خوانی و عزاداری سبب رسول الله صلی الله علیه و آله یعنی حسین بن علی علیه السلام، از عوامل ترویج و تقویت مذهب شیعه بوده است.

به مناسبت موضوع اشاره ای به چگونگی زیارت آن حضرت در سالهای نخست شهادتش می نمایم، و بحث و شرح بیشتر را در بخش دوم می آوریم.

تاریخ به ما می گوید زیارت امام حسین علیه السلام و یارانش در سالهای اولیه چنان شورانگیز و انقلاب آفرین بود، و اثری روشن در نشان دادن کفر و ستم امویان داشت که دستگاه حاکم چاره ای جز این ندید که از هجوم زائران به حائر(۱) حسینی جلوگیری نماید، بدین جهت دستور داد پیرامون کربلا پاسگاه هایی تعبیه کردند، و مأمورین غلاظ شداد به نگهبانی پرداختند تا از آمدن مردم مانع شوند. اما عشق حسینی و تشویق امام باقر و صادق علیهما السلام به زیارت آن حضرت و تأثیر خاص خود شهدا چندان بود که شیعیان در پوشش تاریکی شب به زیارت می رفتند، با وجود این بعضی گرفتار می شدند و به شدیدترین شکلی مجازات می گشتند.(۲) در چنین موقعیت و شرایطی است که معنی واقعی این حدیث حضرت صادق علیه السلام واضح می شود که چون ابن بُکیر بیم خود را از سلطان و خیر گزاران جاسوس و دژبانان مرزی اعلام می دارد به او می فرماید: «ابن بُکیر! آیا دوست نداری که خدا ترا در راه ما بیمناک ببیند؟ آیا نمی دانی هر آن کس که به خاطر ما ترس را پذیرا شود خدا او را در سایه عرش خود پناه دهد، و هم سخنش در زیر عرش الهی حسین علیه السلام باشد، و خدا او را از هراس و ناراحتی های روز رستاخیز پناه دهد».(۳)

ص: ۱۴

-
- ۱- یاقوت حموی در معجم البلدان می نویسد: حائر عبارت از قبر حسین بن علی رضی الله عنهماست، وقتی مقصود کربلا باشد حائر بدون اضافه می گویند. چاپ مصر، ۳/۲۰۳.
 - ۲- رجوع شود به: تاریخ کربلا و حائر حسین علیه السلام، ۶۰ - ۶۱.
 - ۳- کامل الزیارات، ۱۲۶.

آری از سال ۶۱ که شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام و اصحابش واقع شد تا سال ۱۳۲ که انقراض حکومت ننگین و ظلم آلود بنی امیه است به مدت ۷۱ سال با زوّار آن حضرت بسیار بدرفتاری می شد و به صورتهای مختلف موانعی برایشان ایجاد می کردند، با وجود این ایمان و عقیده مسلمین و ترغیب ائمه شیعه به زیارت سید شهیدان و بیان اهمیت و ثواب آن انگیزه هایی بود که سنت زیارت - بخصوص زیارت سیدالشهداء علیه السلام - را بین شیعه برقرار و پایدار داشت، و شیفتگانش پیاده و شبانه، پنهان و خائفانه به شوق دیدار حائر حسینی تنها و دسته جمعی حرکت می کردند، و زیارت حقیقی را که ارتباط قلبی با امام و پیروی عملی از امام است انجام می دادند.

پاسخ یک شبهه

اینک که معنی زیارت و نمونه های عالی آن را در امتداد تاریخ دیدیم، درمی یابیم چه کوتاه فکر و بی اطلاع یا مغرض و بد اندیشند کسانی که این دیدار مشتاقانه را پرستش مردگان خوانده اند، و با این اتهام می خواهند آن را خرافه و عملی جاهلانه وانمود کنند. غافل از اینکه حیات انسان با قالب تهی کردن و از هم پاشیدن اجزاء بدن پایان نمی یابد.

مرگ دروازه ورود به جهانی است که حیات حقیقی در آنجاست. (۱) «مرگ برای انسان نیستی نیست، تحول و تطوّر است. غروب از یک نشئه و طلوع در نشئه دیگر است... انسان مرگ مطلق ندارد، مرگ از دست دادن یک حالت و بدست

ص: ۱۵

۱- در سوره عنکبوت، آیه ۶۴ می خوانیم: «وَأَنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» و راستی که سرای دیگر زندگی حقیقی است [که حیاتش جاوید و نعمتش بی زوال است]، اگر ایشان بدانند. (ترجمه آیات از تفسیر کشف الاسرار، یا قرآن مجید ترجمه محمد مهدی فولادوند، چاپ دوم نقل می شود).

آوردن یک حالت دیگر است و مانند هر تحول دیگری فنای نسبی است... (۱).

«مرگ از نظر قرآن تحویل گرفتن است، یعنی انسان در حین مرگ به تمام شخصیت و واقعیتش در تحویل مأموران الهی قرار می‌گیرد (۲)، و آنان انسان را دریافت می‌کنند» (۳).

با این منطق - که عقیده همه دینداران جهان است - زیارت نه پرستش مردگان بلکه دیدار زندگان است با چشم دل، و برقرار کردن ارتباط روحی با آن که به زیارتش رفته ایم.

علاوه بر ادله فلسفی و علمی بقای روح یا نفس، هر کس به نهاد طبیعی و وجدان فطری خود می‌یابد که «مَن» او که شخصیت انسان وابسته به آن است، چیزی است غیر مادی و جسمانی که در طول زندگی ثابت مانده و شخصیت ما را تشکیل می‌دهد و همین جزء از وجود ماست که پس از مردن و از هم پاشیدن بدن جاودانه می‌ماند، با همه اعمال خیر و شری که کسب کرده و از ملکاتش (۴) گشته است.

این مباحث از موضوع اصلی کتاب بیرون است، لذا همین قدر یاد آور

می‌شویم که این شبهه به بی‌اعتقادی و نامسلمانی‌گونه بر می‌گردد، که سرای پسین و جاودانگی روح را منکر است و باید در این باره تحقیق کند. اما به

ص: ۱۶

۱- عدل الهی، ۱۲. برای اطلاع از مباحث مربوط به حقیقت مرگ و جواب شبهات موجود در این باره به کتاب مفید و مستدل نامبرده، بخش ۴ - مرگ و میرها - مراجعه شود.

۲- قرآن در قبض روح، کلمه «تَوَفَّى» را استعمال کرده که به معنی کامل و تمام گرفتن چیزی است، و موف دانشمند کتاب نیز به همین کلمه استدلال می‌نماید.

۳- زندگی جاوید یا حیات اخروی، ۱۱.

۴- ملکه: صفت راسخ در نفس اقرب الموارد، خوی و صفتی که انسان مالک آن شده و جزء طبیعتش گشته. همین ملکات است که سرمایه‌های وجودی انسان در زندگی دنیوی است، و در حیات اخروی برایش مجسم می‌گردد و او را خوش یا ناخوش می‌گرداند؛ و نعیم و جحیم را برایش فراهم می‌گرداند.

صریح قرآن و اعتقاد هر مسلمان کسانی که در راه خدا کشته می شوند مرده و نابود شده نیستند، بلکه زنده اند و نزد پروردگار از رحمت و عنایتِ خاصّه او بهره می برند.^(۱)

پس نه تنها ائمه هدی و اولیاء خدا بلکه شهدا نیز زنده و برخوردار از نعمت های خدایند و به کسانی که به زیارتشان می روند نظر دارند و به آنان احسان می کنند.

عرصه گسترده زیارت

با این باور که روح نامیراست و مرگ و نابودی در تن روی می دهد، و مردگان مخصوصاً ارواح مقدس انبیا و ائمه معصوم ما و شهدا از کسانی که بر تربتشان حاضر می شوند و خیراتی که برای آنان می شود باخبرند، رفتن به زیارت قبرهای مومنین به ویژه معصومین تأکید شده، خاصّه که مایه عبرت و پندآموزی هم می باشد. علاوه بر این همان طور که به پیشوایان دینی و دانشمندان در حال حیات احترام می گذاریم شایسته است بعد از ممات هم با حضور بر مرقد^(۲) و مدفن آن بزرگان به روح و شخصیت آنان احترام بگذاریم، و از خدمات اصلاحی که انجام داده اند سپاسگزاری کنیم، و این انگیزه ای است که در تمام ملل قدیم و جدید وجود داشته و دارد، و فضای گسترده زیارت را در جهان و بنای معابد و زیارتگاه ها را در تمام کشورها به وجود آورده است.^(۳)

ص: ۱۷

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹ - ۱۷۰؛ «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...».

۲- مرقد: خوابگاه ابدی، محل دفن.

۳- در این باره رجوع شود به دایره المعارف دین و اخلاق با مشخصات زیر: Encyclopedia of Religion and Ethics, edite by james hastings Vol X (۱۰).

آدمیزاد از دریچه چشم و گوش با جهان بیرون از خود ارتباط پیدا می‌کند، و هر آنچه می‌بیند یا می‌شنود اثری متناسب بر روانش می‌گذارد، و طبعاً در او رغبت یا نفرت به کاری را بر می‌انگیزد. با توجه به این حالت طبیعی، در اسلام که مکتبی تربیتی است، برای غفلت زدایی از روح انسان و جلوگیری از غرق شدن در مادیات و خودبینی، رفتن به گورستان و حضور بر قبرهای مسلمانان سنتی پسندیده و عملی مستحب شده، زیرا تأثیری ژرف در توجه پیدا کردن به سرای جاودان و دل برکندن از زخارف (۱) دنیوی و تشویق به نیکوکاری و خیرسانی دارد. از مشاهده آرامگاه ابدی کسانی که روزگاری در تلاش معاش سخت کوش و در جلب منفعت شخصی حریص بودند، کیست که محبت دنیا بر دلش سرد نشود و جهت حرکتش در زندگی عوض نشود؟ کدام گوش ناشنواست که فریاد این خاموشان صد زبان را نشنود؟

کدام چشم است که سکوت و سکون غوغا آفرینان پهنه گیتی را نبیند؟ کو آن جلال و جمال؟ کجاست آن قدرت و شوکت؟...

این آگاهی و بیداری در زیارت از مقابر مسلمین و گورستان به طور کلی است، اما بر این فایده مهم باید آثاری که از زیارت مرقد شریف هر یک از انبیا و ائمه هدی عاید می‌شود نیز افزود، که مشاهده متبرک آنان نزولگاه رحمت خداست، و جای برقرار شدن ارتباط قلبی با آن ارواح قدسی که حئی و حاضرند و آگاه به حال زائر.

ص: ۱۸

۱- زخارف: جمع زخرف، هر چیز که تزویر و تدلیس در آن بکار رفته و ظاهری آراسته و فریبنده دارد. لسان العرب.

هر چند مکانها در ماهیت یک سان است، اما به واسطه نسبتی که با خدای تعالی پیدا می کنند (مثلاً مسجد را خانه خدا و کعبه را بیت الله می خوانیم) مقدس و محترم می شوند. بنابر این علاوه بر مکه معظمه و مساجد، خانه پیامبر اکرم ما و حرم ائمه معصومین علیهم السلام نیز در حیات و ماماتشان اماکنی شریف و با حرمت است، و فرودگاه فرشتگان و محل نزول رحمت خداست، به ویژه که محل نیایش و ستایش آفریدگار و کسب معرفت می باشد.

در حقیقت مرقد پیشوایان دینی مصداق کامل این آیه است: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ...» «در خانه هایی که خدا اجازه داد و فرمود که آن را بزرگ شمرند و قدر آن بلند دارند، و او را در آن نام برند و یاد کنند، به پاکی می ستایند او را در آنها هر بامداد و شبانگاه مردانی که مشغول ندارد ایشان را بازرگانی و نه داد و ستدی از یاد خدا و به پای داشتن نماز و دادن زکات...» (۱)

جلال الدین سیوطی - از علمای اهل سنت - در تفسیر الدر المنثور نقل می کند مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید این کدام بیوت است؟ حضرت فرمود: بیوت انبیا. سپس ابوبکر برخاست و گفت: یا رسول الله لا ُبد یکی از این بیتها خانه علی و فاطمه است؟ فرمود: بلی از بهترین آنهاست. (۲)

بنابر آنچه گفته شد زائر پیامبر اعظم و امامان معظم علیهم السلام باید احترام زیارتگاه ها را نگهدارد، و ادب زیارت را رعایت کند و شکر گزار نعمت ولایت ائمه معصومین علیهم السلامو محبت و معرفت آنان باشد.

ص: ۱۹

۱- سوره نور، آیه ۳۶ - ۳۷، ترجمه از تفسیر کشف الأسرار.

۲- رک: المیزان فی تفسیر القرآن ترجمه، ۲۹/۲۰۵. روایت مذکور در تفسیرهای شیعی هم نقل شده.

چنان که کعبه معظم در سرزمینی خشک و تهی از مردم بنا شد، و نخستین معبد یکتا پرستی (۱) بود که به خواست خدا انسانها به آن روی آوردند و شهری مهم شد، و بالاخره زادگاه پیامبر اسلام و پایگاه وحی گردید، و رفته رفته به شهری بین المللی و مرکزی عبادی - اقتصادی تبدیل شد، همچنین نگاهی به تاریخ شکل گرفتن شهرهایی چون مدینه، نجف، کربلا، مشهد و قم نشان می دهد که از برکات و فواید آن بقعه های (۲) مبارک تأثیری است که در گرداگرد خود داشته، روستا یا شهرکی را به صورت شهری بزرگ با جمعیتی انبوه در آورده است، که بخشی از ساکنانش کسانی اند که نخستین بار به زیارت آمده دلخوش و حاجت روا شده اند، به آن حد که از دیار خود بریده جوار امام را برگزیده اند. بدیهی است این ازدیاد جمعیت و رفت و آمد - که همه از جذبه معنوی امام است - گسترش شهر زیارتگاه و ایجاد خانه و هتل و فروشگاه و مسجد و مدرسه و بیمارستان و نیازمندیهای دیگر زندگانی را فراهم آورده است، که حرم امام در کانون شهر و مرکز آبادانی است. مقصود توجه دادن خوانندگان است به فایده دنیوی و بهره مادی زیارت و زیارتگاه ها که اضافه بر فایده های معنوی و آثار روحانی آنها می باشد. و اینک نمونه آن از «مشهدالرضا»:

سابقه شهر مشهد

مشهد کنونی که نام اولیه آن مشهد الرضا علیه السلام (۳) و گویای شهادت آن حضرت

ص: ۲۰

-
- ۱- اولین خانه ای که بر زمین نهادند [برای عبادت] مردمان، همان خانه مکه است، که در آن برکت و هدایت جهانیان است آل عمران، آیه ۹۶ ترجمه از کشف الأسرار.
 - ۲- بقعه: قطعه زمینی ممتاز از اطرافش، زمینی که زیارتگاهی در آن قرار گرفته باشد. فرهنگ فارسی.
 - ۳- به عنوان نمونه شیخ صدوق (محمد بن علی بن حسین بن بابویه در گذشته به سال ۳۸۱) در عیون أخبار الرضا (۲/۲۸۳) از مدفن آن حضرت به «مشهد» تعبیر کرده یعنی محل شهادت همچنین ابوالفضل بیهقی (م. ۴۷۰) در تاریخ خود دو جا تعبیر «مشهد علی بن موسی الرضا» را به کار برده، و یادآور شده بزرگانی در عمران آن بقعه هزینه کردند یا آن جا دفن شدند (تاریخ بیهقی، از انتشارات دانشکده ادبیات مشهد، چاپ دوم، ۵۳۱، ۷۱۲).

می باشد، مرکز استان وسیع خراسان است و جمعیتی حدود دو میلیون دارد. این شهر بزرگ و آباد در آغاز قرن سوم هجری، هسته مرکزی اش روستای «سناباد» بود که باغ مصفای حاکم آن زمان - حمید بن قُحطَبه - در آن قرار داشت. پس از شهادت امام علی بن موسی علیه السلام در آخر صفر سال ۲۰۳، به فرمان مأمون عباسی حضرت را در بقعه ای واقع در آن باغ - که پدرش هارون الرشید دفن شده بود - با احترام به خاک سپردند. با گذشتِ زمان که حکومت عباسیان به ضعف گرایید و ستاره دولت آل علی بر آمد، حقایق چندی روشن و کراماتی (۱) ظاهر شد که دلها بیش از پیش متوجه مَضَج (۲) فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله گشت و در نتیجه املاکی بر آن وقف کردند و به عمران و توسعه روضه (۳) منوره پرداختند. و نه تنها نام مشهد بر سناباد و نوغان و طوس غلبه کرد، بلکه مشهد الرضا کلان شهری شد که نوغان محله ای از آن و سناباد خیابانی از آن می باشد و گنبدطلایی امام هشتم علیه السلام برترین و فروزان ترین نماد این شهر گردید و دیگر بناها را تحت الشعاع قرار داد.

اشراقات معنوی و علمی حضرت رضا علیه السلام و حوادث روزگار و برتر از آن مشیت آفریدگار چنین بود که هشتمین گوهر صدف امامت دور از مدینه (یعنی زادگاه خود) به خاک سپرده شود و حرمش مِأمن و پناهگاه شیعیان در سرزمین خراسان باشد تا دوستان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بتوانند از اطراف جهان به مشهدالرضا سفر کنند و از فیض زیارت آن امام روف بر خوردار شوند.

ص: ۲۱

۱- کرامت: خارق عادت که از امام و ولی الهی سرزند، چنان که نقل است حضرت رضا علیه السلام از محل دفن خود خبر دادند. عیون اخبار الرضا، تصحیح سیدمهدی حسینی لاجوردی، ۲/۲۲۶.

۲- مَضَج: قبر، آرامگاه.

۳- رَوْضه: باغ، کنایه از قبر.

از خدا جوییم توفیقِ ادب

بی ادب محروم ماند از لطف رب

ادب نگهداشتِ حد هر چیز و حُسن معاشرت است، و از صفات مخصوص انسان و به خصوص انسان تربیت شده فهمیده است. روشن است که در رعایت احترام و آداب دانی، بزرگان دینی و علمی و اجتماعی از اولویت و اهمیت بیشتری برخوردارند، زیرا احترام به آنان در واقع تکریم علم و معنویت و بزرگداشتِ دینِ خداست.

بنابر

این اصل عقلی و اخلاقی است که آداب اجتماعی به وجود می آید و سنتهای مذهبی بین ملتهای جهان وضع می شود، و مراسم خاص دینی و ملی و قومی برای بزرگداشت روحانیان و دانشمندان شکل می گیرد.

پس برای اینکه زیارت به بهترین صورت انجام گیرد باید دارای آدابی و شرایطی باشد تا فواید لازم معنوی بر آن بار شود، و به کاری بیهوده بدل نگردد.

آنچه نقل خواهد شد آداب و دستورهایی است که از کتب معتبر گردآوری شده و در واقع ادب زائر است برای تشرُّف صحیح به پیشگاه مَزور(۱)، که از پیشوایان دین ما رسیده است و دارای فوایدی است که برای بهره مند شدن از آنها دانستن و به کار بستن آنها ضروری است، و گرنه زیارت به عملی بی روح و گشت و گذاری تَفَنُّنی بدل می شود، یا دیدن در و دیوار و دیگر هیچ.

آداب حضور در قرآن کریم

برای اینکه خوانندگان دریابند که رعایت ادب حضور پیشوایان در قرآن کریم نیز تصریح شده به نقل آیاتی که هر یک متضمن سنت و ادبی است می پردازیم.

ص: ۲۲

۱- مَزور: کسی که زیارت می شود.

البته با توجه به این اصل عقیدتی که انبیا و شهدا و بلکه انسان را مردن به معنی نابودی و هیچ و پوچ شدن نیست لزوم بکار بستن این آداب در مرقد مطهر هر یک از آنان چون خانه هاشان و در زمان حیاتشان، روشن می شود:

۱- «فَاخْلَعْ

نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» (طه، ۱۲)

[ای موسی] نعلین از پای بیرون کن که اکنون در وادی مقدسی، [آن درّه پاک کرده طوی هستی].^(۱)

بر طبق این آیه حضرت موسی علیه السلام پیامبر بزرگ خدا مأمور می شود برای ورود در منطقه ای که آوای الهی را می شنود و فرودگاه وحی است، پای افزار بدر آورده پا برهنه داخل گردد. بدیهی است که مردم عادی به طریق اولی لازم است کفش از پای و علاقه ها از دل بیرون کنند، و فروتن گام در حریمهای مقدس نهند.

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ» (احزاب،

۵۳).

ای کسانی که ایمان آوردید! به خانه های پیامبر داخل مشوید مگر اینکه به شما اجازه داده شود.

آیه مذکور مؤنان را از اینکه بی کسب اجازه به خانه های^(۲) پیامبر وارد شوند نهی می کند، با توجه به اینکه آنان را حیات جاودان است رعایت ادب ورود به حریمهایشان و خواندن اذن دخول، چون اجازه گرفتن برای ورود به خانه های آنها لازم و ضروری است.

۳- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ

بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ» (حجرات، ۲).

ص: ۲۳

۱- ترجمه آیات معمولاً از تفسیر کشف الأسرار النبویه الاولى نقل می شود.

۲- مقصود از خانه مکانی است که امروز اتاق گویم.

۳- در سوره حجرات، آیات ۱ و ۳ و ۴ نیز ادبی نزدیک به آنچه ذکر شد بیان می کند.

ای گرویدگان! صداهایتان را زبَرِ صدای پیامبر بلند مکنید، و با او بلند

سخن مگویید چنانکه با یکدیگر بلند گوید.

این آیه ادب سخن گفتن را در پیشگاه نبی معظّم ما یادآور می شود، و به ملایم کردن صدا در تکلم دستور می دهد، که خود نوعی احترام و بزرگ شمردن مخاطب است، و لذا گفته می شود زیارتنامه را به صدای بلند نخوانید.

۴ - «إِنَّ اللَّهَ - وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب، ۵۶).

خدا و فرشتگان او درود می فرستند بر پیغمبر [و ثنائش می گویند]، ای کسانی که ایمان آورده اید درود فرستید بر او و سلام کنید سلام کردنی [با

احترام و تکریم].

بهترین مکان صلوات نکته ای که شایان ذکر است اینکه: چون فیض آفریدگار مستدام و پایدار است، صلوات و رحمتش بر نبی معظّم - که برترین آفریده اوست - نیز دائم می باشد (۱)، و فعل مضارع «يُصَلِّونَ» نیز آن را می رساند، بنابر این صلوات و تحیت موان بر پیامبر که به پیروی از فعل آفریدگار و امری که در آیه شده انجام می گیرد نیز شایسته است ادامه داشته باشد.

بنابر این زیارت‌های معصومین که در حرملهایشان خوانده می شود، و ابتدای بیشتر جملاتش با «السَّلَامُ عَلَيْكَ» شروع می گردد، در واقع اجرای دستور آیه و مصداقی از آن است، پس زیارتنامه خواندن به تنها نوآوری در دین نیست، بلکه به گونه ای اجرای حکم خدای تعالی و عمل به محکم قرآن است.

نکته دیگر اینکه بر طبق احادیث رسیده از طریق شیعه و اهل سنت (۲) هنگام

ص: ۲۴

۱- زیرا عقلاً صحیح نیست که فیاض مطلق از محل قابل و پذیرنده قطع فیض نماید.

۲- برای دیدن این احادیث رجوع شود به تفاسیر مختلف مانند: المیزان، ۱۶/۳۶۶؛ مجمع البیان، ۸/۳۶۹. اینک ترجمه حدیثی که در المیزان به نقل از «الدُّرُ الْمُنْتَوْر» سیوطی آمده و صاحب مجمع البیان همان را با سلسله سند دیگری از طریق شیعه نقل می کند: کعب بن عجره گوید: [چون آیه صلوات نازل شد] مردی گفت ای پیامبر خدا! اما سلام بر تو را دانستیم چیست، صلوات بر آل تو چگونه است؟ حضرت فرمود بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.

صلوات بر نبی اکرم باید آل(۱) آن حضرت را نیز شرکت داد، یعنی ائمه دوازدهگانه شیعه، که معصوم از خطا و منصوص(۲) هستند.

چنانکه آشکار است آیه مذکور مهم ترین ادب حضور پیشوایان دینی و حجت‌های الهی را که سلام و صلوات و طلب رحمت از پروردگار برای آنان باشد بیان می نماید، و چون ارواح ملکوتی و نفوس قدسی آنان همواره زنده و حاضر و پذیرای رحمت بی پایان حق تعالی است، مرقد مطهر هر یک از آنان بهترین مکان، و زیارت‌های مأثوره گویاترین تعبیر و بیان، برای ادای این تحیت و احترام است.

آداب زیارت

اکنون مهمترین آداب زیارت معصومین را که در مزار پاک و آستان مقدس آنان باید رعایت کرد، و محدثین ما در مقدمه کتب زیارت نقل کرده اند(۳)، به زبان امروز بازنویسی و شرح می کنیم.

۱ - داشتن وضو و غسل: از مطالعه باب عبادات در فقه اسلام این نتیجه کلی عاید می شود که در این آیین حنیف، نخست طهارت است و بعد عبادت. این طهارت، بعد از پاک بودن بدن از نجاسات با وضو و غسل حاصل می شود. از

ص: ۲۵

۱- آل الرجل: أهله، «آل» به معنی «اهل» است، که جز در جایی که شرافتمند باشند به کار نمی رود. اقرب الموارد.

۲- منصوص: معین شده، به ثبوت رسیده بر طبق آیات و احادیث.

۳- برگرفته از کتاب مفاتیح الجنان تألیف محدث پارسا شیخ عباس قمی است، که در مقدمه کتاب زیارت - باب سوم کتاب - آورده.

آنجا که اعمال ظاهری اثری خاص در روح انسان دارد، شستشو و طهارت ظاهر که باید به قصد قربت انجام گیرد، علاوه بر نظافت صوری و پاک شدن از بوی ناخوش بدن، در ایجاد طهارت باطن و صفای دل نیز مؤثر خواهد بود، و آمادگی روانی لازم برای دیدار شخصیت‌های مقدس و کسب فیض از حضورشان را به انسان می‌بخشد.

۲ - پوشیدن لباس پاک و نو، که بهتر است سپید رنگ باشد، و خوشبو کردن خود با مواد معطر، جز در زیارت سیدالشهدا حسین بن علی علیه السلام.

۳ - سخن بیهوده و لغو را ترک نماید، و از مجادله و بحث‌های خصومت انگیز جداً پرهیز کند.

۴ - هنگام رفتن به روضه مقدسه با وقار و آرامی گام بردارد، و با حالت فروتنی و سر به زیر حرکت کند و به اطرف خود توجه ننماید، تا تجمع حواس و حضور قلب لازم را در خود فراهم آورد.

۵ - با تسبیح و ستایش آفریدگار متعال زبان را به ذکر و دل را به عظمت الهی مشغول گرداند، و همچنین با فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد حق امامت و هدایت آنها را سپاس گوید.

۶ - اجازه ورود خواستن: چون به حرم و آستان رسول خدا صلی الله علیه و آله یا امام رسید بایستد و اذن دخول بخواند، یعنی اجازه ورود طلبد، چنانکه خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید به خانه‌های پیغمبر داخل مشوید مگر آنکه به شما اجازه داده شود» (۱)، شایسته است زائر معنی اذن دخول را بدانند، و بتوانند با فهم آن، مقامات روحانی و عظمت معنوی حجت‌های الهی را به یاد آورند.

۷ - درباره بوسیدن و دست مالیدن به درهای حرم یا ضریح مطهر امام این

ص: ۲۶

توضیح لازم است که: اسلام دینی است فطری و احکامش سازگار با عواطف و عقل طبیعی انسان می باشد. بدیهی است که یکی از راه های اظهار علاقه به دوست، خویشاوند یا کسی که در نظر ما محترم است بوسیدن او یا تصویر یا اشیاء منسوب به او می باشد. بنابر این بوسیدن در و دیوار اماکن مقدسه به قصد تبرک یا به عشق پیامبر و امام - صلوات الله علیهم - عملی است طبیعی و نشان شور محبت و بزرگداشت آن بندگان برگزیده حق تعالی است.

واقع این است که چون زائر به شوق زیارت پیشوای عزیز و کریم خود رو به حرم مطهرش می آورد و به او دسترسی پیدا نمی کند، با بوسیدن آنچه به حضرتش نسبت دارد شعله عشق خود را نمایان و سوز درونش را آرامش می بخشد. پس چه دور از معرفت و حال محبتند کسانی که این گونه احترامات معمول را جایز نمی دانند، در حالی که خود به بوسیدن عکس و بوئیدن پیراهن فرزند سفر کرده شان می پردازند، یا یادگاری دوستشان را گرامی می دارند!

علاوه بر آنچه گفتیم بنا به نقل ابن حجر (از دانشمندان اهل سنت) «بعضی علما از مشروعیت بوسیدن حجر الأسود استنباط کرده اند که بوسیدن آنچه مستحق تعظیم و شایسته بزرگداشت است - از انسان و غیر او - جایز می باشد» (۱). به هر حال، جز سجده (پیشانی بر زمین گذاشتن) که مخصوص خدای سبحان است و به غیر حق تعالی جایز نیست، سایر احترامات را رعایت کردن شرط ادب و پسندیده است.

۸ - چون قبر مطهر را دید پیش از شروع به خواندن زیارت تکبیر گوید و خدای تعالی را به بزرگی یاد کند. چنانکه بعضی علمای ما یادآور شده اند، ظاهراً حکمت تکبیر قبل از خواندن زیارت این باشد که از پیدا شدن حالت

ص: ۲۷

مبالغه(۱) یا غفلت از عظمت حق تعالی جلوگیری شود.

۹- نا آشنائی عامه مردم با آداب و سنتهای اصیل اسلامی این پندار را در اکثر عوام به وجود آورده که زیارت یعنی گرداگرد ضریح گشتن و آن را لمس کردن و بوسیدن، چنانکه اگر بواسطه زیادی جمعیت موفق به چنین کاری نشوند زیارت خود را ناقص می شمردند و اندوهگین می شوند. در حالی که زیارت با حضور زائر نزد حجت خدا حاصل می شود.

در حقیقت همان توجه قلبی به امام و اظهار احترام و سلام کردن و پیوند قلبی با او برقرار نمودن اصل زیارت است، و خواندن زیارتنامه ها نیز برای افزایش معرفت و ایجاد چنین حال و روحیه ای است.

بنابر این در اطراف ضریح مطهر گردیدن و به آن دست مالیدن، گرچه در خلوت مطلوب است، اما بجا نیاوردن آن هم خللی به اصل زیارت وارد نمی کند، به خصوص که بزرگانی چون علامه محمد باقر مجلسی دور ضریح طواف کردن را محل تأمل دانسته اند.

۱۰- اگر عذری از ضعف و درد پا ندارد زیارت را ایستاده بخواند.

۱۱- هنگام زیارت خواندن پشت به قبله و رو به قبر منور بایستد، و چون از آن فارغ شد گونه ها را به ضریح گذارد و تضرع و دعا کند و سپس به طرف سر مطهر برود و رو به قبله ایستاده دعا کند.

۱۲- زیارتهای مأثوره و منقول از ائمه معصومین علیهم السلام را بخواند، و از خواندن عبارات مجعول و ساخته افراد اجتناب کند.

۱۳- هنگام خواندن زیارت صدای خود را بلند نکند، چنانکه آیه مربوط پیش از این نقل شد.

۱۴- دو رکعت نماز به نیت نماز زیارت بخواند، و بهتر است در بالای سر

ص: ۲۸

۱- مبالغه: صفات پسندیده یا ناپسند شخصی را به صورتی بیان کردن که دور از ذهن باشد و از این راه عظمت و تعالی (یا بدی) او را نشان دادند.

۱۵ - بعد از نماز دعاهای وارده را بخواند، یا آنچه به خاطر او می رسد برای خود و بستگان و حق داران از پروردگار متعال بخواهد.

۱۶ - قرآن تلاوت کند و هدیه نماید به روح مقدس امام. مرحوم مجلسی در تحفه الزائر به استحباب قرآن خواندن در حرم هر امام تصریح کرده.

۱۷ - اگر ورود زائر به حرم مصادف با اقامه جماعت شود، ابتدا نماز بجا آورد و سپس زیارت بخواند. همچنین اگر در بین زیارت نماز بر پا شد مستحب است که زیارت را قطع کند و به نماز روی آورد.

۱۸ - بانوان هنگام زیارت رعایتِ حفاظ و حجاب خود را باید بنمایند، و محل عبور و زیارت خود را جایی انتخاب کنند که موجب اختلاط و رویارویی با مردان نشود.

۱۹ - بر مسکینان و درماندگان به خصوص افراد آبرومندی که در غربت تهیدست شده اند، احسان و انفاق کند.

۲۰ - چون حظّ روحانی خود را از زیارت بدست آورد، در بیرون رفتن از حرم مقدس شتاب کند، نه اینکه در گوشه و کنار برای استراحت بنشیند و به سخنان دنیوی یا بیهوده خود را سرگرم نماید. (۲)

ارزیابی و خودسازی

هدف غائی عبادات، تزکیه نفس و خودسازی و آماده کردن روح برای معرفتِ آفریدگار متعال و اولیائش می باشد، و این هدف را زیارتها تأمین

ص: ۲۹

۱- چون فضای بالای سر امام محدود است و زائران فراوان، سزاوار است مؤنان بعد از خواندن نماز زیارت، محل را برای فیض بردن بقیه برادران ترک کنند.

۲- برای آگاهی از نظر علمای اهل سنت درباره آداب سفر و زیارت مرقد مطهر نبوی و شباهتهای زیاد به آنچه نقل شد، رک: وفاء الوفاء، الطبعه الرابعه، ۴/۱۳۸۸ - ۱۴۱۳.

می‌کند. بنابر این شایسته است زائر بعد از بکار بستن آداب مذکور و خواندن زیارات مأثوره به ارزیابی خود پردازد و ببیند در برابر رنج سفر و تحمل مخارج مختلف و تشرّف به حضور امام چه عایدش شده؟

جذبه معنوی امام دل او را تحت تأثیر قراردادده به طوری که خواهشهای نفسانی اش کاهش پیدا کرده و محبتش به امام افزایش یافته باشد؟

آیا قدرت بر ترک گناه و تغییر اخلاق ناپسند و عادت زشت خود پیدا کرده؟

و در عمل به وظائف اجتماعی و شرکت در صحنه مبارزه با ظلم و کفر و نفاق و حمایت از اسلام و مسلمین، گرم رو و تیزکوش گشته؟

و علاوه بر اینها در پی خواندن زیارتنامه ها محبت و معرفتش نسبت به اولیای دین و ائمه معصومین افزونتر شده؟

آیا ولایت و حکومت و داوری امام را بر خود کاملاً پذیراست؟

و در زمان غیبت امام زمان - عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ - خود را محکوم چه حکمی می‌داند؟

آیا ولایت فقیه عادل آگاه و بصیر به حوادث واقعه را به نیابت عام از امام عصر علیه السلام پذیراست؟ و اگر نمی‌پذیرد والی و هادی و سرپرست خود را در مسائل اجتماعی که می‌داند؟...

کوتاه سخن آنکه باید در اندیشه و عقیده، گفتار و کردار، زندگی فردی و اجتماعی خود تجدید نظر کند: ضعفها را به قوت و تاریکیها را به روشنایی بدل کند، و مخصوصاً در کسب معرفت و محبت امام بکوشد، و ولایت و زعامت او را بر خود و خانواده اش بپذیرد، و به حقیقت پیرو اوامر و نواهی اش گردد، تا در آنچه به عنوان زیارت خوانده راستگو و صادق باشد، نه آنکه دلش زبان را و کردارش گفتار او را تکذیب کند.

اهمیت زیارت در احادیث اگر احترام و تکریم دانشمندان، پارسایان،

خدمتگزاران به انسان، مجاهدان راه خدا و بالأخره آنها که به حقیقت انسان کامل و شایسته اند، به حکم عقل و عرف بشری لازم است، بی شک انبیا و اوصیائشان سزاوارترین افراد به این تعظیم و تکریمند، و زیارت چنین احترامی است که با حضور در مشهد و درود و تحیت بر ارواح پاک آنها و برشمردن فضایلشان انجام می گیرد، و در اخبار مذهبی ما بر چنین عملی تأکید فراوان شده است. این تأکید و توصیه در احادیث به عنوان «ثواب» ذکر شده که به توضیح آن می پردازیم.

ثواب زیارت

«وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ»^(۱)

چنانکه در داد و ستد روزانه اجرت و مالی که می پردازیم نشان ارزش و فایده کار است، در عبادتها هم ثواب روشنگر فواید معنوی و روحانی یا آثار اجتماعی آن است، و اهمیتی که خدای سبحان از این جهات به آن عبادت

ص: ۳۱

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۹۵: و خدای آن است که نیکوئی ثواب نزد اوست.

می دهد. بنابراین ثوابهایی که در روایات برای زیارت آمده روشنگر عظمت و جلالت قدر کسی است که زیارت می شود و نیز شایستگی عمل زائر.

علاوه بر این چون آدمیزاد به طور طبیعی طالب دریافت پاداش اعمال خود است، ارضای این میل فطری را با تعیین ثواب برآورده اند، بدین ترتیب ثوابهای نقل شده برای زیارت، مشوق و محرک نیکو برای بیشتر مردم است تا به زیارت رو آورند و نام آن حجت‌های الهی در خاطرها جاودان ماند و مشعل هدایت و دلالت همواره بر فراز مناره های علم و ایمان پرتو افکن باشد.

مستحق ثواب

به حکم عقل و مدارک شرعی ثواب بردن از زیارت و دیگر کارهای خیر گزارف و بی حساب نیست، و تنها با برخی اعمال بدنی بی روح و بی توجه - مانند در و دیوار را بوسیدن و آثار هنری را نگریستن - حاصل نمی شود.

گفتیم حرکات سرسری و بدون حضور قلب و بی توجه به امام اصلاً زیارت نیست بلکه سیاحت است و عبادت محسوب نمی شود، و طبعاً مقبول خدای تعالی نمی باشد، و ثوابی هم که پاداش عبادت است به آن تعلق نمی گیرد. زیرا زیارت و بلکه هر عبادت صحیح مورد قبول باید با معرفت و بر طبق دستور شارع و به قصد قربت به خدای تعالی باشد و دور از خودنمایی و سود شخصی. (۱)

چنان عبادتی به تدریج آثاری در روح و جان انسان می گذارد، صفات

ناپسند او را تغییر می دهد و به فضایل و محاسن اخلاقی آراسته می کند، و به الگو و اسوه ای که در برابر دارد - یعنی امام - نزدیک می نماید.

چون این محاسن و کمالات ملکه انسان شد یعنی صفتی ثابت در نفس، این

ص: ۳۲

۱- «ألا لله الدين الخالص» الزمر، ۳: آگاه باشید که دین خالص [بی هیچ شرک و ریا] برای خداست.

سرمایه های وجودی را که در دنیا کسب کرده با خود به سرای جاودان می برد و اجری متناسب آن می یابد، و این است معنی استحقاق ثواب یافتن و سزاوار نعمتهای آن جهانی بودن.

در خبر است: اذکار «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر» درخت بهشتی می شود و گناه و فساد، آتشی که آنها را می سوزاند. (۱) بعضی از خویهای ناپسند چون حسد و تکبر و ریاست طلبی آتش سوزانی است که اصل ایمان را نابود می کند. (۲)

قرآن کریم می فرماید: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّخَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا» (آل عمران / ۳۰): روزی که هر کس آنچه از کار نیک یا زشت انجام داده است حاضر می بیند، آرزو می کند که کاش بین او و بین کار زشتش مسافت درازی فاصله می بود.

باز هم می فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال / ۷ - ۸): پس هر کس هم وزن یک ذره کار نیک بکند آن را می بیند و هر کس هم وزن یک ذره کار زشت بکند می بیند.

استاد مطهری درباره پادشاهای روز قیامت می نویسد:

«مجازات آخرت، تجسم یافتن عمل است، بهشت و جهنم آنجا همین

اعمال نیک و بد است که وقتی پرده کنار رود صورت جسمانی پیدا می کند. تلاوت قرآن صورتی زیبا می شود و در کنار انسان قرار می گیرد، غیبت و رنجاندن مردم به صورت خورش سگان جهنم در می آید.

به عبارت دیگر اعمال ما صورت ملکی دارد که فانی و موقت است، و آن همان است که در این جهان به صورت سخن یا عملی دیگر ظاهر می شود،

ص: ۳۳

۱- رجوع شود به وسائل الشیعه، جزء دوم از جلد ۲، انتشارات مکتبه المحمدی.

۲- اصول کافی، چاپ اسلامی، ۲/۲۳۱.

و صورتی و وجهه ای ملکوتی دارد که پس از صدور از ما هرگز فانی نمی شود و از توابع و لوازم و فرزندان جدا ناشدنی ماست. (۱)»

بنابر این مستحق ثواب زیارت و نماز و دعا کسانی خواهند بود که با مداومت بر این طاعات، حالت توجه به پروردگار و تذکر و خلوص یافته و مسلمانی مَهْدَب و تربیت شده باشند، و از گناهان به خصوص آنچه مربوط به حق الناس است جداً پرهیز نمایند، تا آثار و فواید زیارت از روحشان زایل نگردد.

زیارت و تجدید پیمان با امام

۱ - آغاز این بحث را حدیثی قرار می دهیم از سخنان نورانی علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية والثناء - که انوار علمی اش پر فروغ تر از خورشید خراسان (۲) است و روشنی بخش دل‌های شیعیان:

هر امامی را پیمانی در گردن اولیائش و شیعه اش می باشد. وفای به این پیمان وقتی تمام و کامل است که قبرهایشان زیارت شود. پس کسی که امامان را مشتاقانه زیارت کند، و به آنچه مورد خواست و رغبت آنان بوده تصدیق داشته باشد، امامانش در روز رستاخیز شفیع او خواهند بود. (۳)

توضیح: نخستین آموزش این حدیث معتبر (۴) این است که زیارت متمم و

ص: ۳۴

۱- عدل الهی، ۱۵۳ - ۱۵۷.

۲- خراسان: به معنی «مشرق» است، و نام ولایتی است مشهور که چون در شرق فارس و عراق واقع است بدین نام خوانده شده برهان قاطع. خراسان در اصل: «خورآیان» بوده یعنی جایی که خورشید برآید.

۳- وسائل الشیعه، ۱۰/۲۵۳؛ بحار الأنوار، ۱۰۰/۱۱۶. در جمع آوری احادیث از دو کتاب مزبور آقای علی اصغر فرزانه با نویسنده همکاری کرده، بدین وسیله تشکر می شود.

۴- این حدیث در کتب معتبر کهن نقل شده: اصول کافی از محمد بن یعقوب کلینی م. ۳۲۹، و عیون الاخبار از ابوجعفر صدوق (م. ۳۸۱) و مُقَنَعَه از شیخ مفید (م. ۴۱۳).

مکمل وفای به عهدی است که هر مأموم با امام خود بسته، و به زبان امروز رأی اعتمادی است که به رهبر فکری و پیشوای حکومتی اش که منصوب از طرف خداست می دهد. با تأملی اندک می یابیم که دیدار شوق آمیز مرقد امام و شرح مناقب و فضائلشان ضمن خواندن زیارتنامه، حَقّاً که تجدید پیمان مودت و امامت است با او، و هم یادآور وظایفی که زائر نسبت به حجت خدا دارد.

دومین آموزش بیان حالت خاصی است که زائر باید داشته باشد، یعنی رغبت و میل فراوان به دیدار امام، که البته نتیجه معرفت ابعاد گوناگون شخصیت امام است و شناخت درست او که در معرفی کوتاهش توان گفت: جانشین خدا در زمین (۱)، نماینده آفریدگار بین مردم، و امام و پیشوای دادگستر امت اسلام.

سومین آموزش تصدیق زائر است به آنچه مورد خواست و محبت امام

است. اگر به خاطر آوریم که اینان خواستی و رضایتی جز خواست و رضای آفریدگار متعال ندارند، به این نتیجه می رسیم که زائر باید در پی تحصیل رضای الهی و فرمانبرداری از آن ذات پاک بر آید.

آری امام زائری چنین با معرفت و مطیع را شفیع خواهد بود.

۲- زید شَحام می گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام گفتیم: کسی که یکی از شما را زیارت کند چه اجری دارد؟

فرمود: مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد. (۲)

۳- امام محمّد باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می فرماید که گفت: هر کس مرا یا یکی از فرزندانم را زیارت کند روز قیامت او را زیارت می کنم و از ترسهای آن روز نجاتش می دهم. (۳)

ص: ۳۵

۱- راوی گوید: شنیدم که حضرت رضا علیه السلام می گفت: ائمه خلفای خدای عزوجل در زمینند الاصول من الکافی، کتاب الحجّه، ۱/۱۹۳.

۲- وسائل الشیعه، ۱۰/۲۴۶؛ اهمیت و ثواب زیارت رسول اکرم بزودی خواهد آمد.

۳- وسائل الشیعه، ۱۰/۲۵۹.

زیارت پیشوا پس از زیارت خانه خدا

در چند حدیث پایان یافتن و کامل گشتن حج - زیارت خانه خدا - و یادبود کوششهای مخلصانه حضرت ابراهیم علیه السلام، به این است که زائر بعد به زیارت حضرت رسول و ائمه نیز تشریف حاصل کند:

۱ - عبدالله بن عمر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: هر کس حج گزارد، سپس قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند، مانند کسی است که مرا در دوران حیاتم زیارت کرده است.

این حدیث را مرحوم امینی از ۲۱ حافظ و عالم حدیث شناس اهل سنت نقل کرده است. (۱)

۲ - نیز عبدالله بن عمر از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: هر کس قصد خانه خدا کند ولی مرا زیارت نکند بر من ستم کرده است. (۲)

این دو حدیث - که نمونه هایی دیگر نیز دارد - اهمیت فراوان زیارت نبی رحمت اسلام را می رسانند، و دلیلی است بر لزوم زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله، و کسب فیض از مرقدش، همچون خانه اش در زمان حیات.

۳ - حضرت صادق علیه السلام فرمود: چون یکی از شما [شیعیان] حج گزارد، حش را به زیارت ما ختم کند زیرا این [زیارت] جزء پایانی حج است. (۳)

۴ - روایتی که ابوحمزه ثمالی از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند روشنگر معنی

احادیثی است که در این زمینه رسیده و توضیحی است بر احادیث مذکور:

ابوحمزه می گوید: در حالی که ابوجعفر - باقر العلوم علیه السلام - بر در مسجد نشسته بود و مردمی را که طواف می کردند نظاره می نمود، به من گفت:

ص: ۳۶

۱- الغدیر، ۵/۹۸ - ۹۹ .

۲- الغدیر، ۵/۱۰۰. این حدیث در ۹ کتاب از دانشمندان اهل سنت ذکر شده.

۳- بحار الأنوار، ۱۰۰/۱۳۹.

- ای اباحمزه: اینان مأمور به چه کارند؟

- من ندانستم چه پاسخ دهم. پس امام خود گفت:

- همانا به آنان امر شده که به این سنگها [یعنی خانه سنگی] طواف کنند، سپس نزد ما آیند تا ولایتشان را به ما اعلام کنند. (۱)

اعلام ولایت نخست باید موقعیت زمانی - مکانی این سخن را در نظر آورد که خانه خداست و هنگام ادای فریضه حج، یعنی بهترین زمان و مکان. از نظر سیاسی اوایل حکومت بنی عباس است، کسانی که به نام آل علی مسلمانان را دعوت به بیعت کردند و سپس با آنان و زائرانشان بدترین رفتار را کردند. در چنین اوضاع اجتماعی - دینی است که باقرالعلوم علیه السلام از انبوهی جمعیت در مسجدالحرام استفاده می کند و به نکته ای نغز که مغز اعمال حج و روح عبادت است اشاره می فرماید: معرفت امام، شناخت پیشوا و راهنما، و اعلام دوستی و پیروی از او.

چه بسا تبلیغات عوام فریب طاغوت‌های هر زمان و ظاهر پرستی مردم دور مانده از عالم ربّانی و رهبر الهی، رفته رفته طواف گرد خانه سنگین و حرکات بدنی خاص را تمام هدف معرفی کند، و مردم را دلخوش دارد که «عبادت» کرده اند! در حالی که اعمال بدنی - حتی در نماز - نشانی‌ها، سَمَبَل‌ها و رمزواره‌هایی از معارف و واقعیاتی چند است مانند: اظهار کوچکی در پیشگاه معبود، پی بردن به عظمت آفریدگار، دوری از تکبر و خودبزرگ بینی، تهذیب نفس، اتحاد و پیوستگی مسلمین جهان، وحدت در عبادت، ایجاد اخوت و همکاری و مشکل‌گشایی از یکدیگر، اعانت به «بِرّ و تقوی»، دفع ظلم و ظالم و مبارزه با متجاوزان و طغیانگران و مال‌اندوزان، و در یک عبارت: اِعْلَی کلمه توحید و توحید کلمه.

ص: ۳۷

اینک جای پرسش هست که این معارف والا را که نیکو می دانند؟ که درست می شناسد و صحیح معرفی تواند کرد؟

جز راهنمایی بصیر و راه آشنا؟ که رسول خداست و حضرت علی و فرزندان معصومش علیه السلام، که امام باقر علیه السلام از آن به «اعلام ولایت» در حضورشان تعبیر می فرماید.

زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جوار آن حضرت

این بحث را با ترجمه حدیثی که عبدالله بن عمر روایت کرده آغاز می کنیم تا درجه اهمیت زیارت در نزد علمای اهل سنت نیز نمودار شود.

۱ - رسول خدا صلوات الله علیه گفت: هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعتم او را واجب شود.

علامه محقق عبدالحسین امینی از کتابهای معتبر (صِحاح) اهل سنت ۴۱ مأخذ را با نام و سال وفات مؤلف ذکر می کند که حدیث مذکور را نقل کرده اند. (۱) از طرق شیعه نیز حدیث مذکور با عباراتی قریب به آن و یا با اضافاتی نقل شده، به طوری که جای تردیدی در صحت آن باقی نمی گذارد. (۲)

۲ - ائمه معصومین ما از پیامبر خدا روایت می کنند که گفت: هر کس قبر مرا بعد از درگذشتم زیارت کند، مانند کسی است که در حیاتم به سوی من هجرت کرده. پس اگر شما توانایی [زیارت از نزدیک را] ندارید، به سویم سلام فرستید که آن به من می رسد. (۳)

ص: ۳۸

۱- الغدير، ۵/۹۳ - ۹۶؛ وفاء الوفا بأخبار دارالمصطفى، الطبعة الرابعة، ۴/۱۳۳۶. مؤلف کتاب - نورالدین سمهودی - پس از نقل حدیث از دار قطنی و بیهقی می نویسد: سُبکی خبر را در نسخه های معتبر دیده و روایانش را توثیق کرده است.

۲- رجوع شود به: کامل الزیارات، باب دوم، ۱۲ - ۱۵، و دیگر مجامع حدیث شیعی.

۳- کامل الزیارات، ۱۴، حدیث ۱۷. سمهودی نزدیک به آن مضمون را نقل کرده بدین عبارت: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ حَجَّ فَرَارَ قَبْرِي بَعْدَ وَفَاتِي، كَانِ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَفَاءَ الْوفا، ۴/۱۳۴۱.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ - وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (۱)

از آداب باطنی زیارت که مناسب با حضور در مشهد مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله و دیگر امامان معصوم علیهم السلام می باشد، توسل و شفیع گرداندن آنان در پیشگاه خدای تعالی و حاجت خواستن است.

طبیعی است که انسان برای برآمدن حاجتش از دیگری کمک طلبد، و کسی را که وجیه و مقرب است نزد صاحب حاجت وسیله و واسطه گرداند. زائر نیز در محیط روحانی اماکن متبرک برای خودسازی به محاسبه نفس می پردازد، و گذشته زندگی اش را - که خود بازیگر صحنه های آن است - بر پرده ذهن می بیند. بی شک صحنه های تاریک و زشت آن اشک حسرت از دیدگانش روان می سازد، اما راهی برای رهایی از پی آمد بدکاریهایش نمی یابد، جز اینکه آفریدگار غفار را به جاه و تقربی که صاحب بقعه نزدش دارد بخواند و بخواهد که از گناهانش درگذرد، و آثار سوء زشتکارها و مفاسد را از روحش زایل گرداند. بدین ترتیب زائر، خاتم انبیا یا ائمه هدی را که مظهر رحمت و جلوه گاه مغفرت آفریدگارند، و مقرب و پذیرفته نزد خدای تعالی، با شخصیت عقب مانده و آلوده خود جفت و قرین می گرداند (۲)، تا با این وسیله - که خدای مهربان خود قرار داده - رحمت و مغفرتش را جلب کند، و آمادگی لازم برای تقرب به

معبود متعال را بیابد.

ص: ۳۹

۱- سوره مائده: آیه ۳۵: ای کسانی که ایمان آورده اید! از [عذاب] خدا بترسید، و وسیله ای [برای تقرب به خدا] بجوید.

۲- توضیح مذکور با توجه به معنی لغوی «شفاعت» و ریشه آن «شَفَع» می باشد به معنی پیوستن شخصیتی برتر با فروتر رک: المفردات فی غریب القرآن.

بنابر این به طور کلی و از نظر اخلاقی نمی توان هر نوع «شفاعت» را که «خواهش کردن» مقربان الهی است برای آمرزش یا روا شدن حاجت بنده ای که به آنان متوسل شده مذموم دانست، آنچه مذموم است خواهش بی مورد و درخواست نامشروع و خلاف قانون است، یا متوسل شدن به افراد ناشایست برای برآمدن حاجت.

با آنکه توسل و شفیع جُستن و شفاعت خواستن به این معنی، از نظر عقلی و نقلی منعی ندارد، متأسفانه وهابیان آن را منافی با توحید در عبادت دانسته شرک شمرده اند. حل این اختلاف و راه به حقیقت رسیدن در چنین موضوعات دینی، مراجعه به نخستین و مطمئن ترین منبع اعتقادی مسلمین یعنی کلام الله مجید است، با در نظر داشتن تمام آیات وارده در این موضوع و استفاده از تفسیر عالمان به قرآن و سنت نبوی. چون کتاب را گنجایش نقل آنها نیست (۱)، راه اختصار را پیش گرفته گوییم:

استاد دانشمند مرتضی مطهری رحمه الله در موضوع شفاعت تحقیقی عالمانه کرده و پاسخ شبهات مخالفان را داده (۲). اندکی از آن بحث مُستدلّ نقل می شود:

شفاعت از آن خداست، فرق اساسی شفاعت واقعی و حقیقی با شفاعت باطل و نادرست در این است که شفاعت واقعی از خدا شروع می شود و به گناهکار ختم می گردد، و در شفاعت باطل عکس آن فرض شده است... در شفاعت های باطل که نمونه آن در دنیا وجود دارد، شفیع وسیله بودن خود را از ناحیه مجرم کسب کرده است، زیرا اوست که وسیله را برانگیخته و به شفاعت وادار کرده است. ولی در

ص: ۴۰

۱- برای ملاحظه آیات مربوط به شفاعت و بحثهای تفسیری مربوط رجوع شود به: المیزان فی تفسیر القرآن، السید محمد حسین الطباطبائی، ج ۱، ذیل آیه ۴۷ - ۴۸ سوره بقره. به علاوه قرآن شفاعتی را که با اذن خداوند باشد روا دانسته: «مَنْ ذَالَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» البقره / ۲۵۵: کیست که در نزد او جز به فرمان او شفاعت کند.

۲- رجوع شود به: عدل الهی، انتشارات حسینیه ارشاد، ۱۳۴۹، بخش ششم، ۱۶۵ - ۱۹۱.

شفاعت های حق که نسبت دادن آن به دستگاه خدا صحیح است، وسیله بودنِ شفیع به دست خداست...

آیاتی از قرآن کریم که می گوید امکان ندارد شفاعت بدون اذن خدا صورت بگیرد ناظر به همین نکته است مخصوصاً در این باره تعبیری فوق العاده جالب و عجیب هست که می گوید:

«قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا»^(۱): بگو شفاعت تمام مخصوص خداست...

توحید و توسّلات از آنچه گفتیم نکته ای بسیار عالی و مهم در توحید عبادی به دست می آید. آن نکته این است که در توسّل و شفاعت خواستن از اولیای خدا اوّل باید تحقیق کرد که به کسی و از کسی باشد که خداوند او را وسیله قرار داده است. قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ - وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ».

به طور کلی توسّل به وسائل و تَسْبُوب^(۲) به اسباب با توجه به اینکه خداست که سبب را آفریده است، و خداست که سبب را سبب قرار داده است، و خداست که از ما خواسته است از این وسائل و اسباب استفاده کنیم به هیچ وجه مانعی ندارد و ربطی هم با شرک ندارد، بلکه عین توحید است، و در این جهت هیچ فرقی میان اسباب مادی و اسباب روحی نیست، هیچ فرقی میان اسباب ظاهری و اسباب معنوی نیست. منتهای امر این است که در اسباب مادی از روی تجربه و آزمایش علمی باید فهمید که چه چیز سبب است، و در اسباب معنوی از طریق خود دین یعنی از طریق وحی و از طریق کتاب و سنت این مطلب را باید کشف کرد.

ثانیاً هنگامی که انسان متوسل می شود، باید توجهش به خدا و از خدا به وسیله و شفیع باشد، زیرا چنانکه گفتیم شفاعت

واقعی آن است که خدا شفیع را برای شفاعت برانگیخته، و چون خدا خواسته و رضایت داده است شفیع شفاعت می کند، بر خلاف شفاعت باطل که توجه اصلی به شفیع است برای اینکه کارساز باشد. پس اگر توجه اصیل به شفیع باشد و از ناحیه توجه به

ص: ۴۱

۱- زُمر، ۴۴.

۲- تَسْبُوب: سبب جُستن، طلب اسباب.

خدا پیدا نشده باشد مشرک در عبادت خواهد بود... به همین جهت است که خدای متعال گناهکاران را ارشاد فرموده است که در خانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بروند، و علاوه بر اینکه خود طلب مغفرت می کنند از او بخواهند که برای ایشان طلب مغفرت کند. قرآن کریم می فرماید:

«وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ - وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (۱).

ترجمه: و اگر ایشان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند، و از خدا آمرزش می خواستند، و پیامبر برای ایشان طلب مغفرت می کرد، خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.

آری به عمل صالح و تقوای فقط نمی توان تکیه کرد، همان طوری که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین روزهای زندگی پاکش در خطبه خویش فرمودند که: نجات دهنده ای نیست جز عمل و دیگر رحمت خدا.

پاسخ ایرادها با تفسیری که از شفاعتِ مغفرت کردیم، پاسخ ایرادهای شفاعت به این ترتیب به دست می آید:

۱ - شفاعت نه با توحید عبادتی منافات دارد و نه با توحید ذاتی، زیرا رحمت شفیع چیزی جز پرتوی از رحمت خدا نمی باشد، و انبعاث شفاعت و رحمت هم از ناحیه پروردگار است.

۲ - همان طوری که اعتقاد به مغفرت خدا موجب تجزّی (۲) نمی گردد، و تنها ایجاد امیدواری می کند، همین طور اعتقاد به شفاعت هم موجب تشویق به گناه نمی باشد. توجه به این نکته که شرط شمول مغفرت و شفاعت، مشیت خدا و رضای او معرفی شده است، روشن می کند که اثر این اعتقاد تا این اندازه است که دلها را از یأس و نومیدی نجات می دهد و همواره بین خوف و رجا نگاه می دارد.

۳ - شفاعت بر دو نوع است: باطل و صحیح، و علت اینکه در برخی از آیات قرآن

ص: ۴۲

۱- نساء، ۶۴.

۲- تجزّی: جرأت پیدا کردن برای گناه.

شفاعت مردود شناخته شده و در برخی دیگر اثبات شده است، وجود دو نوع تصور از شفاعت می باشد، و قرآن خواسته است که اذهان را از شفاعت باطل متوجه شفاعت صحیح بفرماید.

- ۴- شفاعت با اصل عمل منافات ندارد، زیرا عمل به منزله علت قابلی (۱)، و رحمت پروردگار به منزله علت فاعلی می باشد.
- ۵- در شفاعت صحیح تصور اینکه خدا تحت تأثیر قرار بگیرد وجود ندارد، زیرا شفاعت صحیح جریانی است از بالا به پایین.
- ۶- در شفاعت و همچنین در مغفرت استثنا و تبعیض وجود ندارد، زیرا رحمت پروردگار نامحدود است، محرومیت از ناحیه قصور قابل است و اختلاف قابلیتها ذاتی است و لازمه نظام جهان می باشد. (۲)

ص: ۴۳

-
- ۱- یعنی زمینه ساز، بوجود آورنده زمینه قبول و پذیرش رحمت و مغفرت.
 - ۲- پایان قسمت های منتخب از «عدل الهی» با اندک تصرّف لفظی. چون مطالب منقول از دانشمندی اسلام شناس و شیعی می باشد سندی است برای دفع اتهاماتی که در این باره به شیعه زده می شود.

ثواب زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و عمران قبور امامان

۱- وهب بصری می گوید وارد مدینه شدم و به حضور امام صادق علیه السلام

شرفیاب گشتم، و گفتم:

- فدایت گردم به خدمت رسیدم ولی قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت نکردم.

- امام گفت: چه بد کردی! اگر نه این است که تو حتماً از شیعیان ما هستی من به سویت نظر نمی کردم.

آیا زیارت نمی کنی کسی را که خدای تعالی و فرشتگان زیارت می کنند؟ و انبیا با مؤنان زیارت می کنند؟

- گفتم: فدایت گردم، من این را نمی دانستم.

- فرمود: بدان همانا که امیرالمؤمنین علیه السلام نزد خدا از همه امامان افضل و برتر است... (۱).

۲- رسول الله صلی الله علیه و آله گفت: ای علی! هر کس مرا در زندگی ام یا بعد از فوتم زیارت کند، یا ترا در حیات یا

پس از درگذشتت زیارت کند، یا دو فرزندت - حسن و حسین - را در زندگی یا بعد از فوتشان زیارت کند، ضمانت می

کنم که از ترسها و سختی های روز رستاخیز نجاتش دهم، تا اینکه او را هم درجه خودم گردانم. (۲)

ص: ۴۴

۱- کامل الزیارات، ۳۸.

۲- وسائل الشیعه، ۱۰/۲۵۷. همانند این حدیث است خبری که در بحار الأنوار ۱۰۰/۱۴۱ و کامل الزیارات صفحه ۱۱ آمده.

۳- ابی عامر و اعظ اهل حجاز گوید: به حضور امام صادق علیه السلام رسیدم و گفتم:

- اجر کسی که قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کند و به آبادی آن پردازد چیست؟

- حضرت فرمود: ای ابا عمّار! پدرم از پدرش و جدش حسین بن علی علیه السلام

برایم حدیث کرد که نبی اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام گفت:

- سوگند به خدا که تو حتماً در سرزمین عراق کشته می شوی و در آنجا دفن می شوی.

- گفتم: ای رسول خدا! کسی که قبرهایمان را زیارت کند و آباد نماید، و به آنجا رفت و آمد کند و دایرش بدارد چه ثوابی دارد؟

- پیغمبر به من گفت: ای ابوالحسن! همانا که خدا قبر تو و فرزندان را قطعه ای ممتاز از قطعات بهشت و عرصه ای از میدانهای آن قرار داده. راستی که خدا دلهای نجبای از خلقتش و بندگان برگزیده اش را راغب و مایل به شما کرده است. این زبندگان هرگونه اذیت و مذلت را به خاطر شما تحمل می کنند و قبرهایتان را آباد می کنند، و برای تقرب به خدا و مودتی که به رسولش دارند زیاد به زیارتش می روند.

ای علی! شفاعت من به اینان اختصاص دارد، و به حوض کوثر^(۱) وارد می شوند، و هم اینان فردا در بهشت زائر من هستند.^(۲)

ص: ۴۵

۱- «کوثر» علاوه بر حوض بهشتی به هر «خیر کثیر» مانند کثرت ذریه رسول اکرم و پیروان حضرتش و علم کثیر تفسیر شده. برای آگاهی از نظریات مختلف در این باره رجوع شود به: تفسیر نوین، محمدتقی شریعتی، ۳۵۵ - ۳۶۳؛ تفسیر صافی، ملامحسن فیض کاشانی از انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۸۵۷.

۲- وسائل الشیعه، ۱۰/۲۹۸ با تلخیص.

اهمیت و ثواب زیارت سیدالشهدا علیه السلام

مقدمه هر چند پیشوایان مذهبی ما و عترت طاهره رسول خدا - چنانکه در زیارتهاشان می خوانیم - هر یک به نوعی شهید شدند، و تاریخ تشیع از آغاز با خطّ خونین شهادت رقم خورد، اما کیفیتِ به شهادت رساندنِ حسین بن علی علیه السلام آنقدر فجیع و ظالمانه، زشت و دل آزار، وحشیانه و اندوهنا بود که در دفتر شهدای اسلام عنوانی برجسته و ممتاز یافت.

از طرف دیگر نیت صدق و انگیزه خدایی و جانفشانی و فداکاری اباعبدالله علیه السلام و یاران و بستگانش در راه اسلام، مقاومت و مخالفت حضرتش در برابر حکومت غاصبِ کافرِ یزید، و مزایای دیگر این شهادت به حدّی بود که آن امام «سیدالشهدا» لقب گرفت، و «شهادت» و «شهید» با قیام و جهاد مقدسش ارزش تازه و معنی نو پیدا کرد.

در پی حادثه غم انگیز شهادت امام حسین علیه السلام، «زیارت» نیز تجدید حیات کرد و تولدی دیگر یافت، و زائر حسینی مقامی والا و سیمایی ملکوتی پیدا کرد، و کربلا قبله آزادگان و مورد عنایت خدای شهیدان گردید، و حائر شریف پهلو به کعبه مشرفه زد.

آنچه بعد از این خواهد آمد اندکی است از اهمیت و تأکید فراوانی که به زیارت سیدالشهدا علیه السلام و ثواب آن شده.

۱ - از ابوجعفر باقر العلوم علیه السلام نقل شده که فرمود:

شیعیان ما را به زیارت قبر حسین علیه السلام امر کنید، که آمدن به حضورش بر هر مؤمنی که به امامت حسین علیه السلام از طرف خدای عزوجل اقرار دارد فرض و واجب است. (۱)

با آنچه درباره عظمت شهادت امام حسین علیه السلام می دانیم، خواننده نباید از اینکه زیارت آن حضرت برای شیعیان فریضه شده به شگفتی درآید.

۲ - حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

اگر یکی از شما تمام عمرش حج گزارد، اما حسین بن علی علیه السلام را زیارت نکند، حقی از حقوق خدا و رسولش را ترک کرده است، زیرا حق حسین علیه السلام فریضه ای است از خدا که بر هر مسلمانی واجب است. (۲)

۳ - اُمّ سعید احمسیّه از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که به من گفت:

- ای اُمّ سعید! آیا قبر حسین را زیارت می کنی؟

- گفتم بلی. بعد به من فرمود:

- حتماً او را زیارت کن، که همانا زیارت قبر حسین علیه السلام بر مردان و زنان واجب است. (۳)

بنابر حدیث مزبور زیارت سیدالشهدا علیه السلام برای بانوان هم لازم و حتمی است.

زیارت خائفانه

زیارت سیدالشهدا علیه السلام همچون عزاداری حضرتش سنتی است الهی که نزد رسول خدا و ائمه اطهار بسیار پسندیده و محبوب و لازم الاجراست، بدین جهت تأکید و تشویق درباره آن به حدی است که حتی در حالت ترس و با

ص: ۴۷

۱- کامل الزیارات، ۱۲۱.

۲- کامل الزیارات، ۱۲۲، حدیث ۴.

۳- کامل الزیارات، ۱۲۲، حدیث ۳.

وجود مشکلاتی که حکام جائز برای زائران فراهم می کردند باز باید به جا آورد. همین تأکیدات است که همواره شیعیان را شیفته وار مجذوب حرم مقدس و مشهد مطهر ابا عبدالله الحسین علیه السلامی کرده، به طوری که رشته زیارت از زمان شهادت حضرتش - با همه منع ها و بازداشت ها - هیچ وقت گسسته نشد، و این حبل متین معنوی همواره قلوب مؤمنین را به حائر شریف حسینی پیوسته و مربوط می داشت. (۱)

زیارت فرشتگان

براساس این اصل قرآنی که انسان کامل، خلیفه الله در زمین و نماینده خدا در کره خاکی و برتر از ملکوتیان است، فرشتگان نیز مرقد مطهر ابا عبدالله الحسین علیه السلام را مشتاقانه زیارت می کنند و کسب فیض می نمایند، چنانکه از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

قبر حسین علیه السلام به مساحت بیست ذراع در بیست ذراع (۲) باغی از باغهای بهشت است، و از آنجا معراج به طرف آسمان است. فرشته مقرب الهی و پیامبر مرسلی نیست مگر اینکه از خدا می خواهد که حسین علیه السلام را زیارت کند، [به آنها اجازه داده می شود] سپس گروهی فرود می آیند و گروهی بالا می روند. (۳)

همچنین بسیاری از فرشتگان - این موجودات روحانی - به اذن پروردگار برای زائران حسینی طلب رحمت و مغفرت می نمایند. (۴)

ص: ۴۸

۱- برای دیدن احادیثی که در این باره رسیده رجوع شود به: کامل الزیارات، ۱۱۶، ۱۲۵.

۲- ذراع: فاصله بین آرنج دست تا انگشت وسطی.

۳- کامل الزیارات، ۱۱۴ - ۱۱۵.

۴- کامل الزیارات، ۱۱۹، پنج حدیث در این باب نقل شده.

مضمونی که در بسیاری از روایات رسیده درباره زیارت ائمه معصومین مخصوصاً امام حسین علیه السلام آمده آموزش گناهان زائر است. شاید برای کسانی که با معارف اسلامی آشنایی ندارند، این ارزش گذاری و پاداش زیارت اهمیت واقعی خود را نداشته باشد، به طوری که گاه پرسشهایی شبهه آلود در ذهنشان ایجاد کند که: مگر گناه چیست که آموزش آن تا این حد مهم تلقی شود؟

پاسخ اجمالی مبتنی بر این است که نخست اصول اعتقادی اسلام را پذیرفته باشیم، که براساس آن انسان موجودی است خردمند، با شعور، متفکر، با اختیاری معین.^(۱) این انسان آفریدگاری حکیم و رحیم دارد، که به مقتضای حکمت و رحمت او را آفریده تا به کمال شایسته اش برساند و مشمول لطف و رحمت خویش گرداند، اما نیل به کمال و بهره مندی از این رحمت و عنایت سرسری و بی حساب نیست. حکمت و عدالت خدای تعالی اقتضا می کند که این بهترین آفریده اش در مراحل مختلف زندگی در بوته های گوناگون آزمایش قرار گیرد، تا معلوم شود که در شرایط مختلف چه عکس العملی نشان می دهد، و از سرمایه های وجودی خود - یعنی عقل و علم و اختیار و قدرت اجرائی که دارد - چگونه استفاده می کند، سپس استحقاق و شایستگی ثواب یا عقاب بیابد. اما امتحان الهی در اینجا نه مانند آزمونهایی است که انسانها می کنند تا میزان علم و کیفیت عمل دیگران را دریابند، بلکه مقصود از آزمایش خدایی به فعلیت در آمدن و بروز استعدادهایی است که هر کس دارد یعنی ظهور شخصیت انسان.

ص: ۴۹

۱- با آنکه انسان در اعمال غیر طبیعی مجبور نیست، اما اختیارش نیز محدود و معین است، یعنی «نه جبر است و نه واگذاری امور به انسان بلکه حالتی است بینابین» برای ملاحظه رهنمودهای ائمه هدی در این معضله فکری رجوع شود به: اصول کافی، با ترجمه و شرح دکتر سیدجواد مصطفوی، «باب الجبر و القدر والأمر بین الأمرین»، ۱/۲۱۵ - ۲۲۴.

توضیح اینکه برای هر کس در زندگی موقعیت‌ها و دوراهی‌ها پیش می‌آید که باید یکی را برگزیند. سخن، تمام بر سر این انتخاب است. لحظه سرنوشت‌ساز زمانی است که او می‌اندیشد، ارزیابی می‌کند، حساب می‌کند، آینده‌نگری می‌نماید تا به یکی از دو طریق گام نهد. راهی که صلاح عمومی و خیر مردم است یا نفع شخصی؟ طریقی که لذت‌گذرا و خوشیهای نفسانی را همراه دارد یا تمایلات عالی و کمالات معنوی را؟

در این مرحله است که نقش گناه و ثواب نقشی تعیین‌کننده و بس مهم است، زیرا به اقتضای حکمت و عدالت آفریدگار، کار خیر و عمل ثواب‌زمینه‌ای است برای جلب رضای خدا و فیضانِ رحمت و هدایت بیشتر، همچنان که کار شر و تزییع حقوق ممنوعان و شهوترانی و آزار و ستم - و در یک کلمه گناه - زمینه‌ای است برای سلب نعمت و واگذاشتن شخص به خود و پیش آمدن انواع گرفتاری در دنیا و آخرت، و این از اصول مهم تعلیمات قرآن مجید است.^(۱)

با آنکه حجت خدا بر انسان تمام است، و برای هدایت او انبیا و اوصیائشان در هر زمانی بوده‌اند، و عقل و فهم طبیعی نیز پیامبر درونی و روشنگر راه همه است، با وجود این طبع حیوانی و خواهشهای نفسانی و لذت‌طلبی آدمیزاد، او را به خطا و گناه و تجاوز به حقوق ممنوعان و ستم بر خود و دیگران وا

ص: ۵۰

۱- کلام الله انسان را در برابر کردارش مسؤل معرفی می‌کند و پاداش یا کیفر دنیوی و اخروی را نتیجه و تجسم یافته اعمالش می‌شمرد مانند: «این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند، و خدا شنوای داناست». انفال، ۵۳. این [عقوبت] به خاطر کار و کردار پیشین شماست. [وگرنه] خداوند هرگز نسبت به بندگان خود بیدادگر نیست. (آل عمران، ۱۸۲؛ انفال، ۵۱). ای کسانی که کافر شده‌اید امروز عذر نیاورید [که پذیرفته نیست]، چون فقط به آنچه [در دنیا] می‌کردید کیفر می‌یابید. تحریم، ۷.

می دارد. این گناهان دو عکس العمل قطعی دارد: یکی در جامعه و محیط

زیست انسان، که موجب فساد اجتماعی و ظلم و آزار و تضییع حقوق هموعان می شود. دیگر انعکاس درونی که در روح و دل شخص گنهکار و مجرم به وجود می آید، و از آن به قساوت قلب، تیرگی روح، دل مردگی و بی وجدانی تعبیر می نمائیم. گناه چه در عالم بیرون و چه در ذهن و عالم درون ما اختلال و تباهی ایجاد می کند، زیرا جامعه را به فساد می کشاند و انواع جرم و جنایتها و ناهنجاریها را به وجود می آورد، و در فرد - مثلاً- جوانی که از فطرت سالم برخوردار است - زمینه پذیرش حق و حقیقت و تشخیص صحیح را از بین می برد، و فرد گنهکار را تیره دل، کج فهم، غیر منطقی و پذیرای باطل می گرداند؛ اینها واقعیاتی است که هم نقل گویای آن است (۱) و هم عقل بر آن استدلال می کند و هم روانشناسی بزهکاران مله‌اد آن است، و بلکه نظری اجمالی به زندگی و رفتار و اهداف اجتماعی مصلحین بزرگ بشری و جانیان معروف تاریخ نشانی آشکار و دلیلی محسوس بر آثار اعمال خیر یا شر بر اندیشه و روان و رفتار انسان می باشد، به طوری که این موجود شگفت آور خلقت و اعجوبه هستی را در دو طرف نیکی و بدی، شرافت و رذالت، صلاح و فساد، اطاعت و معصیت پیش می برد. (۲) و چگونه چنین نباشد و حال آنکه جهان عرصه تأثیر و تأثر و فعل و انفعال است و آدمیزاد بیشتر اثرپذیر و قابل انعطاف و تغییر می باشد. در جایی که ترکیبهای عناصر و فعل و انفعالات، در طبیعت عکس العملی ایجاد می کند و پدیده ای به وجود می آید، اعمال آگاهانه

ص: ۵۱

۱- سوره روم، آیه ۱۰: «آن گاه فرجام کسانی که بدی کردند [بسی] بدتر بود، [چرا] که آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را به ریشخند می گرفتند.»

۲- برای مثال از افراد تاریخی - چون نرون، آتیلا، چنگیز - نام نمی بریم. در زمان معاصر صدام متجاوز نمونه آشکاری از جنایت و کشتار و تخریب آن هم به قبیح ترین صورت بود. آیا چنین مفسد ددمنشی مفاهیمی چون عدالت، مروّت، خدا و روز جزا را اصلاً درک می کند؟

و اختیاری انسان چگونه ممکن است در فرد و جمع مؤثر نباشد و پدیده ای

زشت یا زیبا، مفید یا زیان بخش ایجاد نکنند؟ حکمت و عدالت الهی حکم می کند تمام اعمال و رفتار و بلکه نیات ما نیز دارای بازتاب و اثر باشد، که بعضی از آنها را ما در زندگانی دیده ایم. راست گفته اند که:

از مکافات عمل غافل مشو

گندم از گندم بروید جو زجو

بنابر این معلوم شد که «گناه» چه آثار شوم و زیان آوری خواهد داشت، و آمرزش گناه یعنی زدودن این آثار سوء از روح گنهکار، و بر طرف شدن آلودگیها از دل عصیانگری که آگاه شده و توبه نموده، می خواهد سر بر خط فرمان آفریدگار نهد.

زیارت ائمه معصومین و حضور در پیشگاه آن مقربان خدا و توسل به آنان خود از عواملی است که زمینه رحمت و مغفرت خدای رحمان را فراهم می کند و زائر تائب را شایسته آمرزش و پاک شدن از آلودگی گناه می نماید.

آخرین نکته گفتنی اینکه آمرزش گناهان و پاکی دل و کسب ثواب - و مفاهیمی از این گونه - الفاضلی میان تهی یا معانی خیالی نیست، بلکه واقعیاتی است یافتنی که چون حاصل شود اثرش در زائر دیده می شود، و نه تنها خود او بلکه دیگران هم تغییر حال و روحیه تازه و رفتار خداپسندانه وی را مشاهده می کنند، و تا چنین آثاری در شخص دیده نشود به قبول زیارت و مغفرت وی نمی توان اطمینان پیدا کرد.

اهمیت شناخت امام

زیارت حقیقی و ثواب فراوانی که بر آن مترتب می شود، البته در صورتی

است که با شرایط مذکور در احادیث و رعایت آداب ظاهری و باطنی آن باشد. مهمترین شرطی که در اخبار مربوط به زیارت رسیده «معرفت به حق امام» است، و شناخت پایگاه والای مُلکی و مُلکوتی او، و این حاصل نشود مگر

ص: ۵۲

اینکه امام در کلیت وجودی اش در نظر گرفته شود نه یک یا دو بعد از

شخصیتش.

اهمیت ائمه معصومین ما که خلفای تعیین شده وسیله رسول اکرمند، در همین است که هم بُعد روحانی و ملکوتی قوی داشتند، و در این مقام همواره در روت جلال الهی و مستفیض از فیوضات ربانی بودند، هم رسالت اجتماعی و وظایف تعلیماتی خود را انجام می دادند، و مستعدان را تحت آموزش و تربیت خود قرار می دادند، هم بر استقرار حاکمیت الهی و اجرای احکام قرآن در جامعه کوشش لازم را می نمودند.

چنین معرفتی همه جانبه و واقعی از شخصیت امام لازمه اش شناخت حقی است که بر مأموم و زائر دارد، و اولین حق امام بر مأموم این است که او را از طرف آفریدگار متعال «مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ» بشمرد، یعنی فرمائیداری اش را واجب بداند، سخنانش را نیشنده (۱) و تعلیماتش را پذیرنده باشد، و این از مهمترین آداب باطنی زائر امام و ثمره شناخت اوست که باید آموخت. اینک حدیثی درباره ارزش و ثواب چنین زائری:

عبدالله بن میمون قدّاح گوید به حضرت صادق علیه السلام گفتم:

آنکه به زیارت قبر مطهر حسین بن علی علیه السلام بیاید، در حالی که عارف به حق اوست بدون اینکه [از فرمانش] سر باز زند و تکبیر کند پاداشش چیست؟ حضرت پاسخ داد:

برای چنین زائری [ثواب] هزار حج پذیرفته و هزار عمره مبروره (۲) در نامه اعمالش [نوشته می شود، و اگر بد فرجام تبه روزگار باشد خوشبخت و نیک

ص: ۵۳

۱- نیشنده: گوش دهنده، قبول کننده. لغت نامه دهخدا.

۲- «المبرور» من الأفعال: ما لا شبهه فيه ولا كذب ولا خيانه. المنجد.

فرجام گردد، و همواره رحمت خدا او را فرا می گیرد. (۱)

شوق زیارت امام حسین علیه السلام

سخن در باره زیارت است، امّا زیارت سرور شهیدان و زُبده آزادگان جهان از حادثه شهادتش نمی تواند جدا باشد، و شهادتش از عشق آن حضرت به معبود اعلا جدا نیست، پس داستان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را نمی توان بدون عنصر «عشق» تحلیل کرد. امّا این عشق در نظر من چیزی جز «ایمان» نیست، زیرا عشق آنجا که بر معشوق معنوی یا محبوب خدایی تعلق می گیرد همان «ایمان» است که با شور و هیجان و محبت فراوان در آمیخته و قوت یافته. به بیان دیگر باورها و اعتقادات مذهبی است که با احساسات پاک و عواطف عالی انسانی همراه گشته، و در قلب رسوخ کرده و دل بدان بسته شده، و همین است که «ایمان» می نامیم.

در بررسی روایات زیارت به احادیثی بر می خوریم که سخن از «شوق زیارت» و «محبت زائر» به میان می آورد، و حقاً که زیارت پیشوای عاشقان الهی را جز با شور و شوق نسبت به آن حضرت نباید انجام داد، که همین شوق و علاقه وسیله ای است برای ایجاد «حُبّ خدا» در دل زائران و قرار گرفتن در گروهی که قرآن در وصفشان می فرماید «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (۲). اینک چند خبر در این باب:

۱- از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که: هر کس دوست دارد مسکن و جایگاهش بهشت باشد، زیارت «مظلوم» را رها نکند. راوی خبر ابوبصیر

ص: ۵۴

۱- کامل الزیارات، ۱۴۵، حدیث ۳.

۲- سوره بقره، قسمتی از آیه ۱۶۵، ترجمه آن از آغاز آیه: و برخی از مردم غیر خدا را [چون بتان و مدعیان باطل] همانند خدا می گیرند، و چنانکه خدا را باید دوست داشت با آنها دوستی می ورزند، ولی آنها که ایمان آورده اند الله را دوست تر می دارند [از آن بتان].

می گوید: پرسیدم او کیست؟

امام فرمود: حسین بن علی علیه السلام صاحب کربلا. هر کس به حضورش شرفیاب

شود در حالی که شوق دیدارش را دارد، و به جهت محبت رسول خدا و فاطمه و امیرالمؤمنین علیه السلام به زیارتش می رود خدا او را بر مائده های (۱) بهشتی می نشاند که با آنان [از غذاها] استفاده می کند، و مردم در حال پس دادن حساب [اعمال] خود هستند. (۲)

۲- از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده: هر کس می خواهد بداند از اهل بهشت است یا نه، محبت ما را به جان و دلش عرضه کند، اگر پذیرفت او مؤمن است، و هر کس دوستدار ماست [لزوماً] باید به زیارت قبر حسین علیه السلام راغب و مایل باشد. بنابراین کسی که زائر حسین علیه السلام باشد، ما خاندان او را به دوستی خود می شناسیم و او اهل بهشت است، اما کسی که از زائران حسینی نباشد ناقص الایمان است. (۳)

۳- با در نظر آوردن این حقیقت که آفریدگار متعال «حُبِّ» دارد، و بعضی امور نزد او «محبوب» است و برخی مکروه و ناخوشایند، حدیث زیر را که مفتاحی برای حل سوالاتی پیرامون ارزش معنوی و فضیلت «اماکن متبرکه» یا تربت مقدس سیدالشهداست نقل می کنیم:

ابوهاشم جعفری می گوید: به حضور ابوالحسن علی بن محمد - النقی - علیه السلام

وارد شدم، در حالی که تب دار و بیمار بود.

حضرت به من گفت: ای ابهاشم! مردی از موالی ما را به حائر بفرست تا خدا را بخواند و برایم دعا کند.

ص: ۵۵

۱- مائده: «الطبقُ الذی علیهِ الطعام» المفردات فی غریب القرآن، خوان آراسته به طعام (منتهی الأرب فی لغه العرب).

۲- کامل الزیارات، ۱۳۷، حدیث ۲. ایضاً ۱۴۱.

۳- کامل الزیارات، ۱۹۳، حدیث ۴.

از حضورش که خارج شدم با علی بن بلال روبرو شدم. آنچه امام هادی علیه السلام

به من گفته بود به وی اعلام کردم و از او خواستم همان کسی باشد که به حائر

می رود. او گفت [درخواستت را] می پذیرم و فرمانبردارم، ولی من می گویم

یقیناً امام از حائر افضل است، زیرا به منزله کسی است که در حائر است، و دعای حضرتش برای خود برتر از دعایی است که من در حائر برایش بکنم.

آنچه علی بن بلال گفته بود به امام اطلاع دادم. به من فرمود به او بگو:

رسول خدا علیه السلام از خانه خدا و حجرالأسود افضل بود، ولی گِرد خانه طواف می کرد و به حجر دست مالیده می بوسید. (۱) همانا خدای تعالی را قطعه زمین هایی ممتاز است (۲) که دوست دارد در آنها دعا شود، و برای کسی که دعا می کند استجابت نماید [و حاجتش را بر آورد]، و حائر حسین علیه السلام از این بقاع است. (۳)

آری حائر مقدس ابا عبدالله الحسین علیه السلام بقعه ای است که خدای رحمان این امتیاز را به آن داده که دعا را در آن مستجاب و هم و غم گرفتاران را رفع نماید، و چرا چنین نباشد و حال آنکه حضرت بزرگترین ایثار و فداکاری را در راه دین خدا کرده. زیرا قیام آن امام شهید بود که حکومت کافرپیشه و طاغی یزید و بلکه امویان را رسوا کرد، و اسلام امامت را از اسلام مدعیان خلافت جدا ساخت، و از تحریف کلی و مسخ احکام قرآن - به خصوص در مسئله خلافت - جلوگیری نمود، و این نوعی سپاس و پاداش خدای شکور است نسبت به آن حضرت، بدین شرح:

ص: ۵۶

۱- ترجمه «استلام حجر» است یعنی: سودن سنگ را به دست یا لب غیث اللغات.

۲- عبارت متن ترجمه «بقاع» است که در حدیث بود. بقاع جمع بقعه یعنی قطعه زمینی ممتاز از اطرافش.

۳- کامل الزیارات، ۲۷۴، باب التسعون. این خبر با اندک تفاوت لفظی به دو طریق دیگر نیز در همین باب نقل شده.

پاداش خدای شکور یکی از اوصاف آفریدگار متعال «شکور» است، یعنی در برابر عمل خالصانه مؤنان پاداش فراوان می دهد، و بدین ترتیب از بندگان

صالح و مخلص خود «شکر» می کند.

اقتضای صفت «شکور» این است که به آن شهید مظلوم که چنان فداکاری بی نظیری را کرد، و در راه معبود محبوب خود همه چیزش را با اخلاص تمام فدا نمود و پاک باخته شد، پاداش متناسب عطا کند، پاداشی که در خور عظمت و وسعت رحمت وی و صفت «شکور» است نه متناسب با آن ایثار، و این پاداش فضایل و امتیازاتی است که «زیارت» و «زائر» و «زیارتگاه» سیدالشهدا علیه السلام دارد و در احادیث ذکر شده است.

جالب توجه اینکه خدای مهربان چنین پاداش و ثواب را حقی(۱) برای زائران مرقد حسین بن علی علیه السلام بر خود شمرده، و ادای آن را وعده فرموده. راستی که چقدر آفریدگار ما پُر مهر و دوست داشتنی است و ما غافل و کافر نعمت! و تا چه حد اسباب جلب رحمت و مغفرت الهی فراهم است و ما در غفلت!

شفا جستن از تربت پاک سیدالشهدا علیه السلام

از جمله مزایایی که مرقد مطهر حسین بن علی علیه السلام دارد، این است که آفریدگار متعال در خاک قبرش شفا قرار داده. برای روشن شدن مطلب از

ص: ۵۷

۱- در دو حدیث به «حَقُّ عَلِيَّ اللَّهِ» تعبیر شده، یعنی ثابت و لازم است بر خدا. کامل الزیارات، ۳۱۲، حدیث ۲ و ۱۶۸، حدیث ۵؛ و در یک حدیث «حَقِيقُ عَلِيَّ اللَّهِ» آمده، یعنی شایسته و سزاوار است بر خدا (مأخذ پیشین ۱۶۷، حدیث ۳). به نظر نویسنده این گونه تعبیرها مانند تعبیر «كُتِبَ عَلِيَّ نَفْسِهِ الرَّحْمَهُ» (انعام/۱۲)، می باشد که خدا بر خود رحمت و مهربانی را فرض نموده، و گرنه احدی برای خود اثبات حقی - به صورت مطالبه - بر خدای تعالی نمی تواند بکند، زیرا «بنده و آنچه در کف دارد از مولایش می باشد».

احادیث متعددی که رسیده خبر زیر را نقل می‌کنیم و سپس به توضیح می‌پردازیم:

راوی خبر- ابن ابی یعفر - می‌گوید به امام صادق علیه السلام گفتم:

کسی از خاک قبر حسین علیه السلام بر می‌گیرد، و از آن [برای شفا یافتن] فایده می‌برد، و دیگری می‌گیرد و از آن بهره‌ای نمی‌بیند امام فرمود: نه! سوگند به خدایی که جز او خدایی نمی‌باشد هیچ کس نیست که باور داشته باشد، خدا به وسیله آن تربت به او فایده می‌رساند، مگر اینکه پروردگار آن را وسیله نفع بردن [و بهبودش] می‌گرداند. (۱)

چنانکه در حدیث مذکور تصریح شده استفاده از خاک پاک مرقد اباعبدالله علیه السلام شرط اصلی اش اعتقاد به شفا بخشی است، و خود این عقیده و باور - با تأثیری که روان بر بدن دارد - به درمان کمک می‌کند.

اما آنچه گفتنی است و هر موحدی آن را باور دارد این واقعیت است که تأثیر و تأثر از آفریدگار است. اثری که گیاهان دارویی یا مواد شیمیایی بر بدن دارد از سازنده آنها که ترکیب کننده مواد یا مکتشف خواص آنهاست نمی‌باشد، و او خود نیز چنین ادعایی ندارد، بلکه از آفریننده گیاهان و مواد شیمیایی است. پس نقش دانشمندان داروشناس و پزشکان چیست؟

پاسخ این است که: نقش آنها کشف رازهای طبیعت است که بعد از آزمایشهای پیاپی به آنها دست می‌یابند، و این خود کاری بس مهم و ارجمند و قابل ستایش است.

بنابر این با اندک دقت و انصاف می‌فهمیم در واقع موجد خواص و آثار همه اشیاء و درمان بخش همه دردها خداست و بس، و پزشک و داروساز و دارو همه اسباب و وسایل و وسائط هستند، و البته در نظام خاص این جهان - که

ص: ۵۸

عالم اسباب است - لازم می باشند.

آری! در بینش توحیدی دیده ای ژرف بین باید تا از این سببهای ظاهری

درگذرد و مسببُ الاسباب را ببیند. تفکر و شکستن بُتهای پیش ساخته در ذهن، نخستین شرط لازم این بینش است. آیا توان چنین مجاهده ای را داریم؟

بخشی پیرامون گریه بر سیدالشهدا علیه السلام

از جمله مطالبی که در ارتباط با زیارت امام حسین علیه السلام گفتنی است و در احادیث نیز آمده گریستن بر آن حضرت است. در این باره چند موضوع را باید توضیح داد:

۱ - گریه و خنده عملی است طبیعی و از حالاتِ انفعالی انسان، که با مقدمه ای از اندوه یا شادی و شوق همراه است و پس از آن دو احساس پدید می آید، بنابراین کمتر می تواند مورد امر و نهی یعنی تکلیف شرعی قرار گیرد. آنچه از حُسن یا قُبْح و حدود خنده و گریه در تعلیمات مذهبی و دستورات اخلاقی آمده مربوط به همین مقدمات و انگیزه های روانی آنهاست، که حاکی از عقاید و دلبستگی های صحیح یا فاسد ما می باشد و نشان شخصیت و منش انسان است، چنانکه گفته اند «تو آنی که در بند آنی».

۲ - گریه و خنده دریچه هایی است بر زوایای تاریک روح ما، زیرا این دو حالت «انفعالی» روشنگر «فعلی» است که محرک آنها بوده. مثالهای زیرین توضیحی است در این باب. (۱)

می دانیم گریه محرک روانی لازم دارد. این محرک به طور معمول حوادث غم انگیز است مانند فوت فرزند دلبنده و دیگر عزیزان، یا بیماری و درد یا اتلاف مال و دیگر مصائب.

ص: ۵۹

۱- چون بحث اصلی درباره گریه است از ادامه سخن و ذکر مثال درباره خنده صرف نظر می شود.

ممکن است گریستن از فراقِ دوستِ صالح یا استادِ دانشمندِ ناصح باشد،

یعنی کسانی که مایه انس و الفت یا تعلیم و تربیت انسان بوده اند. این انگیزه

تنها در کمال طلبان و آنان که در راه تهذیب نفس گام می زنند پیدا می شود نه عموم مردم.

۳ - گاه تأثر شدید و گریه انگیزه ای برتر و مهمتر می یابد، و این هنگامی است که بر شهادت و مصیبت امام و پیشوای اعتقادی شخص باشد، و از همین قبیل است از دست دادن رهبر سیاسی و فکری جامعه، که حیات فکری و اجتماعی انسان به رهنمودهایش بستگی داشته است.

۴ - گاه مقدمه گریه «شوق» است نه انداوه و حزن، چنانکه انسان در نخستین دیدار فرزندش پس از سفری طولانی به گریه می افتد اما گریه ای دل افروز، یا مثلاً در اولین دیدار مزار امام، اشکِ شوق فرو می ریزد و غنچه دلش می شکفتد.

اینک به نقد و ارزیابی گریه - یعنی انگیزه های روانی آن که روشنگر شخصیت انسان است - می پردازیم.

با اندک دقت در می یابیم آنچه موجب و محرک گریه می شود یا خودخواهی و حبّ نفس است یا فضیلت طلبی و کمال دوستی و خیرخواهی برای عموم:

۱ - اندوه ما از مرگ فرزند یا رنج و درد یا زیان مالی در واقع به علت از دست دادن متعلقات شخصی و وابستگی های فردی است، که مرحله برتر و ارزشمند آن به صورت علاقه به رفیق شایسته یا معلم و استاد روحانی جلوه گر می شود. اندوه حاصل از مفارقت رفیق صالح یا مربی اخلاق ممکن است به علت علاقه به صلاح و تربیت هم باشد، پس ارزش اخلاقی اش بسته به محرک آن است که در روانکاوی شخص مورد نظر باید بیابیم، که آیا در این دوستی و

بستگی «خود» بیشتر مطرح است یا صلاح و خیر و کمال؟

۲- اما در نوع سوم که تأثر و ماتم از دست دادن پیشوای الهی و رهبر

اجتماعی و عقیدتی باشد، علتش علاقه به فضایل و کمالاتی است که در وجود آنها مُتبلور و در گفتار و کردارشان آشکارا می بینیم و فداکاریهایی که در راه دفاع از حقوق انسان کرده اند.

از این قبیل است اعتقاد و ایمان ما به پیشوایان معصوم دوازده گانه مان، که برترین نمونه های عملی مکتب اسلامند. آنان که انوار هدایتشان فراگیر عموم و فیض بخشی شان همگانی است، و به قوم یا کشور خاصی منحصر نمی شود، بلکه عرصه مکان و زمان را در نور دیده، و گستره عظیم تاریخ بشریت را فرا گرفته است.

شهادت اینان فقدانِ یک تن نیست بلکه از دست رفتن فضیلت است و سوگ انسانیت. بنابر این غم و اندوه زائر بر ائمه هدی و مصائبشان، نشان خداپرستی و احترام وی به انسان و کمال اوست، و محبتی که به چنان پیشوایانی دارد، و در نتیجه احساسات شوق آمیز یا غم انگیزش را در حال زیارت تحریک و اشک از دید گانش جاری می کند. بنابر این ماهیت چنین گریه عارفانه ای با گریستن عادی متفاوت است، و بدین جهت در احادیث ارزش خاصی برای آن ذکر شده است، به طوری که قطره ای از آن انبوه آتش خشم خدا را خاموش می گرداند. (۱)

۳- نکته ای دیگر که باید روشنتر بیان شود محدوده زمانی است که یک مصیبت و حادثه اندوهزا می تواند فراگیرد. اگر مصیبت و گرفتاری فردی یا

ص: ۶۱

۱- از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هیچ چیز نیست مگر که با پیمان و وزنی سنجیده می شود جز اشکهای جاری، که قطره ای از آن دریاهایی از آتش را خاموش می کند... الاصول من الکافی، باب البكاء، ۲/۴۸۱ - ۴۸۲.

فامیلی باشد بسته به اهمیت واقعه تا یکی دو سال ممکن است غم انگیز و موجب ماتم گردد، و گاه گاهی آهی سرد از دل بر آرد و اشکی گرم از دیده روان

کند. امّا اگر واقعه تأثر آور مربوط به انبیای الهی و پیشوایان هدایت و پایه گذاران عقاید صحیح باشد، و علت بروز چنان حوادثی ضدیت و عداوت تنی چند ظالم متکبر با آن روشنگران راه سعادت و منجیان امت باشد، تا حق و باطل در جهان و ظالم و مظلوم در جامعه، و نور و ظلمت بر پیشانی افق هویدا است، اندوه و ماتم آنان هم در دل‌های شیفتگان عدالت و کرامت جایگزین است، و انگیزه روحی گریستن و دریغ خوردن می شود.

از اینجاست که شیعیان در طول پانزده قرن تاریخ اسلام همواره از مصیبت بزرگ حسینی دل آزرده و غمگین بوده و هستند، و نوحه کنان و اشک ریزان از آن حادثه دردآور با ندبه و ناله یاد می کنند.

۴ - روضه خوانی و ذکر مصائب سیدالشهدا علیه السلام زمینه ای است برای

گریستن، و فوایدی که برای گریه بر شمردیم از تشکیل چنین مجالسی حاصل می شود، به خصوص که با مقدمه ای از وعظ و تعلیم، تحلیل مسائل اجتماعی و تذکرات اخلاقی همراه است. تجدید خاطرات دردآور آن حادثه عظیم به ویژه در ایام عاشورا، که با شور و حالی خاص توأم و با اشک و آه همراه است، روح را تلطیف و احساسات را تهییج می نماید، و بهترین محرک وادار کننده عزاداران به تبعیت از آن امام شهید و مجاهد در راه خداست. انگیزه بسیاری از نهضت‌های شیعی وجود همین سوگواری مُمتمد و ندبه بر مصائب حسین بن علی علیهما السلام در هر محرم و یاد مظلومیت و استقامت حضرتش در راه حق و حقیقت بوده است، چنانکه زمان دفاع از مرزهای کشور و دفع صدامیان متجاوز با نمونه های زنده و فراوان آن در جبهه های جنگ روبرو بودیم، و به تواتر می شنیدیم که هدف و انگیزه ارتش و سپاه پاسداران ما در نبرد با

متجاوزان و ابرقدرتها، شورِ حسینی و عشق زیارت حرم مطهرش در کربلا و ادامه راهش بود، و این سرمایه گرانبهای معنوی را چنانکه می دانیم از همین

مجالسِ روضه خوانی و گریه بر حضرتش بدست آورده بودند.

بنابر این عزاداری و گریستن بر سیدالشهدا علیه السلام در بُعد سیاسی و مبارزاتی هم ارزشمند است و عامل تحولات بزرگ اجتماعی و موجد روحیه قوی جهادگران می باشد چنانکه فقیه مجاهد امام خمینی می فرماید: «ما ملت گریه سیاسی هستیم و با همین اشکها سیل جریان می دهیم و سدهایی که در مقابل اسلام ایستاده است خرد می کنیم».

البته در حصول این نتایج، شخصیت علمی و بینش صحیح ذاکر و واعظ، و درک صحیح و جامع آنان از قیام اباعبدالله الحسین علیه السلام بسیار مؤثر است (۱).

۵ - گریه زبان گویای انسانی است که مورد تجاوز و ستم قرار گرفته و حقش تضییع شده، زبانی که هیچ قدرتی نمی تواند آن را قطع کند.

در زمانی که با جباران و ستمگران به وسیله نیروی نظامی و قدرتهای ظاهری نمی توان مقابله کرد، و شدت فشار و اختناق به حدی است که از انتقاد لفظی هم ممانعت می شود، تنها سلاح گرم گریه به کار می آید و می تواند نفرت و غضب چشمهای گریان را بر اقدامات جنایتکاران نشان دهد، و این است دومین بُعد سیاسی گریه که به خصوص در زندگی زین العابدین علیه السلام می بنییم، و شرح آن خواهد آمد.

۶ - پس از گریه - خاصه که ناشی از عواطف عالی انسانی باشد نه تمایلات شخصی - حالت روحانی خوشی به انسان دست می دهد. عقده های روحی

ص: ۶۳

۱- امید است روحانیت و خود ذاکرانِ فاضلِ متعهد، در اصلاح و تقویت بنیه علمی مصیبت خوانهایی که واجد شرایط لازم نیستند اقدام جدی و فوری بنمایند، تا نتایج مذکور از همه مجالسی که به نام آن شهید بزرگ بر پا می شود بدست آید، و چنین برنامه سازنده مفیدی سرمایه کسب بعضی قرار نگیرد و از هدف اصلی منحرف نشود.

گشوده و تخلیه می شود، چنانکه گفته اند:

اشکم از دیده چو افتاد دلم تسکین یافت

ای خوش آن درد که یک قطره کند درمانش

گویی بعد از گریستن اعصاب به استراحت می پردازد، اندوه و ماتم شخص کاسته می گردد، و حالت رقت قلب و صفا دست می دهد و یاد پروردگار ذهن و دل را فرا می گیرد. بر خلاف خنده که معمولاً از سر غفلت است و با بی خبری از حق و تکلیف و مسؤلیت همراه می باشد، و خوشی آن زودگذر و سطحی است. نتیجه اینکه بر خلاف آنچه در ابتدا گمان می شود گریه ارزش اخلاقی و تربیتی بیشتری از خنده دارد، و همیشه حاکی از ضعف و زبونی یا غصه و ناراحتی گریه کننده نیست، و بلکه نیاز روحی است و با مقدمه ای از شدت غم یا اشتیاق شروع می شود که آن را گریه شوق نامند، و یکی از مصادیقش گریه ای است که از شوق زیارت مرقد امام و توفیق حضور در حرمش دست می دهد.

۷- عزاداری و ذکر مصائب ابا عبدالله الحسین که همواره با سوز دل و اشک روان برگزار می شود، سنت پسندیده ای است که در طول تاریخ تشیع اجرا می شده و سلسله ای معنوی بوده که قلوب شیعیان را به یکدیگر و همه را با روح بلند و تابناک آن شهید مظلوم پیوند زده و به هم بسته، و محبت عمیقش را در دلها جایگزین کرده. سیل اشکی که از دیدگان فرزندان برومندش زین العابدین علیه السلام و خواهرش زینب علیها السلام و دیگر بستگانش جاری شده و جویهای اشک محبان را نیز به دنبال آورده، اقیانوس بی پایان رحمت و مغفرت خدای فراخ بخشایش گردیده، زیرا بحری است که از چشمه زلال دلهای شیفته سوخته روان شده، و آمیزه ای است از معرفت و محبت که طبعاً رحمت الهی را همراه خواهد آورد و هر گنه کار سیه روزگار تائبی می تواند در آن وارد شود و

آلودگی گناهان و زشتکاریها را از خود بزدايد.

به نظر نویسنده ارزش معنوی گریه بر آن امام و اثری که در محور آثار سوء گناه و طهارت قلب دارد، در اثر همین ارتباط معنوی است که بین گریه کننده و حضرتش برقرار می شود، و نوعی وحدت در هدف و حرکت و مسیر را ایجاد می کند^(۱)، به طوری که خواست شیعه عارف به حق امام حسین علیه السلام و گریان از شهادت جانگدازش، چیزی جز خواست و انگیزه آن امام نخواهد بود، و این است کمال مطلوب و معنی پیروی از امام.

اینک وقت آن رسیده که بیان ائمه خود را در این باب بینیم:

۱ - از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

همانا گریستن و ناشکیبایی برای بنده در هر چه موجب ناراحتی شود مکروه و ناپسند است، جز گریستن و ناشکیبایی بر حسین بن علی علیه السلام که اجر دارد.^(۲)

۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: هر مونی برای کشته شدن حسین علیه السلام از چشمانش اشک جاری شود به طوری که بر گونه هایش جاری گردد، خدا او را در غرفه هایی از بهشت جایگزین می کند، که همیشه روزگار سکونت کند.^(۳)

۳ - اندوه و گریه در زندگانی زین العابدین علی بن حسین علیه السلام که خود شاهد و ناظر جنایات بنی امیه و قتل فجیع پدر بزرگوارش بوده بیشتر نقل شده، و این بواسطه قرب زمان و تازگی حادثه امری طبیعی است. از جمله روایات رسیده حدیثی است از امام صادق علیه السلام:

امام علی بن حسین بر پدرش حسین بن علی علیهما السلام بیست سال اندوهناک و

ص: ۶۵

-
- ۱- زیرا اگر این وحدت و هماهنگی در عقیده و هدف و حرکت نباشد تأثر و اندوه که مقدمه گریه است پیدا نمی شود.
 - ۲- کامل الزیارات، ۱۰۰، حدیث ۲. برای فهم عمیق این حدیث، آنچه درباره انگیزه تأثر و گریه در بند ۲ گفتیم بخاطر آورید.
 - ۳- کامل الزیارات، ۱۰۴، حدیث ۹.

گریان بود، و در برابرش غذایی نمی گذاشتند مگر اینکه به گریه در می آمد، تا

خدمتکارش به او گفت:

ای فرزند پیامبر خدا! فدایت شوم، من بر جان شما بیمناکم، مباد که از شدت گریه به هلاکت برسید. آن حضرت فرمود:

«همانا غم و اندوه خود را [به زبانِ گریه] با خدا می گویم و از [لطف

بی پایان] خدا چیزی می دانم که شما نمی دانید»^(۱)، من هیچ وقت قتلگاه فرزندان فاطمه علیهاالسلام را به یاد نمی آورم، مگر اینکه اشک غم [گلویم را می فشارد و]

می خواهد خفه ام کند.^(۲)

شرح اگر قرب زمانی زین العابدین علیه السلام را به واقعه جانگداز کربلا - بخصوص که حاضر و ناظر صحنه بوده است - به خاطر آوریم، و اینکه عواطف انسانی امام قویتر از مردم عادی است، به ویژه نسبت به چنان پدر مظلومی، تا حدی از شگفتی ما درباره اندوه و ماتم طولانی حضرتش کاسته می شود. اما نکته گفتنی اینکه هر چند حُزن دل و سرشک دیده علی بن الحسین علیه السلام حال طبیعی و روحانی آن امام بوده، ولی از نظر اجتماعی و عمومی نیز فایده ای بزرگ را در بر داشته، زیرا با زبانِ کردار - و نه گفتار - از عظمت آن قیام و عمق جنایت و شدت ستمی که بر اهل بیت پیامبر رفته و بالاخره تبلیغات دروغین یزید و یزیدیان و کفر امویان پرده بر می داشته، و مسلمانان ناآگاه فریب خورده را هشیار و به واقعیات آشنا می کرده. بدین ترتیب اندوه دائم و آه ملایم و اشک روان آن شهید شهیدزاده، خود فریادی در سکوت و قیامی در نشست و تبلیغی در حد امکان بود. درود خدا بر روان تابناکش باد که نیکو راه پدر را ادامه داد.

تکمله: علاوه بر زیارت مرقد مطهر پیامبر اکرم و ائمه اثنی عشر علیهم السلام زیارت

قبر علما، صلحا، امامزادگان نیز سنتی پسندیده است و در روایات بدان تأکید

ص: ۶۶

۱- سوره یوسف، آیه ۸۶.

۲- کامل الزیارات، ۱۰۷، حدیث ۱.

گشته و ثوابش بیان شده است.

خلاصه و نتیجه گیری از احادیث

نتیجه احادیث منقول در این بخش را که گفتار ائمه ما در پیرامون زیارت است می توان به صورت زیرین خلاصه کرد:

۱ - زیارت تجدید پیمان با حجت خداست، و استوار گردندان رشته مودت و اطاعت مأموم نسبت به امام که پیشوای عقیدتی و روحانی اش می باشد.

۲ - زیارت جزء تکمیلی حج و اعلام ولایت حج گزار است به رسول اکرم و عترت طاهره اش علیهم السلام که آموزگاران بزرگ معارف الهی و احکام دینی ما می باشند.

۳ - زیارت ائمه هدی - به خصوص حضرت سیدالشهدا علیه السلام - چون با شناخت حق آنان و پذیرش تعلیماتشان، با اشتیاق و بی ریا انجام گیرد، ثوابش از زیارت مکه معظمه بیشتر است، بدون اینکه جایگزین حج و بدل آن شود. شاید به این جهت که آموختن آداب زیارت خانه خدا و شناخت صاحب خانه، و دیگر تعلیمات زنده و سازنده حج همه و همه از فروغ هدایت و فروغ تعلیمات آنهاست. که به احترام خانه خدا و پیش گیری از قتلش در آن حرم الهی بود که آن حضرت حج را به عمره بدل کرد و غمگنانه از مکه بیرون رفت.

۴ - زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام بار معنوی و آثار روحی بیشتری در بر دارد، و طبعاً ثواب اخروی زیادتری را هم به دنبال می آورد.

۵ - خدای تعالی به اقتضای صفت شکور بر خود لازم و شایسته کرده که در برابر چنان ایثار و پاک باختگی خالصانه، به مرقد و تربت امام حسین علیه السلام ارج و تأثیر خاصی بدهد، که عقیده مندان همیشه از آثارش بهره ها برده و می برند.

۶ - چنان زائر با معرفتی پس از زیارت، گناهانش آمرزیده و تیرگی دلش زدوده می شود و اعمالش اصلاح می گردد. بدیهی است گناهایی که غیر از شرک و

حق الناس باشد مشمول این مغفرت است، ولی آمرزش حقوق تضییع شده مردم

وابسته

به جلب رضایت صاحبانش می باشد، چنانکه همه فقها بیان کرده اند.

۷- شهادت جانگداز و غم انگیز ابا عبدالله الحسین علیه السلام و یارانش حادثه ای است ماندنی و تاریخی نه خصوصی و تمام شدنی، که کربلا- تجلی گاه مبارزه حق و باطل است و در هر زمان و مکان نمونه ها دارد، بنابر این تکرار و تذکار آن به صورت مرثیه خوانی صحیح، مفید و ملوّر و آموزنده است.

یادآوری آن مصائب هر انسان با عاطفه ای را - چه رسد به شیعیان و محبان حضرتش - اندوهگین و گریان می نماید. این اشکها که زبان حال و نشانگر دلبستگی و محبت و یگانگی هدف شیعه با آن امام است در زدودن آثار سوء گناه و تصفیه روحی تأثیر دارد، اما هیچ گاه گریستن هدف از حرکت و قیام سیدالشهدا نمی باشد، زیرا چنانکه در گفتار خود آن امام آمده است انگیزه حضرت احیای سنت نبوی و سیره علوی است و سر فرود نیاوردن در برابر حاکم جابر و اجرای حکم امر به معروف و نهی از منکر که فرمان الهی است.

فضیلت زیارت حضرت رضا علیه السلام

بعد از زیارت سیدالشهدا حسین بن علی علیه السلام ظاهراً بیشترین سفارش و تأکید نسبت به زیارت ثامن الائمه ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام شده.

علت این امر چنانکه از متن احادیث بر می آید:

اولاً دوری مرقد مطهر حضرتش از خاستگاه اسلام و موطن ائمه و مسلمانان یعنی مکه و مدینه است. با توجه به دشواری فراوان مسافرت و خطراتی که داشته طبیعی و عادی است که در ترغیب و تشویق به زیارت آن حضرت تأکید زیادتری بشود تا جمع بیشتری از شیعیان به مشرق کشورهای اسلامی - یعنی خراسان - روی آورند و تشیع در این ناحیه ترویج شود.

ص: ۶۸

ثانیاً با توجه به فرقه های مختلفی که در اسلام پیدا شدند و ائمه اثنی عشر

همه را قبول نداشتند - مانند اسماعیلیه و واقفیه - کسانی که امامت این هشتمین پیشوای منصوب و منصوص از طرف خدا و رسولش را پذیرفتند، امامت بقیه ائمه اثنی عشر را نیز قبول کردند و در مسأله ولایت به اسلام راستین و خالص راه یافتند. (۱) و اینک چند حدیث:

۱ - حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از پدرانشان می فرمایند که رسول الله گفت: به زودی پاره ای از تن من در زمین خراسان دفن می شود. مونی وی را زیارت نمی کند جز اینکه خدای عزوجل بهشت را بر او واجب می کند و پیکرش را بر آتش حرام می گرداند. (۲)

۲ - عبدالسلام بن صالح هروی از حضرت رضا علیه السلام نقل می کند که فرمود:

روزگار

نمی گذرد مگر اینکه طوس محل آمد و شد شیعیان و زائرانم می گردد. (۳)

بدان! هر کس مرا در طوس که دور از وطنم [مدینه] است زیارت کند، روز قیامت با من است و هم رتبه من، در حالی که گناهانش آمرزیده شده. (۴)

۳ - امام همام حضرت علی بن موسی علیه السلام گفت:

هر کس با وجود دوری خانه و مزارم مرا زیارت کند، روز رستاخیز در سه موطن پیش او می آیم تا از ترسهای [که در آن سه جا مردم را فرا می گیرد]

نجاتش دهم: زمانی که نامه های اعمال به راست و چپ در حرکت آید (۵)، و در

ص: ۶۹

۱- رجوع شود به: بحار الأنوار، ۱۰۲/۳۹، ذیل شماره ۳۵.

۲- سفینه البحار، از انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۲/۴۹۲.

۳- یعنی بزودی و حتمی چنین می شود و همچنین شد، و این پیش گویی حضرت بود.

۴- وسائل الشیعه، ۱۰/۴۳۸.

۵- نامه اعمال نیکوکاران به دست راست و بدکاران به دست چپ آنان داده شود، چنانکه در قرآن کریم آمده: سوره الحاقه،

جلو صراط، و جای سنجش اعمال (یعنی میزان). (۱)

۴ - عبدالعظیم حسنی از ابوجعفر امام محمد تقی علیه السلام روایت می کند که گفت: کسی که قبر پدرم رضا علیه السلام را در طوس با شناخت حَقش زیارت کند، نزد خدای تعالی برایش بهشت را ضمانت می کنم. (۲)

۵ - علی بن عبدالله از قطرب نقل می کند: روزی فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام

در حضورش گرد آمده بودند، که نوجوانش - علی - از آنجا عبور کرد. حضرت گفت:

این فرزندم در سرزمین غربت [دور از مدینه] می میرد. هر کس در حالی که تسلیم فرمانش و عارف به حَقش باشد او را زیارت کند، در پیشگاه خدای عزوجل همانند شهدای جنگ بدر است. (۳)

معرفت به حق امام چیست؟

اکنون این سؤل مطرح است که مقصود از «عارفاً بحقه» که در بسیاری از روایات آمده چیست؟ (۴) شناخت حق امام آشنائی و اعتقاد پیدا کردن به چه مسائلی است؟

مطمئن ترین جواب را در متن احادیث می یابیم، زیرا همین سؤل را از حضرت صادق علیه السلام می کنند که: مقصود از «عرفان به حق امام چیست؟»

امام می فرماید: بدانند او امامی است که اطاعتش [از طرف خدا] فرض و

ص: ۷۰

۱- بحار الأنوار ج ۴/۱۰۲. این حدیث با اسنادی دیگر و اندک تفاوت در متن در کامل الزیارات ص ۳۰۴ نیز نقل شده است.

۲- وسائل الشیعه، ۱۰/۴۳۵.

۳- کامل الزیارات، ۳۰۴. ضمناً تعبیر «شهید» برای چنان زائری قابل توجه است.

۴- ابن قولویه در بابی مخصوص ۱۷ حدیث نقل می کند با این مضمون مشترک که: هر کس سیدالشهدا علیه السلام را «با معرفت به حَقش» زیارت کند همه گناهانش آمرزیده می شود.

واجب است، او دور از وطن (۱) و شهید است. (۲)

در حدیثی که راجع به ثواب فراوان زیارت سیدالشهدا علیه السلام است در بیان شرط آن تعبیری پر معنی آمده:

«عارفاً بحَقِّهِ يَأْتُمُّ بِهِ» (۳)؛ شناسا به حق امام که او را پیشوا قرار داده پیروی اش می کند.

درباره زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام باز معرفت زائر را چنین بیان می کند: «عَرَفَ بِحَقِّهِ وَ حُرْمَتِهِ وَ وِلَايَتِهِ» (۴)؛ حق امام و احترام و ولایتی که دارد بشناسد.

بیان حق امام

نویسنده همین مقدار از سخنان معصومین را کافی برای توضیح معنی «معرفتِ حق امام» می داند، اما آنچه به اختصار باید بیان شود موضوع پر اهمیت «حق» است در اسلام که خود شرحی گسترده دارد، و از «حَقُّ اللّٰهُ» آغاز و تا «حق مَرکُوب» و زمینی که شخص در اختیار دارد - و باید آباد نماید - ادامه می یابد و همه را در بر می گیرد. (۵)

در اینجا مقصود از «حق» تکلیف و مسؤلیتی است که مسلمان نسبت به آفریدگار، خانواده، محیط کار و زندگی، جامعه، هیأت حاکمه و وسائل زندگی و خلاصه آنچه خدا در اختیارش قرار داده دارد. در این باره معمولاً از حق پدر و مادر و همسایه و معلم زیاد شنیده ایم اما حق بسیار مهمی که نشنیده ایم حق

ص: ۷۱

۱- چون حدیث درباره زیارت ثامن الائمه است این تعبیر یعنی غربت و دوری از وطن آمده.

۲- وسائل الشیعه، ۱۰/۴۳۵.

۳- کامل الزیارات، ۱۳۹.

۴- کامل الزیارات، ۱۳۸، حدیث ۳.

۵- برای آشنایی با این حقوق که شرح وظایف عبادی - اجتماعی یک مسلمان است رجوع شود به رساله الحقوق از امام زین العابدین علیه السلام، تُحْفُ الْعُقُولِ با ترجمه فارسی از انتشارات کتابفروشی اسلامیه، ۲۶۰ به بعد.

امام یعنی پیشوای دینی و رهبر فکری و حکومتی است (۱) و این است واقعیتی که

طاغوتها از اعتقاد مردم به آن بیمناکند و از نشر و تبلیغ آن ممانعت می نمایند، و به همین سبب کمتر بازگو شده است.

این حقیقت مورد قبول شیعه است که پیشوایی و ولایت امام منصوص و معین (به وسیله رسول خدا صلی الله علیه و آله) در همه ابعاد زندگی مأمومین است (۲)، و همان طور که واسطه فیوضات الهی بر بندگان است، و مبلّغ احکام شریعت و عالم به ظاهر و باطن قرآن و حقایق امور می باشد، همچنین در امور زندگی و اداره اجتماع و تعیین خط مشی حکومت اسلامی، همه و همه نیز امام واجب الاطاعه و قبول فرمانش فریضه است.

نکته: گفتیم بعد از زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام بیشترین تأکید درباره زیارت امام هشتم علی بن موسی علیه السلام شده. این تأکید و تشویق سبب روی آوردن شیعیان به زیارت هشتمین امام در مشرق کشورهای اسلامی - یعنی خراسان - شد که از آثار فرخنده آن ترویج مذهب شیعه در این سرزمین بود.

با ظهور صفویه و رسمیت یافتن تشیع و توجه زمامداران به آبادانی حرم مطهر رضوی و ایجاد موقوفات و تأسیس مدارس دینی و کتابخانه ها و وجود علمای بزرگ ادبی و دینی، مشهد الرضا یکی از پایگاه های مهم تشیع گردید.

پس از انقلاب اسلامی این روند بحمدالله پیشرفت بسیاری داشت، و

ص: ۷۲

۱- امام زین العابدین می فرمایند: واجب ترین همه این حقوق بر تو حق پیشوایان تو است. و سپس حقوق رعیت و سپس حقوق خویشانت... و حق پیشوایان که بر تو است سه گونه است، واجب ترشان حق حاکم است که تدبیر کار تو به دست اوست سپس حق آموزگار...» تحف العقول، رساله الحقوق، ۲۶۱.

۲- برای آگاهی بر ابعاد مختلف ولایت ائمه معصومین رجوع شود به: ولاء و ولایتها، مرتضی مطهری.

مخصوصاً اماکن زیارتی و خدمات فرهنگی و درمانی گسترش چشمگیری یافت، که حاکی از مدیریت صحیح و سالم آستان قدس رضوی است. والحمد لله ولی النعم.

همانندی زیارت ائمه هدی

تاکنون از روایاتی که در فضیلت زیارت رسول اکرم و امیرالمؤمنین و امام حسین و علی بن موسی الرضا - صلوات الله علیهم - رسیده نمونه هایی نقل کردیم. اینک چند خبر که در باره زیارت بقیه ائمه است می آوریم، که هر یک نکته ای و تعلیمی را در بر دارد:

۱ - هشام بن سالم از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که مردی خدمت حضرتش آمد و گفت:

- آیا به زیارت پدر شما - امام محمد باقر - باید برویم؟

- آری.

- پاداش کسی که او را زیارت کند چیست؟

- بهشت، اگر امامتش را پذیرفته و پیروی اش کند.

- کسی که از روی بی اعتنایی زیارتش را ترک کند چه کیفری دارد؟

- اندوه و افسوس [بر این خیر از دست رفته] و پشیمانی بر آن در روز قیامت [که روز حسرت و پشیمانی است]. (۱)

۲ - حسین بن یسار واسطی می گوید از امام ابوالحسن رضا علیه السلام پرسیدم:

- آنکه قبر پدرت را - که رحمت خدا بر او باد - زیارت کند چه پاداشی دارد؟

- او را زیارت کنید.

ص: ۷۳

- زیارتش چه فضیلتی دارد؟

- فضیلت و پاداش نیکوی زیارت او مانند زیارت پدرش یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

- اگر ترسیدم [از زیارت] و برایم دخول در حرمش ممکن نبود چه کنم؟

- از پشت دیوار سلام بده. (۱)

این حدیث مانند بعضی از احادیث دیگر (۲)، سختگیری حکومت غاصب عباسیان و بدرفتاری مأموران دولتی را نسبت به زوار مرقد موسی بن جعفر علیه السلام

می رساند و حساسیت دستگاه حکومت را نسبت به زیارت حریمهای ائمه هدی آشکار می کند.

ضمناً کیفیت زیارت در حال تقیه را که سلام دادن از دور و از پشت دیوار است راهنمایی می فرمایند.

۳- امام موسی بن جعفر علیه السلام در جواب عبدالرحمن بن مسلم که از فضیلت زیارت یکی از امامان بر دیگری سؤل کرد فرمود: هر کس نخستین ما را زیارت کند همانا آخرین ما را زیارت کرده، و آن کس که آخرین ما را زیارت کند همانا نخستین ما را زیارت کرده. و هر کس ولایت اولین ما را بپذیرد (۳)

همانا ولایت آخرین ما را پذیرفته و آنکس که ولایت آخرین ما را قبول کند همانا ولایت نخستین ما را قبول کرده.

ص: ۷۴

۱- کامل الزیارات، ۲۹۹، حدیث ۵.

۲- حضرت جواد علیه السلام در جواب کسی که از زیارت امام علیه السلام پرسید می فرماید: سزاوار نیست در این اوقات انجام دهی زیرا که بر ما و بر شما بیم است از آسیبی که سلطان برساند. کامل الزیارات، ۳۰۶. توضیح اینکه سلطان معمولاً به حاکمی که به قوه قهریه مسلط شده، اطلاق می شود.

۳- متن حدیث «من تولی أو لَنَا فقد تولی آخرنا...» بود، لذا ما به «پذیرش ولایت» ترجمه کردیم که در آن هم مفهوم دوستی است و هم قبول تولیت و حکومت آنان.

هر کس حاجت یکی از اولیاء - یعنی دوستان و پیروان - ما را برآورد چنان است که حاجت همه ما را برآورده. (۱)

۴ - همچنین بنابر حدیثی که امام جعفر صادق علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری و او از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت می فرماید: زیارت حضرت فاطمه علیها السلام مانند

زیارت پدر بزرگوارش می باشد، چنانکه زیارت هر یک از خمسه طیبه و ذریه معصوم آنها مانند زیارت دیگری است. (۲)

اکنون این پرسش پیش می آید که با برتری و تقدیمی که رسول خدا و علی مرتضی علیهما السلام بر دیگر معصومین دارند توجیه چند حدیث اخیر چیست؟

پاسخ را از بیان مشکل گشای حضرت رضا علیه السلام می شنویم که به حسین بن محمد قمی می فرماید: هر آن کس که مرقد پدرم [موسی بن جعفر] را در بغداد (۳)

زیارت کند مانند کسی است که قبر رسول خدا علیه السلام و قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کرده، جز اینکه آن دو را فضل خاص و برتری ویژه شان بر دیگر ائمه به جای خود هست. (۴)

بنابر این سخن صریح حضرت رضا علیه السلام برابری و همانندی زیارت امامان منافاتی با مقامات خاص و فضایل اختصاصی رسول خدا و علی مرتضی که ابوالائمه است ندارد.

اعتقاد ما درباره ائمه اثنی عشر این است که اینها همه نور واحدند. هر یک مشعلی فروزان فرا راه خلائقند که از مشکلات پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله اقتباس (۵)

کرده اند. اختلافی که هست در ظرف زمان و مکانی است که در آن زندگی

ص: ۷۵

۱- کامل الزیارات، ۳۳۶.

۲- بحار الأنوار، ۱۰۰/۱۲۴، ترجمه با تلخیص حدیث است.

۳- مقصود کاظمین است که در آن زمان هنوز به این نام خوانده نمی شده.

۴- کامل الزیارات، ۲۹۹ - ۳۰۰؛ وسائل الشیعه، ۵/۴۲۸.

۵- اقتباس: گرفتن آتش، مأخوذ از «قبس» که پاره آتش است، نور گرفتن.

می کردند، و به اقتضای وظیفه الهی و تکلیف شرعی خود عکس العملی مناسب در برابر حکومت، جامعه و مردم داشتند.

ص: ۷۶

اینک باید نگاهی کلی به زیارتنامه های رسیده از ائمه طاهرین بنماییم، تا از محتوا و درونمایه آنچه بر مزارشان باید خواند با خبر شویم، که این دانش در بینش درست ما نسبت به این سنت اسلامی بسیار مور است. پس گوییم:

به طور طبیعی چون به دیدار بزرگی عزیز نائل شویم، بعد از سلام و ادای احترام با او به گفتگو می پردازیم:

درد دل می کنیم و اظهار اشتیاق و محبت (۱)، از مهر و لطفش سخن به میان می آوریم و محاسن و فضایلش را بر می شمیریم، و از آفریدگار متعال برایش

ص: ۷۷

۱- از آداب معاشرت اسلامی است که اگر برادر دینی خود را دوست داریم، این محبت خدایی را - که البته باید از اغراض نفسانی یا نفع مادی دور باشد - به او اظهار کنیم، که این خود سبب افزونی محبت آن دو و استحکام اخوت اسلامی است. برای ملاحظه احادیث رسیده رجوع شود به «الاصول من الکافی»، کتاب العشرة، باب اخبار الرجل أخاه بحبه.

طلب رحمت و بلندی رتبت می کنیم...

آیا در دیدار با پیشوای محبوب و امام معصوم چه باید گفت؟

جز سلام و درود، و اظهار محبت و اطاعت، و شرح مناقب و کمالاتشان، و تصریح به امامت و رهبریشان از طرف خدای یکتا؟

در آیین فطری اسلام، همچنان که اصل زیارت - که ریشه در فطرت دارد - پسندیده و مستحب است، آداب آن نیز با عواطف پاک فطری و عقل سلیم آدمی سازگاری و مطابقت دارد، پس مقتضای حال و مقام این است که در حرم امام گرانقدر و پیشوای الهی خود نیز تنها به حضور تن یا توجه به دل اکتفا نکنیم، بلکه آنچه در دل داریم بر زبان آوریم، لذا سخن خویش را با سلام و تحیت آغاز می کنیم، و نسبت به ولی خدا «اعلام ولایت» و اطاعت می نماییم، و از مخالفان و معاندان وی تبری می جوئیم، و تشیع و پیروی خود را از تعلیمات امام علنی می کنیم. همچنین از آن فضای روحانی استفاده کرده به طلب رحمت برای امام و دعا و نیایش برای خود و دیگران می پردازیم.

زیارتنامه های مأثور(۱) درونمایه ای در این زمینه ها دارد. امّا این یک نیم رخ «زیارت» است، و نیم رخی دیگر نورانی و زیباتر هم می یابیم که آن سیمای معنوی و چهره ملکوتی امام و حجت خداست که از خلال عبارات بلیغ و آموزنده زیارتنامه ها هویدا می شود: تاریخچه حیات روحانی و مناقب امام، فضایی که آفریدگار منحصرأً به محمد و آل محمد صلوات الله علیهم داده تا اسوه و نمونه کامل عمل برای امت اسلامی باشند.

در این نیم رخ از زیارتهاست که ما به صورتی عجیب توحید و امام شناسی را مرتبط می یابیم، و شناخت خدا و حجت خدا را تنگاتنگ هم می بینیم، و شرح بیشتر این مختصر را از مطالعه و دقت در متن زیارتنامه ها خواهیم یافت.

ص: ۷۸

۱- مأثور: منقول، نقل شده از معصومین علیهم السلام.

نویسنده در این بخش چند زیارت معتبر مشهور را بر روی هم یک مجموعه معرفت آموز از مکتب اسلام در نظر گرفته، عناصر تشکیل دهنده آنها را با توضیحی در خور بیان می کند، تا مفاهیم عالی که سازنده این مائده آسمانی است، و با تعبیرهای گوناگون در همه تکرار شده آشکار شود.

نمونه ای از زیارتنامه ها

پیش از آنکه به شرح تک تک معانی و موضوعات وارده در زیارتنامه ها

پردازیم به ترجمه «زیارت (۱) پنجم» از زیارتهای مطلقه «امیرالمؤمنین علیه السلام» می پردازیم که با وجود اختصار، شامل تمام عناصر و مفاهیمی است که در صفحات پیشین یادآور شدیم و تفصیلش را بعد از این خواهیم دید:

سلام بر تو ای ولیّ خدا. تو نخستین مظلوم [از اهل بیت پیامبر اکرم]

هستی، و اولین کسی که حَقّش غصب شد. [برای حفظ وحدت اسلام بر این ظلم صبر کردی و آن را ذخیره آخرت به شمار آوردی، تا وفاتت فرا رسید.

من گواهی می دهم که تو در حالی که شهید بودی خدا را ملاقات کردی. (۲)

خدا قاتل تو را به انواع عذابها شکنجه کند، و عذاب را بر وی تازه گرداند.

من به حضور آمدم در حالی که شناسای حق تو و بینا به شأنت می باشم، با دشمنانت و هر آن کس که بر تو ستم کرده سخت دشمنم. (۳) [امیدوارم]

اگر خدا بخواهد پروردگارم را با این اعتقاد ملاقات کنم. (۴)

ص: ۷۹

۱- گاه مجازاً از «زیارتنامه» به «زیارت» تعبیر کرده اند. مفاتیح الجنان ملاحظه شود.

۲- تا اینجا سلام و توصیف امام است.

۳- لعن بر قاتل امام و تبرّی از دشمنان اوست، و همچنین اظهار ولایت و معرفت حق امام.

۴- این جمله و جملات بعدی دعاست و طلب شفاعت از امام، که با آیه ۲۸ سوره انبیا پایان می یابد.

ای ولیّ خدا! راستی که من گناهان زیادی دارم، پس شفیع و میانجیگر من نزد پروردگارت باش، که تو را نزد خدا مقام معلومی است، و تو را نزد خدا آبرو و منزلت و حق شفاعت است، و خدای تعالی خود گفته است: «شفاعت نکنند جز برای کسی که رضایت داشته باشد».(۱)

سلام، شعار اسلام

چون زیارتنامه‌ها معمولاً با «سلام» شروع می‌شود، که تحیت و احترامی است از زائر نسبت به مَزور، مناسب است ابتدا بار معنی این کلمه پُر استعمال سنجیده شود، پس گوئیم: معنی اصلی «سلام» سلامت و بی‌گزندی، و پاکی از عیبهاست.(۲) ظاهراً به همین جهت به آفریدگار متعال نیز اطلاق می‌شود،(۳) چنانکه در قرآن مجید هم آمده.(۴)

همچنین «سلام» اسم است از مصدر «تسلیم»(۵) یعنی گردن نهادن.

«سلام» بین عرب جاهلی نیز گاه به عنوان تحیت به کار می‌رفت، امّا در آیین پاک اسلام تحیت و خوشامدگویی به آن منحصر شد(۶)، و در دیدار

مسلمین با یکدیگر سلام کردن مستحب گشت و پاسخ آن واجب، همچنین در نماز که مهمترین عبادت مسلمان است سلام دادن واجب شده و با آن نماز پایان می‌یابد.

به تصریح قرآن کریم در بهشت نیز تحیت موان به یکدیگر سلام است.(۷)

ص: ۸۰

۱- مفاتیح الجنان، ۴۸۱، این زیارت را مرحوم کلینی از امام علی النقی علیه السلام نقل کرده.

۲- نگاه کنید به: منتهی الأرب فی لغة العرب: س ل م.

۳- یعنی عیبه و آفاتی که به خلق می‌رسد از ساحت قدس خالق بدور است. المفردات.

۴- سوره حشر، آیه ۲۳.

۵- رجوع شود به: اقرب الموارد، س ل م.

۶- الأنوار اللامعه فی شرح الجامعه، السیّد عبداللّه شُبیر، ۱۱.

۷- سوره ابراهیم، ۲۳.

به این گونه «سلامّ علیکم» شعار(۱) مسلمین شد، و آن کلمه دعایی است به معنی: سلامت از آفات دنیا و عذاب آخرت بر شما باد، یا سلامت و رحمت خدا بر شما باد، که در سلام به پیشوایان مذهبی معنی دوم مناسب است.

«سلام» از انسان به «قول» است، یعنی درود و خوشباهش، و از خدای تعالی به «فعل» است یعنی عطا کردن تندرستی و دور داشتن از بلاها و عذاب از انسان.(۲) بنابر آنچه گفتیم شعار دائم مسلمین در رویاروی شدن با یکدیگر «سلامّ علیکم» یا مختصر آن «سلام» می باشد، یعنی طلب سلامت و دوری از گزند برای برادر دینی خود، و اطمینان بخشیدن به او که از طرف سلام دهنده از هر جهت در امان است، و سود و خیرش به او می رسد نه شر و زیانی، و این مهمترین پیام و خبر است در استوار گردانیدن و سالم ساختن روابط اجتماعی افراد و داد و ستدی منصفانه. زیارت با تکرار «سلام» این شعار پر معنی را بازگو می کند و بر صفحه ذهن زائر نقش می گرداند.

سلام و توصیف امام

از رایج ترین کلماتی که در زیارت به پیشگاه امام و حجت خدا گفته می شود سلام و تحیت است و جز این هم نشاید، زیرا ادب حضور اقتضا می کند پس از نام خدا و تکبیر و تحمیدش، بر طبق سنت اسلامی سخن خود را با سلام آغاز کنیم.

افزون بر این، حرم مطهر پیامبر اعظم و اهل بیت معصومش بهترین و مناسب ترین مکان برای اجرای حکم قرآن یعنی صلوات فرستادن و طلب رحمت و رفعت درجه از خدای وهّاب جهت آن پیشوایان است.(۳) اما نکته

ص: ۸۱

۱- شعار: نشان یا سخنی که حزبی یا گروهی به آن مشخص و ممتاز شوند.

۲- رجوع شود به: المفردات فی غریب القرآن: سلم.

۳- برای تفصیل رجوع شود به: سوره احزاب / ۵۶، و بخش ۱، آداب زیارت، بهترین مکان صلوات.

گفتنی و قابل توجه این است که ضمن این سلامها، امام به اوصافش خطاب می شود نه نام تنها، و مقامی که خدای تعالی به وی عطا کرده و فضایی که دارد ذکر می شود، یا نسبتی که با رسول اکرم صلی الله علیه و آله دارد.

بدین ترتیب متون زیارت که بخش عمده آن سلام بر امام است، خود دفتری نورانی از مقامات معنوی و اوصاف و مناقب پیامبر گرامی ما و عترت طاهره اش می باشد، و کارنامه ای از کوششهای آنان برای برافراشتن پرچم توحید و ترویج قرآن و بسط عدالت و امر به معروف و نهی از منکر، و به بیان دیگر امام شناسی به گونه ای زنده و آموزنده، در عباراتی شیوا و آهنگین، و اینک چند مثال(۱):

۱ - در زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می گوئیم:

... سلام بر تو ای بر پا دارنده عدالت.

سلام بر تو ای گشاینده راه خیر. سلام بر تو ای معدن وحی و نزول قرآن.

سلام بر تو ای مُبَلِّغ از طرف خدا. سلام بر تو ای چراغ روشنی بخش.

سلام بر تو ای مژده دهنده. سلام بر تو ای بیم دهنده.

سلام بر تو ای نور خدا که از آن روشنایی می گیرند... (۲)

۲ - در زیارت ائمه بقیع می خوانیم:

سلام بر شما پیشوایان هدایت. سلام بر شما اهل تقوی.

سلام بر شما ای حجت‌های (۳) بر اهل دنیا. سلام بر شما ای قیام کنندگان به قسط

ص: ۸۲

۱- کلیات مفاتیح الجنان، از انتشارات کتابفروشی اسلامیة، شماره ۲۵، باب سیم در زیارت، فصل سیم، زیارت حضرت رسول از بعید، ص ۴۳۷

۲- روش نویسنده در ترجمه عبارتهای بلیغ زیارتها در حد امکان حفظ اصالت متن است با روانی جمله ها؛ با اعتراف به اینکه چنین متونی نیاز به شرح و تفسیر دارد.

۳- با توجه به اینکه حجت به این معانی آمده: دلیل، برهان، بینه، آنچه بدان دعوی ثابت شود تعریفات جرجانی اهمیت و ارزش مذهبی این وصف برای ائمه واضح می شود.

سلام بر شما پاکان برگزیده. سلام بر شما خاندان رسول خدا... (۲)

۳ - در زیارت «امین الله» (۳) این چنین به امام سلام می دهیم:

دروود بر تو ای امین خدا در زمین و حجت او بر بندگانش. درود بر تو ای امیر موان. شهادت می دهیم که تو در راه خدا جهاد کردی چنانکه شایسته و بایسته بود، و به احکام کتابش عمل کردی، و از سنتهای پیامبرش - که رحمت خدا بر او و آتش باد پیروی نمودی، تا خدا تو را به جوار رحمت خود خواند، و جانت را به اختیار خودش گرفت...

۴ - «توصیف امیر موان علیه السلام» در ضمن سلامهایی که به حضرتش می دهیم:

سلام بر پدر امامان و دوست نبوت و مخصوص به برادری با پیغمبر.

سلام بر پیشرو و سرآمد (۴) در ایمان و وسیله سنجش اعمال، و شمشیر خدای صاحب جلال.

سلام بر صالح از موان و وارث دانش پیامبران و حکم کننده در روز جزا.

سلام بر درخت تقوی، سلام بر حجت رسای خدا و نعمت تمامش و عذاب

کوبنده اش.

ص: ۸۳

۱- ترجمه «السلام علیکم ایها القوام فی البریه بالقسط» است.

۲- مفاتیح الجنان، باب سیم، فصل سیم، زیارت ائمه بقیع علیهم السلام، ص ۴۴۶.

۳- زیارت معروف «امین الله» که از جهت محتوا و سند بسیار معتبر است، هر چند جزء زیارتهای حضرت علی علیه السلام آمده، اما به نصّ حدیث در زیارت سایر ائمه نیز می توان خواند. رجوع شود به مأخذ پیشین، زیارت دوم، ۴۷۶ - ۴۷۷.

۴- متن زیارت «یعسوب الایمان» است، و توضیح زیر روشنگر لطف این تعبیر است: یعسوب: امیر زنبوران شَهد و آن زنبور نر باشد کلانتر از تمامی زنبوران عسل، هر جا که رود همه زنبوران تابع باشند. مجازاً به معنی «سر گروه قوم» است، و «یعسوب المونین» لقب مرتضی علی رضی الله عنهاست. خلاصه از غیث اللغات.

سلام بر راه روشن و اختر رخشان و امام نصیحت کننده،^(۱) و رحمت خدا و برکاتش بر تو.^(۲)

۵- در زیارتی دیگر فضایل و خدمات اصلاحی و راهنماییهای دینی

حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بر شمرده می شود، و آیاتی که در توصیف آن امام نازل شده و احادیث نبوی در معرفی مقامات معنوی حضرتش همه نقل می گردد، و این است مثالی از آنها:

ای علی! تو چنانکه رسول خدا - درود خدا بر او و آتش - گفت بودی: نیرومند در بدنت، فروتن در پیش خودت، بزرگ نزد خدا، سترگ در زمین، والا در آسمان.

کسی را درباره تو جای عیب جویی نبود، و گوینده ای در زمینه تو جای طعن و زشتگویی نمی یافت. خلق در تو طمع طرفداری [به ناحق و بی مورد] نداشتند، و کسی پیش تو جای خود شیرینی نمی یافت، ضعیف

خوار نزدت قوی ارجمند بود تا حق او را بستانی، و توانای گرانقدر در نظر تو ضعیف بود تا حق را از او بستانی. در اجرای چنین عدالتی خویش و بیگانه پیش تو برابر بودند...^(۳)

۶- در «زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام» نیز «سلام» همواره با وصفی از امام همراه می باشد، اما چون حضرتش سید شهیدان است، توصیفش در فضای

ص: ۸۴

۱- نصیحت: معنی اصلی آن «اخلاص» و صاف شدن از هر ناخالصی است. و در «التعريفات» آمده: «نصيحت» خواندن به آنچه در آن صلاح است، و نهی از آنچه در آن فساد است. بنابر این «الامام الناصح» - که در زیارت آمده - یعنی پیشوای پند دهنده خیرخواه.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام، زیارت چهارم، ۴۸۰.

۳- مفاتیح الجنان، ۵۱۵. این ویژگی امام برای فرمان روایان جهان در هر زمان بهترین راهکار و دستورالعمل است. گفتنی است که یکی از علل گرایش ایرانیان و اقوام غیر عرب یعنی عجم به آن حضرت همین رعایت عدالت اجتماعی و ترجیح ندادن عرب بر عجم - که سیره امویان بود - می باشد.

انقلابی خاصی بیان می شود: با رنگ خون و آهنک شهادت، و اینک مثالی از این گونه:

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزندش حجتش.

سلام بر تو ای کشته شده [راه] خدا و فرزند کشته شده [در راه] او.

سلام بر تو ای کسی که خدا خونخواهی تو را می کند و پسر چنان کسی. (۱)

سلام بر تو ای یگانه شهید - در آسمانها و زمین - که خونبهایت پرداخت نشده، و خدا از تو خونخواهی می کند (۲)، گواهی می دهم که خونت در بهشت جاوید جایگزین شد، و سایه های (۳) عرش برای آن به لرزه درآمد، و همه خلایق بر آن گریستند... (۴)

بجاست یادآوری شود اضافه کلماتی چون: حجت، قتیل، ثار، و تر به «الله» در اصطلاح مفسران و عقاید شناسان اضافه تشریفی خوانده می شود یعنی کسب شرف و ارجمندی مضاف از مضاف الیه. این گونه اضافه در قرآن مجید

ص: ۸۵

- ۱- ترجمه این جمله از زیارت است: السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره. ثار: انتقام خون گرفتن، خونخواهی، خون است، بنابر این عبارت مذکور پذیرای چنین معنی نیز هست: سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون او.
- ۲- چنین است متن زیارت: السلام علیک یا وتر الله الموتر فی السموات والارض. وتر: دریافت نکردن کینه و خون کشته خویش است. مؤتور: آنکه کسی از وی کشته شود و خون کشته خویش در نیابد.
- ۳- ترجمه «اظله العرش» است. ظل العرش: رحمت خدا، بهشت، سایه رحمت خدا منتهی الأرب بی مناسبت نیست «سایه های عرش» را در عبارت مذکور «بهشت» بدانیم که خود مرکز رحمت خدا یا سایه رحمت خداست، و سبب این به لرزه در آمدن همان قرار گرفتن آن خون مقدس خدایی است در بهشت که در جمله قبلش ذکر شده.
- ۴- مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام، زیارت اول، متذکر می شود نظیر سلامهای نقل شده در دیگر زیارتهای آن حضرت نیز آمده، از جمله زیارت عرفه و عاشورا.

مکرر آمده مانند: ناچه الله (۱)، بیستی (۲)، روحی (۳)، روحنا (۴).

۷- در «زیارت صاحب الأمر امام زمان» عجل الله فرجه که به صورت توقیع (۵) رسیده، و دارای سبک بیان خاصی است سلام با چنین توصیفاتی بیان می شود:

سلام بر آل یس (که اهل بیت پیامبر اکرمند).

سلام بر تو ای دعوت کننده به خدا و بزرگ عالم به آیاتش.

سلام بر تو ای در معرفت خدا، و حاکم در دینش [با واداشتن مردم به دینداری].

سلام بر تو ای جانشین خدا [در زمین] و یاری کننده حقش.

سلام بر تو ای حجت خدا و راهنما به اراده اش.

سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و مترجم و بیان کننده آن.

سلام بر تو در هر لحظه از شب و سراسر روزت.

سلام بر تو ای بقیه الله (۶) در زمینش.

سلام بر تو ای پیمان خدایی که آن را گرفت و ملوّد کرد.

سلام بر تو ای وعده خدا که [تحقق] آن را ضمانت کرد.

ص: ۸۶

۱- سوره اعراف، ۷۳؛ هود، ۶۴؛ والشمس، ۱۳.

۲- بقره، ۱۲۵؛ حج، ۲۶.

۳- ص، [صاد]، ۷۲.

۴- مریم، ۱۷.

۵- توقیع: نشان گذاشتن و امضا کردن نامه و فرمان. جواب مختصر که کاتب در نوشته به پرسشها می دهد منتهی الأرب، لغت نامه. معمولاً توقیع به نامه های حضرت حجت امام زمان (عجل الله فرجه) گفته می شود، که توسط نایبان خاص ایشان در زمان غیبت صغری به دست شیعیان می رسیده، و نشان پنهان زیستی آن حضرت است.

۶- «بقیه الله» تعبیری بر گرفته از آیه ۸۶ سوره هود است، و معنی آن: باقی مانده نعمت خداست، و تأویل آن به وجود مبارک ولی اعظم الهی حضرت حجه بن الحسن - عجل الله فرجه - شده.

سلام بر تو ای پرچم افراشته و دانش فرو ریخته و فریادرس و رحمت فراگیر و وعده ای راست [که تکذیب نشود].

سلام بر تو هنگامی که برخیزی، سلام بر تو هنگامی که بنشینی.

سلام بر تو هنگامی که بخوانی و بیان کنی.

سلام بر تو هنگامی که نمازگزار و عبادت کنی... (۱)

سلام بر تو ای امام محفوظ و در امان.

سلام بر تو ای مقدم مورد آرزو (پیشوایی که همه به تو امیدوارند).

سلام بر تو سلامی همه جانبه و تمام. (۲)

۸ - «جامعه کبیره» زیارتی است که در حرم همه ائمه معصومین می توان

خواند، و به تصریح علمای بزرگ ما از بلاغت و شیوایی خاصی برخوردار است، (۳) و بعلاوه شامل همه خصوصیات است که برای زیارت‌های مأثور بر شمردیم مانند: توصیف کامل و معرفی جامع خاندان رسالت، بیان معارف الهی و مفاهیم توحیدی، شهادت و گواهی دادن به فضایل ائمه هدی، دعا و خواهانی از خدا، قبولی ولایت و تولای به ائمه نور و نفرت و تبرا از ائمه نار و غیر اینها از معارف اسلامی. اینک ترجمه ای از بخش نخستین این زیارت.

سلام بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت، و محل رفت و آمد فرشتگان و فرودگاه وحی، و معدن رحمت و گنجوران دانش و حد نهایی بردباری و شکیبایی، و ریشه های بخشش و بزرگواری و پیشوایان امتهای، و ولی نعمتها [که همه به واسطه و برکت شما می رسد]، و مایه های [پرورش] نیکان

و تکیه گاه های نیکوکاران، و سیاستمداران [= نیکو

ص: ۸۷

۱- یعنی درود پیاپی به تو در هر حال و در هر کاری که مشغولی.

۲- پس از این، گواهی دادن به وحدت الهی و رسالت خاتم انبیا و امامت ائمه دوازده گانه می آید. رجوع شود به مفاتیح الجنان، ۶۷۴.

۳- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، ۷۰۶.

اداره کنندگان [بندگان (۱)]، و اسباب قوت و شوکت شهرها، (۲) و درهای [ورود به خانه] ایمان و افراد امینِ خدای رحمن، و نژاد پیامبران و زبده و برگزیده رسولان و عترت برگزیده پروردگار جهانیان (۳)، و رحمت خدا و برکاتش [بر شما].

سلام بر امامان هدایت و چراغهای شب تار، و نشانه های تقوی، و صاحبان خرد و دارندگان عقل و زیرکی، و پناه مردم، و وارثان پیغمبران و نمونه اعلا [از بندگان شایسته و برگزیده خدا]، و دعوت بهتر [به سوی خدا]، و حجت‌های خدا بر مردم دنیا و آخرت و عالم قبل از دنیا، و رحمت خدا و برکاتش [بر شما].

سلام بر محل‌های معرفت خدا و جایگاه‌های برکت و خیر خدا، و معادن حکمت خدا، و حافظانِ سرّ خدا، (۴) و حاملان کتاب خدا و جانشینان پیغمبر خدا و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و رحمت خدا و برکاتش [بر شما]...

چنانکه ملاحظه می شود «سلام» همراه با معرفی امام و شرح مقامات معنوی اوست، و به این صورت زیارت درسی می شود از امام شناسی با روشی آسان در حضور امام، ضمن نسبت دادن همه آن فضایل و کمالات به خدای وهّاب به

ص: ۸۸

-
- ۱- متن زیارت: وَ سَاسَهُ الْعِبَادَ. سَاسَ السُّلْطَانُ وَالْوَالِيَ الرَّعِيَّةَ: تَوَلَّى أَمْرَهَا وَ دَبَّرَهَا وَأَحْسَنَ النَّظَرَ إِلَيْهَا أَقْرَبَ الْمَوَارِدِ.
 - ۲- ترجمه این جمله زیارت است: أَرْكَانَ الْبِلَادِ. ركن: هر امر که باعث قوت و غلبه و شوکت باشد مثل مُلْكُ و شوکت و لشکر، ارجمندی و قوت و غلبه منتهی الأرب.
 - ۳- یعنی فرزندان و نزدیکترین کسانِ نبی اکرم که برگزیده آدمیان و افضل پیامبران است.
 - ۴- سؤالی که در ملاحظه چنین تعبیرهایی به ذهن می رسد این است که سِرِّ خدا چیست؟ گوییم: اگر معلوم بود که سِرِّ نبود. خصوصیت سِرِّ و راز همان پوشیدگی و پنهان بودنش می باشد.

زیارت، جلوه گاه توحید

زیارتها با آنکه در وضع اولیه برای بزرگداشت و یادکرد پیشوایان دینی و اولیای الهی می باشد، اما از آنجا که اسلام آیین یکتاپرستی است، و هیچ عملی - به خصوص اعمال عبادی - نیست که از مسلمان واقعی سرزند و ارتباطی با خدای یکتای بی همتا نداشته باشد، و عطایا توفیق او محسوب نشود، بدین جهت در زیارتهای رسیده از پیشوایان دینی با تعبیرهای مختلف خدای تعالی نام برده و ستوده می شود. چند نمونه ترجمه و نقل می شود:

اذن دخول که در تمام مشاهد مشرفه خوانده می شود به صورت دعا و اجازه گرفتن از خدای تعالی است:

خدایا من بر دری از درهای خانه های پیغمبرت - که رحمت تو بر او و آلش باد - ایستادم، و تو مردم را از اینکه جز با اجازه او داخل شوند منع کردی، و گفتی «ای کسانی که ایمان آورده اید به خانه های پیغمبر وارد نشوید مگر به شما اجازه داده شود...»^(۱) و من - پروردگارا - نخست از تو اجازه می طلبم، و ثانیاً از رسول صلی الله علیه و آله کسب اجازه می کنم...^(۲)

در محل سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و همچنین در زیارت آن حضرت از دور، عبارت با شهادتین آغاز می شود.^(۳)

در زیارت علی بن ابی طالب علیه السلام زائر از ابتدای رسیدن به کوفه سخن خود را با تکبیر و تقدیس و تسبیح آغاز می کند، و بهترین عبارات توحیدآمیز را بیان می نماید.^(۴)

۱- سوره احزاب / ۵۳ .

۲- مفاتیح الجنان فصل دوم در ذکر اذن دخول، ۴۲۷.

۳- مفاتیح الجنان فصل دوم در ذکر اذن دخول، ۴۳۲.

۴- مفاتیح الجنان فصل دوم در ذکر اذن دخول، ۴۳۷.

چون زائر به دروازه نجف برسد بگوید:

سپاس خدای را که به این [مکان] ما را هدایت کرد، و اگر راهنمایی خدا نبود ما نمی توانستیم به آن راه یابیم، سپاس خدای که مرا در بلادش سیر داد...[\(۱\)](#)

هنگامی که به درگاه اول برسد بگوید:

خدایا در [خانه] تو ایستادم، و به آستانه ات فرود آمدم، و به ریسمانت چنگ زدم و خود را در محل بهره گیری از رحمت تو قرار دادم، و به ولیّ تو - که رحمت تو بر او باد - توسل جستیم، پس آن را زیارتی پذیرفته و دعایی به اجابت رسیده قرار ده.[\(۲\)](#)

در داخل صحن و هنگام ورود به حرم به ستایش خدای تعالی - که معرفت خود و رسولش را عطا کرده - می پردازد و نیز تکبیر و تهلیل می گوید، و چون داخل حرم مطهر می شود این چنین خدا را یاد می کند:

به نام خدا و به [ذات] خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا، که درود خدا بر او باد. خدایا مرا بیامرزد و بر من مهربانی کن و توبه ام را بپذیر، زیرا تو بسیار توبه پذیر و مهربانی.[\(۳\)](#)

در «زیارت امیرالمؤمنین» بعد از اینکه زائر سلام خدا را به رسولش می رساند می گوید:

خدایا رحمت فرست بر امیرمؤمنان که بنده ات و بهترین آفریده ات بعد از پیغمبر و برادر رسالت و جانشین حیبت می باشد، که برگزیدی او را از میان آفریدگانت و راهنمای به کسی که با رسالات مبعوثش کردی...[\(۴\)](#)

در بالای سر به این عبارت اظهار ولایت می کند:

ص: ۹۰

۱- مفاتیح الجنان، ۴۶۲.

۲- مفاتیح الجنان، ۴۶۴.

۳- مفاتیح الجنان، ۴۶۶.

۴- مفاتیح الجنان، ۴۶۷.

ای مولای من! ورودم به حرم تو است، و برای رسیدن به مقصودم به وسیله تو به پروردگارت توسل می‌جویم، و گواهی می‌دهم که توسل جوینده به تو ناامید نشود، و کسی که با معرفت از تو درخواست کند جز با برآمدن حاجتش برنگردد. بنابراین این میانجیگر من نزد الله باش که پروردگارت تو و پروردگارت من است در اینکه حاجت‌هایم را بر آورد، و [دشواری] کارهایم را آسان کند، و سختی‌هایم را برطرف نماید، و گناهانم را ببامزد... (۱)

در آمیختگی خداشناسی را با معرفت امام و ارتباط این دو را با هم در «زیارت سیدالشهدا علیه السلام» نیز به روشنی می‌بینیم:

هر که خدا را بخواهد به وسیله شما آغاز [مقصد] می‌کند. خدا به وسیله شما دروغ را آشکار می‌کند، و به وسیله شما خدا روزگار سخت آزار دهنده را دور می‌گرداند. خدا به وسیله شما [راه هدایت را] باز می‌نماید و هم به وسیله شما آن را پایان می‌بخشد. خدا به وسیله شما آنچه را می‌خواهد [از تقدیر امور] محو کند و هر چه را خواهد [و صلاح داند]

ثابت کند، به وسیله شما طوق خواری را از گردن ما باز کند، و به وسیله شما خون ناحق هر مونی را که باید خواست مطالبه می‌کند... (۲) خواست پروردگار در اندازه‌گیری کارهایش [یا قضا و قدر حتمی] نزد شما فرود

می‌آید و از خانه‌های شما خارج می‌شود... (۳)

جمله اخیر قابل توجه و گرانبار از عظمت اهل بیت عصمت نزد آفریدگار متعال است، و نتیجه سخن این است که آنان مجرای اراده و ظرف مشیت پروردگارند.

ص: ۹۱

۱- مفاتیح الجنان، ۴۶۹.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امام حسین، ۵۶۱.

۳- چنین است متن زیارت: اراده الرب فی مقادیر امور تهبط الیکم و تصدر من بیوتکم مأخذ پیشین.

«زیارت جامعه کبیره» که شامل بلیغ ترین توصیف و کاملترین نعت (۱) و فضیلت ائمه معصومین می باشد خود حاوی بهترین معانی توحیدی و یکتاپرستی است، و به صورتی روشن و بیانی رسا ارتباط توحید و امامت را نشان می دهد، و فضایل ائمه همه را عطیّه الهی و تفضّل پروردگار معرفی می کند، چنانکه کلمه جلاله «الله» در غالب سطور به چشم می خورد و به خدای سبحان رهنمون می شود.

به عنوان نمونه به ترجمه چند بند از زیارت جامعه کبیره می پردازد:

سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا، و راهنمایان به خشنودی خدا، و قرار گیرندگان در امر [خلافت] خدا، و همه کامل در محبت خدا، و مخلصان در توحید خدا، و ظاهر کنندگان امر و نهی خدا [ضمن احادیث و خطبه ها و مناظراتشان]...

در جای دیگر از همان زیارت، ائمه را این چنین توصیف می کنیم:

خدا شما را از لغزشها نگهداری کرد، و از فتنه ها در امان داشت، و از آلودگی پاکتان داشت و از شما هر پلیدی و گناه را بُرد و بخوبی پاکتان کرد، پس شما هم جلالش را به عظمت وصف کردید، و شأنش را بلند دانستید، و کرمش را به بزرگی ستودید، و ذکرش را ادامه دادید...

این اوصاف که همه در ارتباط با آفریدگار متعال است همچنین بر شمرده می شود و کمال تقرب آن ذوات مقدس به خدای تعالی روشن می گردد، تا اینکه زائر می گوید:

هر کس به شما محبت ورزد راستی که به خدا محبت ورزیده، و هر کس شما را دشمن دارد همانا که خدا را دشمن داشته، و هر کس به شما چنگ

ص: ۹۲

۱- نعت: وصف کردن مخصوصاً توصیف نیکو بیشتر در مورد خدا و رسول استعمال شود.

زند واقعاً به خدا چنگ زده... (۱)

نماز زیارت از جمله آداب زیارت می باشد و آن دو رکعت نماز است (۲)، که بعد از خواندن زیارت‌های مأثوره باید بجا آورد. دعایی که پس از پایان یافتن نماز باید خواند، خود بهترین معرف هدف نماز گزار در یکتاپرستی است، و اینک ترجمه این دعا که بعد از نماز زیارت امیرالمؤمنین خوانده می شود:

خدایا! من این دو رکعت نماز را خواندم هدیه ای از من به [پیشگاه] سرور و مولایم که ولی تو است و برادر رسالت، امیر مؤمنان و سید اوصیا علی بن ابی طالب که صلوات خدا بر او و آتش باد.

خدایا! پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و آن را از من بپذیر و بر آن به من پاداش ده، بدان گونه که به نیکوکاران جزا می دهی.

خدایا! فقط برای تو نماز خواندم، و فقط برای تو رکوع و سجود کردم - که تو یکتایی و شریک نداری، زیرا نماز و رکوع و سجود جز برای تو نمی باشد، که تویی تو آن خدایی که معبودی جز تو نیست.

خدایا! رحمت فرست بر محمد و آل محمد، و زیارتم را بپذیر و

درخوامم را به من عطا کن، به محمد و آل پاکش. (۳)

نویسنده نیازی نمی بیند که توضیح دهد چگونه این دعا و نظایرش که زبان

حال و قال زائر است، اتهام شرک را نسبت به زائرین تکذیب می نماید، و کیفیت ارتباط دو اصل اعتقادی «توحید» و «امامت» را نشان می دهد: آشکارا

ص: ۹۳

-
- ۱- برای ملاحظه قسمتهای انتخاب شده از زیارت جامعه کبیره رجوع شود به: مفاتیح الجنان، ۶۹۹ - ۷۰۶.
 - ۲- در زیارت امیرالمؤمنین این نماز شش رکعت است، دو رکعت هدیه به آن حضرت و چهار رکعت دیگر هدیه به حضرت آدم و نوح علیهما السلام.
 - ۳- مفاتیح الجنان، ۴۷۲. شبیه این دعا بعد از نماز زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام نیز آمده. رجوع شود به مفاتیح الجنان، پایان زیارت ششم از زیارت‌های مطلقه، ۵۶۷.

می فهمیم عبادت خاص آفریدگار یکتاست، و ثواب مترتب بر آن هدیه به امام می شود، آنکه بزرگترین بنده موحد خداست و بهترین معرّف خدا به ما.

تَوَلَّاءُ وَ تَبَرَّاءُ

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (۱)

از موضوعاتی که در زیارتها طرح می شود تَبَرَّاءُ (۲) و بیزاری جستن از بنیان گذاران حکومت ظلم و فساد و دشمنان ائمه هدی است، و این در پی تَوَلَّاءُ و اظهار محبت و تحیت به پیشوایان دینی است، بدین ترتیب زیارت جلوه گاه تَوَلَّاءُ و تَبَرَّاءُ است.

چون این دو حالت روانی از عواطف مهم انسان است که در تربیت اخلاق فردی و همچنین فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آثار مهمی دارد، و انگیزه بسیاری از رفتارهای پسندیده یا ناپسند می باشد، نخست به توضیحی در این باب می پردازیم و سپس شواهدی از متن زیارتها نقل می کنیم:

رغبت و نفرت، محبت و عداوت از حالات انفعالی و عواطف انسان است، که به طور طبیعی در افراد وجود دارد، و در روان شناسی مورد تحقیق قرار می گیرد.

یک مسلمان صمیمی و پای بند به مذهب نمی تواند در دل نسبت به موافقان و مخالفان عقیدتی خود حالتی یک سان داشته باشد، زیرا لازمه اعتقاد راستین به یک مکتب جانبداری و دفاع از آن، و علاقه به پیشوایان و نفرت و دوری از مخالفانش می باشد، که اگر شخص مکتبی چنین حالتی نداشته باشد، بی شک

ص: ۹۴

۱- سوره شوری، آیه ۲۳: [ای پیامبر به امت] بگو: من از شما بر این [پیغام رساندن] هیچ مزدی نمی خواهم، جز دوست داشتن نزدیکان.

۲- تَوَلَّاءُ، در عربی تَوَلَّی: دوستی داشتن با کسی. تَبَرَّاءُ در عربی تَبَرَّی: بیزار شدن از...

مخالفان از نوعی ضدیت و دشمنی نسبت به او و مکتبش خالی نخواهند بود، چنانکه در رویدادهای سیاسی و اجتماعی کنونی هم می بینیم.

افزون بر این، اسلام که دینی جامع و کامل است، تعلیماتش هیچگاه منحصر به اندامهای بدن و اعمال ظاهری نمی شود، بلکه درباره مقاصد و ثبات آدمی نیز حکم و دستور دارد، و به خصوص نسبت به عاطفه محبت و عداوت که از عواطف قوی انسان است رهنمودهایی عرضه می کند که از حکمت و واقع بینی تعلیماتش حکایت دارد.

راز مطلب و اهمیتش در این است که انسان - گذشته از موارد استثنایی - بیشتر و بیشتر از اینکه تابع استدلال و منطق و علم باشد پیرو احساسات و عواطفش می باشد، چنانکه انگیزه بسیاری از رفتارهایش دلبستگی ها و دل آزردها است، یا روحیه تبعیت از رسوم رایج و تقلید از بزرگان قوم. (۱)

به این جهت در قرآن کریم و احادیث، محبت و عداوت آدمی نیز تحت حکم الهی در آمده چنانکه می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا آباءکم و اخوانکم اولیاءَ اِنِ اسْتَحَبُّوا الْکُفْرَ عَلَی الْاِیْمَانِ» (۲).

ای کسانی که بگرویدید، پدران و برادران خویش را به دوستی مگیرید [و به آنان مهر نوزید] اگر آنان دوست دارند که کفر را بر ایمان بگزینند. (۳)

آری! «صلح کل» بودن در واقع نشان عقیده راسخ و ثابت نداشتن است، و آفریدگار متعال و رسولش نیز از مشرکان بری و بیزارند (۴)، یعنی از شرک و عقاید سخیف و فاسدشان. و اینک شاهدهی از احادیث:

ص: ۹۵

۱- یکی از جهات اهمیت «حکومت» و اداره کنندگان کشور نیز همین است که در اصلاح یا به فساد کشاندن عاقله مردم تأثیری فراوان دارند و خواه ناخواه مورد تقلید عمومی واقع می شوند.

۲- سوره توبه، آیه ۲۳.

۳- آیه بعد از آن نیز با لحنی تهدیدآمیز می فرماید: نباید قوم و خویش و اموال و تجارت، از خدا و رسول و جهاد در راه او محبوبتر باشد.

۴- سوره توبه، ۳.

فُضیل بن یَسار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم، آیا حب و بغض از ایمان است؟

فرمود: مگر ایمان چیزی غیر از حب و بغض است؟ سپس این آیه را تلاوت فرمود: «خدا ایمان را محبوب شما کرد و آن را در دل شما بیاراست، و کفر و نافرمانی و عصیان را ناپسند شما کرد، آنان هدایت یافتگانند.»^(۱)

و حتی این حالت دوست داشتن نیکان و کارهای خیر، و دشمن داشتن

بدکاران به واسطه اعمال شرشان، خود میزان خوبی و بدی شخص معرفی شده:

امام باقر علیه السلام فرمود: هر گاه می خواهی بدانی در تو خیری هست، به دلت نگاه کن. اگر اهل اطاعت خدا را دوست و اهل معصیت خدا را دشمن داری، در تو خیر است و خدا هم تو را دوست دارد، و اگر اهل طاعت خدا را دشمن و اهل معصیت خدا را دوست داری، در تو خیر نیست و خدا دشمنت دارد، و هر کس همراه دوست خود است.^(۲)

جمله اخیر این حدیث «والمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّهُ» قابل تأمل بیشتر است، و حاکی از یک اصل اعتقادی در اسلام است، زیرا روح انسان که در کودکی آینه ای پذیرای هر نقش است در طول عمر ضمن رویارویی با صحنه های زشت و زیبای زندگی شکل می گیرد و شخصیتش ساخته می شود و حشر و نشرش با همانهاست که وابسته و دلبسته به آنها بوده: خدا یا هوی، حق یا باطل...

اینک که دانستیم چرا «انسان با کسی است که به آن محبت می ورزد» ارزش تولد- و تبرّ را در تربیت آدمیزاد و تعیین مسیر فکری و گرایش قلبی اش بهتر

ص: ۹۶

۱- برای ملاحظه حدیث رجوع شود: اصول کافی، ترجمه حاج سید جواد مصطفوی، ۳/۱۹۰.

۲- اصول کافی، مترجم، ۳/۱۹۲.

درک می کنیم، و به اهمیت زیارت نامه ها بیشتر پی می بریم که مستقیماً محبت و ولایت ائمه معصومین را تلقین می کند، و لعن (۱) و طعن بر ظالمان و غاصبان حقشان را بازگو می نماید، به خصوص در زیارتهای حضرت سیدالشهدا علیه السلام. اینک چند مثال که تولا و تبراً را می آموزد. در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام می خوانیم:

خدایا! لعنت کن بر قاتلان امیرمؤمنان، خدایا لعنت کن قاتلان حسن و حسین را، خدایا لعنت کن قاتلان ائمه را، و عذابشان کن به عذابی دردناک که احدی از جهانیان را آن طور عذاب نکردی، به عذابی بسیار که آن را گسستن و انقطاعی نیست، و مدت و نهایتی ندارد [چرا؟] برای اینکه با

والیان امر تو مخالفت و ستیزه کردند، و آماده کن برای آنها عذابی که آن را به هیچ یک از آفریدگانت وارد نکردی... (۲)

غالباً تولا و شیفستگی زائر به امام بعد از بیان فضایل و مقامات معنوی او ذکر می شود، تاعلت و موجبی باشد بر محبت و دلدادگی که به آن نیکوان روحانی دارد.

به نقل نمونه ای که از زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه برگزیده شده اکتفا می کنیم:

تو در هدایت و پیشوای تقوی و دستگیره محکم و حجت بر اهل دنیا و پنجمین از اصحاب کسایی.

دست رحمت به تو غذا داد، و از پستان ایمان شیر نوشیدی، و در دامن اسلام پرورش یافتی. بنابر این دل به فراق راضی نمی شود، و به زنده بودن شک نمی کند. درود و رحمت خدا بر تو و بر پدران و فرزندان باد.

ص: ۹۷

۱- لعنت: رانندگی، اسم است از «لعن» قال الله تعالی: «الّا- لعنه الله على الظالمين» هان که لعنت خدا بر ستمگران باد. ملعون: رانده و دور کرده از نیکی و رحمت (منتهی الأرب).

۲- ترجمه متن نخستین زیارت مطلقه امیرالمؤمنین در مفاتیح الجنان، ص ۴۶۹ است.

بعد از چند سلام و تحیت این چنین ابراز عواطف دوستانه می نماید:

ای فرزند رسول الله! پدر و مادرم فدایت باد.

ای اباعبدالله! پدر و مادرم قربانت باد.

واقعاً پیش آمد ناگوار و مصیبت وارده به تو بر ما و بر همه اهل آسمانها و زمین بزرگ و ناراحت کننده است. پس گروهی که زین بر اسب نهادند و لگام بر دهنش زدند و آماده جنگ و قتل تو شدند خدا لعنت کند (از رحمت خدا دور کند). (۱)

این مضامین شورانگیز در بیان فضایل فرزندان رسول اکرم و آرزوی یاری و همراهی با آنان و لعن و طعن بر ظالمان و دشمنانشان دائم به زائر تلقین می شود، و باعث تشجیع و قدرت روحی او می گردد، و شعله خشم مقدسی را در کانون دلش روشن می کند، که ریشه هر ستم و ستمکاری را می سوزاند، و نفرت و بیزاری اش را نسبت به حکام ظالم بر می انگیزد (۲)، حکامی که یا از نسل و تبار همان پلیدان گذشته یعنی بنی امیه هستند با همان خبثت و رذالت، یا از نظر فکری و راه سیاسی از دودمان آن طاغوتیان جاه طلب یعنی عباسیان می باشند، و در هر دو صورت دشمن علم و تقوی و فضایل انسانی اند که در عترت رسول متجلی بوده و مردم را به سوی آنان می کشانده است.

بیشترین لعنت و بیزاری از دشمنان خاندان عصمت و طهارت و مخالفان

ص: ۹۸

۱- مفاتیح الجنان، ۵۹۵ - ۵۹۶. همچنین رجوع شود به ۵۶۱ و ۵۶۵.

۲- در زیارت جامعه زائر به این حال تصریح می کند و می گوید: *سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَمَكَ وَحَرِّبْ لِمَنْ حَارَبَكَ*: ای پیشوایان! هر کس که تسلیم و مطیع شماست من با او در صلح و صفایم، و در برابر کسی که با شما به جنگ پرداخته است، همه جنگ و ستیزم. نیز در همین زیارت زائر این چنین تولا - و تبرای خود را اظهار می کند: *دَلِمَ زَیْرِ فَرْمَانَ شَمَا وَرَأَیْمَ تَابِعِ شَمَاسْتِ*، و همواره آماده یاریتان هستم تا خدای تعالی دینش را به وسیله شما زنده گرداند... مفاتیح الجنان، ۷۰۳.

امامت و حکومت علی و آل علی علیه السلام در زیارت امام حسین علیه السلام روز عاشورا وارد شده، که ترجمه بخشی از آن ذکر می شود:

ای اباعبدالله! راستی که این پیش آمد ناگوار و مصیبت رسیده به تو بر ما و بر همه مسلمانان بزرگ و سترگ است. آنچه به تو رسیده در آسمانها بر همه آسمانیان [نیز] سترگ و بزرگ است.

پس خدا لعنت کند (دور از رحمتش گرداند) گروهی را که بنیاد ستم و بیداد بر شما خاندان [پیامبر] را پی ریزی کردند، و خدا لعنت کند مردمی را که از [تصدی] مقامتان شما را باز داشتند و از رتبه ها و درجاتی که خدا شما را در آنها نهاده بود دور کردند...

ای اباعبدالله! واقعاً تا روز قیامت من صلحم با هر که با شما سر صلح و آشتی دارد، و در نبردم با هر که با شما در جنگ است.

خدا لعنت کند آل زیاد و آل مروان را، و خدا همه بنی امیه را لعنت کند، و خدا لعنت کند پسر مرجانه را، و خدا لعنت کند عمر بن سعد را، و خدا لعنت کند شمر را.

خدا لعنت کند مردمی را که زین بر نهادند و لگام زدند [اسبان را] و نقاب بستند برای جنگ و کشتن تو...

آنچه در این لعن ها قابل ذکر است تأکید و تشدید است که در آنها شده، و این روشنگر خباثت و دنائت افراد ملعون و جنایات جبران ناشدنی است که به حکومت حق و عدالت کردند و مسیر تاریخ اسلام را منحرف نمودند، بنابراین سخن بر سر عداوت خصوصی دو قبیله و یک جنگ پایان یافته در زمان و مکان خاص نیست، بلکه مبارزه حق است و باطل، عدالت و ظلم، در طول تاریخ انسان، که امروز نیز با تمام مظاهرش شاهد و ناظر آنیم.

پس تا کاخ ستمی در جهان بر پاست، این دعایِ بد (۱) رواست، و تا دست تجاوزی دراز است، در این لعن به رویشان باز است.

این لعن ها و نفرین های پیاپی طبعاً دشمنی و نفرت خواننده زیارت عاشورا را نسبت به آن ستمگران و پیروانشان - که همیشه یافت می شوند - بر می انگیزد، و شعله خشمی مقدس را بر ضد هر تجاوز و حق کشی و بی عدالتی در دلش روشن نگاه می دارد، و قهری آشتی ناپذیر را با هر گناه و ستم و پلییدی در وجودش بر جا می گذارد، و طبیعی است که چنین زائر با معرفتی خود هیچ گاه به خیانت و جنایت آلوده نخواهد شد، و این است اثر تربیتی و عملی تولا و تبراً.

دعا و زیارت

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ...» (۲)

در تمام ادیان آسمانی دعا و نیایش با پروردگار وجود دارد، و در اسلام بیشتر و گسترده تر. با اهمیت و دامنه وسیعی که دعا در دین ما دارد، طبعاً بخش عمده ای از زیارتها را نیز در بر می گیرد، و همه فوایدی که بر آن مترتب است در زیارت نیز تجلی می کند، و موجب ازدیاد فواید معنوی آن می گردد.

در تمام زیارتنامه ها جملات دعایی کمابیش آمده، حتی متن بعضی از زیارتنامه های معروف مانند «امین الله» و «زیارت رجبیه» سراسر دعاست. بعد

ص: ۱۰۰

۱- دعای بد، مترادف نفرین و لعن است.

۲- سوره المؤمن، ۶۰: و پروردگارتان گفت: مرا [با خلوص دل] بخوانید تا به شما جواب دهم. همانا کسانی که از [دعا و] پرستش من روی برتافته تکبر می کنند، بزودی با ذلت و خواری در دوزخ شوند. بنا بر چند خبر از امام باقر و حضرت صادق علیهما السلام مقصود از «عبادت» در آیه مزبور «دعا» است، و دعا افضل عبادات است. الأصول من الکافی، کتاب الدعاء، ۴۶۶ - ۴۶۷.

از خواندن نماز زیارت نیز ادعیه مأثوره متعددی رسیده، که با محتوای عالی خود اخلاق و سنن اسلامی را به بهترین وجه تعلیم می دهد. بنابر این با اطمینان می توانیم بگوییم: دعا و زیارت دو مکتب تربیتی و تعلیمی اسلام است که در شیعه پایگاهی والا دارد و بر طبق سنت نبوی اهمیتی خاص به آن داده می شود، و بسیاری از معارف توحیدی و امام شناسی (۱) به زبان دعا یا در زیارتنامه ها بیان گشته. امام خمینی در این باره می نویسد: «ائمہ طاهرین... اکثراً مسائل روحانی، مسائل ماوراء طبیعت، مسائل دقیق الهی و آنچه را مربوط به معرفت الله است با لسان ادعیه بیان فرموده اند. ولی ما ادعیه را تا آخر می خوانیم و متأسفانه به این معانی توجه نداریم، و اصولاً نمی فهمیم چه می خواهند بفرمایند» (۲).

سخنی کوتاه در باره دعا

الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ وَ خَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنِ صَدْرِ نَبِيِّ وَقَلْبِ تَقِي. (۳)

خوشبختانه راجع به اهمیت و آثار دعا کتابهای متعدد نوشته شده، اما مناسب است نویسنده نیز احساس و دریافت خود را در این باره به اختصار بیان کند. تا معرفی کوتاهی از «دعا» را خوانندگان رویاروی داشته باشند:

ص: ۱۰۱

۱- مجدد یادآور می شویم «امام» در مفهوم وسیع آن مورد نظر است که رسول مکرم ما و پیشوایان معصوم مخصوص را شامل می شود.

۲- رساله نوین تحریر الوسيله، عبادت و خودسازی، ۱/۱۳۰.

۳- الأصول من الكافي، كتاب الدعاء، ۲/۴۶۸. ترجمه: کلیدهای حاجت رویی و گنجینه های رستگاری در دعاست، و بهترین دعا آن است که از سینه ای پاک و خالص و دلی دور از گناه برآید.

دعا خواهانی و رغبت به خداست (۱)، کششی قلبی از بنده به سوی آفریدگار مهربان، برقرار کردن رابطه انس با معبود محبوب، نیایش و راز و نیاز با خدای چاره ساز به زبان دوستانه، زبان امید و انتظار و تمنا، با چشمداشت به روا شدن درخواستها و آرزوی برآمدن حاجتها.

دعاهای مأثوره که از پیشوایان دینی رسیده بیانی محبت آمیز و صمیمی دارد، و بسیاری از معارف الهی و مقامات معرفتی را با زبان دلنشینی آموزش می دهد. دعاکننده با زبان دل با آفریدگار قریب و مجیب (نزدیک و جوابگو) سخن می گوید نه لسان منطق و استدلال، که او خدای را در عین رفعت و عظمت، نزدیکتر از رگ حیات به خود می یابد، صمیمانه با وی راز دل می گوید و حل مشکلاتش را می خواهد. دعا کننده در عمق فطرتش فقر و نیاز ذاتی خویش را می یابد و چشم انتظار به حاجت رویی و مشکل گشایی خدایی دارد که قدرت و رحمتش نامحدود است و دعایش را می شنود و برآورده می کند.

انگیزه دعا احساس نیاز و احتیاجی است که مخلوق ذاتاً دارد، و بی نیازی و قدرتی که در خالق متعال می بیند. این احتیاج و افتقار گرچه در بشر ذاتی و فطری است اما جز اندکی از مردم از آن غفلت دارند و لذا حال دعا برایشان کم پیش می آید. البته این احتیاج را نباید به نیازهای حقیر و پست مادی منحصر کرد. انبیا و اولیاء الله که عظمت الهی را بیشتر از ما یافته اند و ضعف و فقر آدمیزاد و لغزشگاه های سلوک را بهتر از ما می شناسند، در سیر کمالی خود و تقرب یافتن به خدای تعالی بیشتر احساس نیاز به دعا می کنند، و از حضرت ذوالجلال استمداد می طلبند، زیرا هوشیارند و درد آشنا، عاشقند و پویا. حال دعا آنگاه که دل حاضر است و حواس جمع، و تمام توجه به مبدأ هستی و قدرت نامحدود و علم فراگیر اوست، انسان از خوبستن خویش بیرون

ص: ۱۰۲

آمده، در فضای معنوی و عالم روحانی خاصی قرار می‌گیرد، که از همه گسسته و در ارتباط روحی با اوست که «قریب است و اجابت کننده دعای خواننده»^(۱)، و این است حال روحانی دعا، که چون دیگر حالات، احساسی است شخصی و یافتنی نه نقل کردنی و انتقال دادنی. آن «انگیزه» و این «حال» روح دعاست، و چنین دعایی «مغز عبادت و ستون دین و نور آسمانها و زمین» می‌باشد.^(۲)

آثار دعا چون با شرایطش انجام گیرد^(۳) و بر آن مداومت شود، آثاری شگرف در ساختن شخصیت والای انسان دارد، زیرا دعا که خواندن آفریدگار با سپاس و بزرگداشت اوست، و اعتراف به خطاهای خود و طلب عفو و رحمت از اوست، بهترین اثر تلقینی بر روح دارد، و سطح اتکاء و توکل به خدای سبب ساز را بیشتر می‌گرداند، و همه نیروهای روانی را در نیل به آرمانهای شایسته انسانی بسیج می‌نماید، و نیکو مددکاری در تقویت اراده و قدرت تصمیم‌گیری است در راه رسیدن به کمالات انسانی و توفیق برای خدمت به بندگان در مانده خدا.

دعا فروغ ایمان و امید را در دل دعا کننده افزایش می‌دهد، و چشم انتظارش را از غیر خدا می‌بندد، و بدین وسیله او را بنده مولا و آزاد از همه تعلقها و تملقها می‌نماید.

آنکه با دعا آشناست رفته رفته گوهر حقیقی خویش را باز می‌یابد، و به کرامت و شرافت خدادادی اش پی می‌برد، و دیگر راضی نمی‌شود در پی نام و نان یا رفع حوائج مادی، شخصیتش را بفروشد و تن به ظلم و فساد بدهد.

ص: ۱۰۳

۱- اقتباس است از آیه ۱۸۶ سوره بقره: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي، فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...».

۲- الاصول من الکافی، ۲/۴۶۸، حدیث ۱.

۳- از شروط مختلف دو شرط یاد کردنی است: نخستین حلال بودن کسب الکافی، ۲/۴۸۶، حدیث ۹، دیگر حضور دل و امید زیاد به اجابت داشتن (الکافی، ۲/۴۷۳، باب الاقبال علی الدعاء).

مسلمانی می شود تسلیم امر پروردگار و بس، آزاد از بند و بست ها و دلبستگی ها، انسانی آزاده و به کمال رسیده.

این است دعا و آثار آن که در بخشی عمده از زیارتنامه ها نیز وجود دارد، و مایه فضیلت و فایده بیشتر آنهاست.

ترجمه چند دعا از زیارتنامه ها با آنکه زبان ترجمه قاصر است از اینکه فصاحت و بلاغت متن ادعیه را بازگو کند، و خواننده را در حال و هوای معنوی اصل آن زیارتنامه های دعاگونه قرار دهد، اما نویسنده به امید آنکه پرتوی از آن دُرخش آسمانی را منعکس کند، ترجمه جملاتی از چند زیارت را نقل می کند و ابتدا به زیارت معروف «امین الله» می پردازد:

۱ - خدایا! جان و دلم را به تقدیرت مطمئن و به قضایت راضی گردان. (۱)

علاقه و دلبستگی شدید مرا به زیارت و دعایت قرار ده.

دوستدار زبندگان از اولیائت و محبوب در زمین و آسمان برگردان.

بار الها! (۲) چنانم کن که هنگام نزول بلایت شکبیا و در برابر نعمتهای نیکو و فراوانت شکر گزار و نسبت به نعمتهای فراگیر و کامل تو یادآور و ذاکر باشم. پروردگارا! دلم را شیفته ملاقات شادی بخش خود گردان، که توشه پرهیزگاری را برای روز جزا بیندوزم، و سنتها و روشهای زندگی اولیائت را پی گیری نمایم، و از اخلاق دشمنان دوری گزینم و در دنیا به شکر و ستایش تو مشغول باشم...

حضرت امام محمد باقر علیه السلام (که روایت کننده زیارتند) می فرمایند:

«هر که از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام یا نزد

ص: ۱۰۴

۱- «تقدیر» اندازه گیری آفریدگار است امور را و «قضا» حکم وی، که به آن مقدرات اجرا می شود. تفصیل این مجمل را در کتب کلامی باید دید، و روایات مربوط را در اصول کافی، کتاب التوحید، باب المشیئه و الإراده، با شروح آن.

۲- این تعبیر در متن زیارت نیست، در فعل جمله نیز به سیاق عبارت اندک تغییر داده شده.

قبر یکی از ائمه علیهم السلام بخواند البته حق تعالی این زیارت و دعای او را در نامه ای از «نور» بالا می برد...» (۱).

نویسنده نمی داند خواننده از این تعبیر امام چه می فهمد؟ اما مناسب می بیند دریافت خود را از چنان تعبیرهایی به شرح ذیل بیان کند:

در باره تعبیر نور گفتار ما همچون کردارمان در جهان دو چهره دارد: چهره ای ظاهر، نزدیک، دنیایی، همین که می بینیم یا می شنویم، و از آن خوشحال یا دل آزرده می شویم، و چهره ای پنهان، ملکوتی، که بازتاب آثار ظاهری و دنیوی آن است، و شرح آن در بخش دوم (زیارت در آینه حدیث) زیر عنوان «مستحق ثواب» گذشت.

در ارتباط با همین اصل اعتقادی است که در اسلام همان طور که نور در ظاهر روشنگر زندگی است، آنچه در باطن و جهان معنوی هم مایه راهنمایی و روشنی می شود و موجب واقع بینی انسان می گردد از آن به «نور» تعبیر شده، مانند نور عقل، نور قرآن.

در زیارت جامعه - که از زیارتنامه های معتبر است - سخن ائمه معصومین که روشنگر راه خدا و بر طرف کننده پرده تاریک شبهات است «نور» تعبیر شده: **وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ (۲)**؛ شما نور [و روشنگر راه] نیکان و زبدگانید و راهنمای نیکوکاران.

چنانکه می دانیم در قرآن مجید از آفریدگار متعال که بخشنده نور حیات و

ص: ۱۰۵

۱- مفاتیح الجنان، زیارات مطلقه امیرالمؤمنین، زیارت دوم، ۴۷۸.

۲- همچنین در زیارت جامعه می خوانیم: **خَلَقَكُمْ اللَّهُ انواراً..** در روایات رسیده از معصومین، «نور» در بعضی آیات به امام که روشنگر راه مستقیم است تعبیر شده مانند: «پس ایمان آورید به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستادیم» سوره التغابن، ۸، و این آیه: «برای شما نوری قرار می دهد که به آن راه می روید» (سوره الحديد، ۲۹) یعنی امامی که از او پیروی می نمائید. (الأصول من الکافی، ۲/۱۹۴ - ۱۹۵).

روشنگر جهان هستی است، و هدایت کننده همه مخلوقات - به هدایت تکوینی و تشریحی - می باشد نیز تعبیر به «نور» شده:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^(۱)، خدا نور آسمانها و زمین است و روشنگر چراغ وجود در ظلمت عدم و روشنی بخش و هادی آسمانیان و زمینیان.

اینک به سخن اصلی برگشته گوئیم: زیارت امین الله - و امثال آن از سخنان پیشوایان دینی - با عمق معانی و بار معنوی که دارد و حقایقی که می آموزد، در حقیقت روشنی بخش اندیشه و دل است. معضلات فکری ما را می گشاید و با واقعیاتی از این جهان رازناک و پیچیده آشنایمان می گرداند، و بهترین راه آرامش فکر و اطمینان دل را با توجه و توکل به خدا تعلیم می دهد، همچنان که نور ظاهری روشنگر مسیر ما در شبهای تاریک است، و ما را از گمراهی و سرگردانی می رهاند.

بنابر این خواندن چنین کلماتی روشنی بخش، همان طور که در بُعد ظاهری دل و جان خواننده را منور می کند، در بُعد ملکوتی و باطنی نیز منور است، و در دستگاه های ضبط عالم نیز به صورت «نور» منعکس می شود: نواری از نور؟ لوح فشرده نوری؟ یا به تعبیر امام باقر علیه السلام نامه ای از نور؟ به هر صورت به گونه ای روشن و خوشایند ثبت می شود، و در حافظه جهان زنده و گیرنده می ماند، تا روزی که به عنوان «ثواب» به صاحبش باز گردانده شود.

۲ - مثال دیگر از این گونه ادعیه نورانی دعایی است که بعد از زیارت ولی عصر (عج) خوانده می شود، و اینک ترجمه بخش آغازین آن:

خدایا! از تو می خواهم که بر محمد پیامبر رحمت و کلمه نورت درود فرستی، و دلم را از نور یقین پر کنی، و سینه ام را از نور ایمان، و فکرم را از

ص: ۱۰۶

۱- سوره نور، ۳۵. برای آگاهی از معانی مختلف آیه و وجوهی که در معنی «نور» گفته اند رجوع شود به مجمع البیان، ۷/۱۴۲ - ۱۴۴ و دیگر تفاسیر.

نور نیت، و عزم و اراده ام را از نور دانش، و نیرویم را از نور عمل (۱)، و زبانم را از نور راستی، و دینم را از نور بصیرتها و بینش هایی از نزد تو، و دیده ام را از نوری پُر فروغ (۲)، و گوشم را از نور حکمت [که جز سخن حکیمانه ننوشم]، و دوستی ام را از نور دوستی و پیوستگی با محمد و آلش علیه السلام (۳) [بهره مند گردانی]، تا در حالی که به عهد و پیمانت وفا کرده ام تو را ملاقات کنم، پس رحمت تو مرا فرا گیرد، ای ولی و ای حمید! (۴)

۳- نیایشهایی که ضمن زیارتنامه ها آمده فراوان است، ولی چون بنا بر ذکر نمونه هایی از هر دست است، به نقل شاهی دیگر بسنده می کنیم، و آن آخرین جملات از زیارت جامعه کبیره است که ترجمه اش ذکر می شود:

بار خدایا! اگر من شفیعی نزدیکتر از محمد و خاندانش به تو می یافتم، آنانکه برگزیدگانند و امامانی نیکو کارند، حتماً آنها را میانجی گر و شفیع به پیشگاهت می کردم [ولی مقربتر از آنان نیافتم] پس به حقی که برای آنان بر خود واجب کردی [که شفاعتشان را رد نگردانی] سوگندت می دهم و می خواهم که مرا در گروه عارفان به آنان و به حقشان داخل کنی، و در جماعتی که به شفاعتشان مورد رحمت واقع شده اند وارد گردانی، که راستی تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی. (۵)

ص: ۱۰۷

۱- این تعبیر دعا قابل توجه است که از خدا می خواهیم فکر ما با نیت و قصدی روشن و پاک همراه شود و به مرحله عمل درآید، و عزم و اراده مان از روشنی دانش برخوردار باشد، تا کاری جاهلانه انجام ندهیم، و نیروی ما هم را کد نماند بلکه به صورت کرداری شایسته متبلور گردد و ظاهر شود.

۲- متن دعا: و بصری نور الضیاء. در تداول «نور» و «ضیاء» مترادف شمرده می شود امّا صاحب فرهنگ غیاث اللغات می نویسد «ضیاء از نور قویتر است».

۳- ترجمه این عبارت است: و مودّتی نور الموالیه لمحمد و آله علیهم السلام، و «موالات» دوستی و پیوستگی با هم نمودن است. منتهی الأرب.

۴- مفاتیح الجنان، ۶۷۵.

۵- مفاتیح الجنان، ۷۰۶.

تذکری که در پایان این مبحث گفتنی است اینکه زیارت و دعا، توبه و بازگشت به خدا، همه وسایل و دستاویزهایی است در اختیار انسان، که سهو و نسیان یا نمایش فریبای جهان، او را به خطا و گناه وا می‌دارد، و شرافت و کرامت انسانی خویش را از دست می‌دهد. اما خدای رحمان برای اصلاح وی و بازگرداندن کرامت و آن حقیقت نورانی اش چنان وسایلی را برایش قرار داده تا از آنها استفاده کند، و به تزکیه جسم آلوده از لذت طلبی و شهوت، و تهذیب جان تیره از جنایت و خیانت پردازد.

آیا از امکاناتی که آفریدگار مهربان در اختیار ما قرار داده استفاده می‌کنیم؟

آیا وقت آن نرسیده که با اولیای خدا بیشتر آشنا شویم و از این طریق به تکمیل معارف الهی خویش پردازیم؟

ارزش ادبی زیارتنامه‌ها

پس از اینکه اجمالاً به بررسی محتوای زیارتنامه‌ها پرداختیم، بایسته است که اشاره‌ای هم به ارزش ادبی و لفظی آنها بنماییم، بنابر این گوییم: گفتار شیوا و بیان زیبا خصوصیت سخنان ائمه هُداست، و جز این نیز نشاید.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله

که خود فصیح‌ترین عرب بود، و پرورش یافتگان در کنارش که عترت طاهره اویند، همه از این موهبت الهی در حد عالی برخوردار بودند. مگر نه این است که امیرالمؤمنین و اولاد معصومش به دلیل آثار علمیشان همه حافظ کلام الله و عالم به تفسیر و تأویل (۱)، مجمل و مفصل قرآنند؟ پس چه شگفت که عالمان و معلمان چنین کتابی، که از نظر ادبی بر اوج کمال است در

ص: ۱۰۸

۱- تفسیر: گزارش و بیان کردن، روشن کردن معنی الفاظ مشکل و بیان مراد خدای تعالی از آیات قرآن، تأویل: برگرداندن یکی از معانی محتمل آیه است به آنچه مطابق ظاهر باشد، حمل آیه است بر یک معنی - از معانی احتمالی - که پذیرا باشد و موافق کتاب و سنت باشد. با استفاده از مقدمه تفسیر مجمع البیان ۱/۱۳ و کشف الأسرار، ۲/۲۰.

سخندانی و شیوا بیانی آیتی بی بدیل باشند و نمایشی از آن بلاغت بی نظیر.

مگر نه این است که مجموعه ای از خُطَب و نامه ها و سخنان حضرت

علی علیه السلام «نهج البلاغه» نام گرفته؟ که تابلوی است زیبا، راهنمای سخنگویان و نویسندگان.

بر خلاف تصور ابتدایی، بعد از دقت و ژرف بینی، هر یک از ادعیه و زیارتنامه ها را پرده ای می یابیم رنگارنگ از الفاظ فصیح و تعبيرات بدیع، تشبیهات زیبا و استعارات شیوا و تصویرهای ذوق پسند که ارزش هنری والایی دارد.

هر چند گاه جملات مترادف است و لفظ بر معنی افزونی دارد، اما این مناسب حال و مقام است و شرط بلاغت، زیرا زائر باید شناختی جامع و عمیق از امام خود داشته باشد، و این جز با شرح یکان یکان محامد و مناقب امام صورت نیندد. همچنین زائر مشتاق با دوست سخن می گوید، و می خواهد درد دل کند و شرح حال خود را بگوید، و ضمن عرض ارادت بیان حاجت نماید، و برای پیروزی در جهاد اکبر یاری طلبد و در گذشتن از صراط مستقیم - در دنیا و عقبی - که باریک است و بُرنده دستگیر و یاور می خواهد، و این جز به تفصیل بیان نشود.

علاوه بر این لذت گفتار و انس گرفتن با محبوب چنین تکرار و طولانی کردن سخن را می طلبد. اما چون نثر فاخر و تعبيرها گوناگون و معانی دلپذیر است، گویی در هر جمله مطلبی تازه بیان می شود و هیچ دل سیری و ملالی دست نمی دهد، که ملال آنجاست که محبت نباشد، یا سخن به سردی و سستی گراید، و این هر دو با اصل زیارت که دیدار شوق آمیز، و دعا که خواندن دوستانه با زبان مودت است سازگار نیست.

تأمل در ادعیه مأثوره (۱) و زیارتنامه های رسیده از خاندان نبوت آشکارا می رساند که از نظر ادبی شیوا و رسا، نغز و پر مغز، موزون و مسجع است، به طوری که آهنگ عبارات - به خصوص اگر بلند خوانده شود - ترنم خاصی ایجاد می کند، و نوایی خوش می سازد، که معنی اش دلنشین است و سماعش گوشنواز.

بنابر این زیارتنامه و دعا سرودی مذهبی و شعری آسمانی است، که با مضامین عالی که در بردارد، خواننده را به معراجی روحانی می برد و حالی ملکوتی می بخشد. بدین ترتیب معانی و درونمایه معرفت آموز زیارت و دعا، در قالبی شایسته و جامی پسندیده ریخته شده، که آشامندگان را سرمست دوست می گرداند، ولذتی روحانی - که چشیدنی است نه گفتنی - برایش ایجاد می کند.

تصحیح فرهنگ زیارت

فرهنگ علاوه بر معنی «ادب» و «دانش»، به «مجموعه آداب و رسوم یک قوم» نیز گفته می شود. مقصود ما از فرهنگ زیارت همین آداب و مراسمی است که بین هر ملت و پیروان هر دینی رایج است، و مقایسه اجمالی و کلی آنها با آنچه بین شیعه معمول می باشد.

پیش از این گفتیم زیارت رسمی است بسیار دیرینه و قدیم و متداول بین همه ملل و اقوام. اینک گوئیم: این مراسم با آنچه در آداب زیارت ما وارد شده و اعتقادی که ما درباره مزور داریم تفاوت بنیادین دارد، زیرا اسلام دین توحید است و سایر ادیان کمابیش شرک آلود. برای اطلاع کافی است سری به معابد مسیحیان، زردشتیان، بودائیان بزنیم، و تعظیم و تکریمی که در برابر

ص: ۱۱۰

۱- دعا یا حدیث مأثور: دعا یا حدیثی که از زمانهای دیرین از شخصی به شخص دیگر رسیده باشد، منقول. فرهنگ فارسی.

مجسمه بزرگان دینشان می کنند ببینیم. آنگاه می یابیم چه بسا زیارتها که شرک آمیز است، زیرا زائر مستقلاً مزور را مورد توجه و ستایش قرار می دهد، یا فرزند و وابسته به خدای سبحان می داند.

روش عبادت و زیارت آنها نیز خود ساخته است: گروهی با سرود و آهنگ مراسم دینی را برگزار می کنند و جمعی با اوراد و اذکاری که بار معنوی و ارزش معرفتی ندارد. حتی در بین عوام از مسلمانان بعضی با قفل بستن و نخ گره زدن به در و پنجره بقاع متبرکه به نوعی توسل و حاجت طلبیدن می پردازند که البته کاری مجعول و بیهوده و نوعی خرافه است و باید ممنوع شود.

متأسفانه خرافات که میوه درخت جهل و کوتاه فکری بشر است در مراسم زیارت هم راه یافته، و این طبیعی است که رسمی چنین کهنسال و رایج بین همه ملل و اقوام، در گذرگاه زمان دچار تغییر و تحریف شود. آری چشمه سار زلال عبادت و زیارت - که از عمق فطرت انسان جاری می شود - در عبور از سرزمین افکار و عادات هر قوم، با نظریات شخصی و رسوم و آداب ملی آنها درهم آمیخته شده و از خلوص و پاکی نخستین دور شده است.

یکی از علل ارسال رسل و انزال کتب آسمانی همین تصحیح روش عبادت خدا و آداب احترام به پیشوایان دینی می باشد، و تصفیه آن از آداب اختراعی و افزوده های بشری و اعمال شرک آلود. به این جهت در دین توحیدی اسلام از پیشوایان الهی آن، آداب و مراسمی خاص زیارت وارد شده، که هر یک شامل نکته ای آموزنده یا پیامی از حقایق متعالی می باشد، که در تهذیب نفس و اصلاح اجتماع مور است.

به عنوان نمونه خرافات و تصحیح آن در اسلام، می توان از مراسم حج و زیارت خانه خدا یاد کرد، که بنا به آنچه در قرآن کریم آمده، اعراب جاهلی

«نمازشان در خانه خدا جز سوت کشیدن و کف زدن نبود»^(۱).

در تفسیر آیه از ابن عباس روایت شده که: قریش قبل از اسلام برهنه گردِ خانه می گشتند و سوت می کشیدند و دست می زدند، و این کار جاهلانه را به جای دعا و تسبیح پروردگار انجام می دادند.^(۲) اما اسلام نماز را با آن آداب و شرایط حکمت آمیز ظاهری و باطنی که می دانیم تشریح فرمود، و حج را وسیله تجمع و ملاقات مسلمانان جهان در زمانی مخصوص قرار داد، که همه در یک جهت به پیشگاه حق تعالی نماز گزارند و او را به یکتایی بستایند، و این وحدت زمان و مکان و زبان، و یک سویی در عبادت و یکتایی معبود، انگیزه ای برای وحدت و اتحاد مسلمین پراکنده در عالم گردد، و از برکت این تجمع و تمرکز، قدرت و شوکت بیشتری یابند و از حال یکدیگر آگاه شوند و به کمک هم شتابند، و صفّ واحدی در برابر کفر جهانی باشند.

همچنین توجه به آداب زیارت که در بخش نخست نقل شد، می تواند دورنمایی از فواید فردی و اجتماعی آن را به ما نشان دهد، و در نظر آوردن آداب باطنی که روح زیارت است، و شرح داده شد، فرق اساسی زیارت را در مذهب ما با سایر مذاهب اثبات می کند، و بحث «زیارت جلوه گاه توحید» افق بلند و روشن یکتاپرستی را در زیارت جلوه دیدگان ما باز می نماید، «و تَوَلَّوْا وَ تَبَرَّأ» در تشبّه به اخلاق و رفتار امام و همانند شدن با نمونه های عالی انسانی به ما یاری می رساند.

نگاهی به درونمایه زیارتنامه ها که تاکنون بیان شد، ثابت می کند که بین این

دفتراهای معرفت آموز با آنچه ملل دیگر می خوانند تفاوتی ذاتی و اختلاف واقعی است، زیرا او را در آنها ساخته افکار بشری است و غالباً شرک آمیز، ولی زیارتنامه ها از معدن علم و کانون هدایت الهی بارور شده و از زبان معصوم بیان

ص: ۱۱۲

۱- سوره انفال، آیه ۳۵.

۲- تفسیر مجمع البیان، ۴/۵۴۰.

گشته است، و همه تکبیر و تسبیح آفریدگار است یا سلام و صلوات بر حجت‌های او که وسیله هدایت و اسباب نجات بشر بودند، و به مشیت الهی بعد از وفات نیز مرقد مطهرشان فرودگاه رحمت و برکت و اجابتگاه دعا و حاجت قرار داده شده، تا پناهگاه نیازمندان و قرارگاه محبان باشد، و فیض بخشی آنان همچنان مستدام ماند، و با شهادتشان هدف و راه و سیره شان فراموش نگردد.

کوتاه سخن آنکه زیارت اولیای دین و خواندن زیارتنامه‌های رسیده از معصومین بر مزارشان مکتبی است تربیتی و معرفت آموز، که هم تعظیم مَزور است و هم تعلیم زائر. هم ثنا و ذکر خداست که ولیّ همه نعمتهاست، هم معرفی رسول اکرم و ائمه هدی، که خود از بزرگترین نعمتهای آفریدگارند و کامل‌ترین اُسوه(۱) و نمونه، برای کسانی که در راه خود سازی اند و مرشد و پیشوا می‌جویند.

آری آنکه امام زمان و پیشوایش را بشناسد(۲)، مدلِ عالی و نمونه عملی زندگی خود را یافته است و دیگر خانقاهی و صوفی منش یا غرب گرا نمی‌شود، بلکه تولّایشان انگیزه‌ای برای پیروی از امام معصوم می‌شود. و پیروی امام پیمودن همان صراط(۳) مستقیمی است که به فردوس برین و پیشگاه خداوند آسمان و زمین منتهی می‌شود که: «وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى»(۴): همه امور به

ص: ۱۱۳

۱- اسوه: پیشوا در مهمات.

۲- برای ملاحظه احادیث رسیده درباره اهمیت پیشوا گزینی و شناخت امام رجوع شود به: الاصول من الکافی، کتاب الحجّه، بابٌ مَنْ مات و لیس له امامٌ من ائمّه الهدی، ج ۱/۳۷۶. در این باب بر طبق روایت امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، مردنش همانند مردن زمان جاهلیت است، یعنی در کفر و نفاق و ضلالت زیسته و مرده.

۳- شایان ذکر است که معنی «امام» در کتب لغت و زیارتنامه‌ها، علاوه بر «مقتدا» و کسی که از او پیروی کنند، به معنی «صراط» نیز آمده منتهی الأرب: ام م، چنانکه در زیارت جامعه کبیره نیز خطاب به ائمه گوئیم: «انتم الصراطُ الأقوم» راه راست تر شماست.

۴- سوره النجم، ۴۲، ترجمه از آیت الله ناصر مکارم شیرازی.

دریغ است «شوق دیدار» را به پایان رسانیم و شوق خود را به زیارتِ ولّیّ الله اعظم امام زمان حضرت حجه بن الحسن المهدی - عجل الله فرجه - اظهار نکنیم. او که واسطه فیض و رحمت خدا در عصر ماست. (۱) او که باقی

مانده حجت‌های خدا و ذخیره ای گرانبهاست که پیامبر اعظم و امیرمؤمنان و سایر امامان علیهم السلام همگی مژده آمدنش را داده اند (۲)، تا با ظهورش سنت نبوی و عدالت علوی را اجرا کند، و حکومت جهانی اسلام را بر پا نماید.

ص: ۱۱۴

۱- ولایت، وساطت در فیض گیری از مبدأ متعال و فیض بخشی به جهان هستی است، و فیض تکوین و تشریح هر دو را شامل می شود. در این باره رک: خورشید مغرب، آثار وجودی حجت در عصر غیبت، ۲۳۱ - ۲۳۵. این حقیقت - با اندک تفاوتی - در بیان خاورشناس محقق و استاد فلسفه، هانری کربن چنین آمده: «... تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمد صلی الله علیه و آله ختم شده می داند ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل [نفوس] می باشد بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می دارد». مکتب تشیع، مصاحبات استاد علامه طباطبائی با پرفسور هانری کربن درباره شیعه سالانه ۲، اردیبهشت ۱۳۳۹، ص ۲۱.

۲- کتابهای معتبری که درباره پنهان زیستی امام دوازدهم جهت حفظ جان از قتل و مژده ظهورش با استناد به آیات مربوط و روایات متواتر نوشته شده، بسیار زیاد است، چند اثر مهم اختصاصی را که از سده چهارم تا زمان حاضر تألیف شده نام می بریم: کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم النعمانی (من اعلام القرن الرابع)، کمال الدین و تمام النعمه، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه القمی (م. ۳۸۱)، کتاب الغیبه، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی (م. ۴۶۰)، المهدی، السید صدرالدین الصدر، که روایاتش همه از اهل سنت است، مُنتَخَبُ الأَثَرِ فی الإمام الثانی عشر، آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی که جامع روایات فریقین است.

لغت نامه

چون این گزیده برای عموم فراهم آمده لغات و اصطلاحات بیشتری از آن استخراج و معنی شد تا دریافتِ مطالب آسانتر باشد.

آستان: در گاه، مجازاً بار گاه بزرگان دینی.

آل: اهل و خویشان، جُز در مورد کسانی که

شرافتمند باشند به کار نمی رود.

آمیزه: آمیخته، مخلوط .

آن جهانی: منسوب به جهان آخرت، آخرتی.

ائمه هدی: امامان راهنما، مقصود امامان معصوم دوازده گانه شیعه است.

أحد: کوهی است در شمال مدینه که در سال

سوم هجری غزوه أحد در آن جا روی داد.

اختناق: خفه کردن، سخت گیری حکومت بر مردم به طوری که صداهای مخالفان در گلو خفه شود.

ارضاء / ارضا: راضی و خشنود کردن

ارکان (ج رُکن): اموری که سبب قوت و غلبه باشد مانند مُلک و لشکر.

استعاره: عاریت گرفتن، استعمال کلمه در معنی مجازی.

استغاثه: کمک طلبیدن، دادخواهی.

استلام حجر: سودن و مالیدن دست یا لب به سنگ.

استوای بر عرش: مستولی شدن و قرار گرفتن بر تخت سلطنت، با توجه به اینکه عرش به معنی مُلک و سلطنت هم آمده، در مورد خدای سبحان مراد ظهور سلطنت او بر عالم و استقرار مُلکش بر اشیا به تدبیر امور و اصلاح شون آنهاست (فرهنگ جاودان المیزان).

أسلاف (ج سَلَف): پیشینیان، پدران پیشین.

اسماعیلیه: هفت امامیان؛ فرقه ای که سلسله

ائمه را به اسماعیل فرزند مهتر امام جعفر صادق علیه السلام ختم کنند و او را امام هفتم دانند.

أسوه: پیشوا در امور مهم.

اشراق: تابش، درخشیدن و روشن کردن.

أعجوبه: شگفت انگیز، اعجوبه هستی: مراد

ص: ۱۱۵

انسان است.

افترا: تهمت زدن، به دروغ نسبت بد به کسی

دادن.

افتقار: فقیر شدن، نیازمندی.

اقتباس: گرفتن قبس (پاره آتش)، نور گرفتن.

اقتضا/ به اقتضای: مناسب و در خور.

امارت: امیری، فرمانروایی.

آمالی (جِ املاء): در اصطلاح کتابی که استاد مطالب را بیان کرده و شاگردان نوشته اند. این شیوه فقیهان و محدثان قدیم بوده است.

انبعاث: برانگیخته شدن.

انعطاف: برگشتن، پذیرای هماهنگی با محیط

بودن.

انفعال: قبول فعل، اثرپذیری.

اوصیاء (جِ وَصِیَّ): کسانی که به آنان وصیت شده، مراد امامان دوازده گانه معصوم می باشند.

اولیاء الله: دوستان و مقربان درگاه خداوند.

ایثار: دیگری را بر خود ترجیح دادن، مقدم

داشتن دیگران بر خود در برخورداری از نعمت ها.

بحث: جست و جو کردن، کنجکاوی.

برکت: فزونی و بسیاری، خجستگی.

بِرّ: نیکی، نکو کرداری.

بروز: آشکار شدن، پدید آمدن.

بِقَاع (جمع بُقْعَه): زیارتگاه ها.

بُقْعَه: قطعه زمینی ممتاز از اطرافش، زمینی که زیارتگاهی در آن باشد.

بِنیادین: بنیادی، اصلی و اساسی.

به فعلیت در آمدن: عملی شدن.

پگاه: صبح زود، اول بامداد.

پویا: رونده، دونده.

تَأْتُرُ: اثرپذیری، قبول اثر کردن.

تَأْوِيلُ: برگرداندن معنی آیه بر یک معنی از معانی احتمالی آن.

تَبَارُ: نژاد، دودمان.

تَبْرًا / تَبْرَى: بیزاری، بیزار شدن از کسی.

تَبْرُكٌ: برکت یافتن، خجستگی.

تَبْعِيضٌ: برتری دادن بعضی بر بعضی بدون امتیاز داشتن.

تَبْيِينٌ: پیدا کردن، روشن گفتن.

تَجْرِيٌّ: گستاخی نمودن، جرأت یافتن بر گناه.

تَجَلَّى: نمودار شدن، تابش.

تَحْرِيفٌ: تغییر دادن کلام از طرز اصلی.

تَحِيَّتٌ: درود گفتن، سلام.

تَرْنَمٌ: سراییدن، آواز خوانی.

تَرْكِيهٌ: پاک کردن، بی آرایش کردن.

تَسْبُب: سبب جُستن، طلب اسباب.

تشجیع: جرأت دادن، دلیر کردن.

تَشْرُف: به حضور بزرگی رسیدن، شرف یافتن

از حضور نزد بزرگان.

تشریح: شریعت و آیین نهادن، آیین الهی.

تَطَوُّر: گوناگون شدن، از حالی به حال دیگر

ص: ۱۱۶

در آمدن.

تعبیه کردن: ساختن، آراستن.

تعصُّب: جانب داری کردن (از عقیده و نظری)، حمایت کردن.

تفسیر: دانشی که مراد خدای تعالی را از آیات قرآن (با توضیح لغات و نکات ادبی و شأن نزول) بیان می کند.

تقدیر: اندازه گیری امور به فرمان آفریدگار.

تقدیس: به پاکی ستودن، پاک و منزّه شمردن.

تقیّه: خودداری از اظهار عقیده از بیم دشمن زمانی که ضرر جانی یا مالی متوجه شخص باشد.

تکوین: هست کردن و ایجاد، موجودات.

تنزیل: فرو فرستادن، قرآن (به مناسبت فرود

آمدن آن از سوی خداوند).

تواتر: پیاپی رسیدن (خبر).

توفی: کامل گرفتن روح هنگام مردن.

توقیع: نامه و پاسخ صادر شده از سوی حضرت حجت امام زمان (عج).

تولّا / تولّی: دوستی کردن، محبت.

تهذیب نفس: پاک کردن روح از صفات ناپسند.

تهلیل: گفتن «لا إله إلا الله».

ثار: خون، انتقام خون گشته را گرفتن.

جائر: ستمگر، ظالم.

جابر: ستمکار، جور کننده.

جفا: روی برگرداندن و دوری از دوست.

جوار: همسایگی.

جهاد اکبر: کوشش برای مبارزه با نفس بد کار.

حائر: محل قبر امام حسین علیه السلام.

جبل متین: ریسمان محکم.

حضرت ذوالجلال: پیشگاه خدای صاحب جلال و شکوه.

حنیف: راست و درست، مایل به حق و حقیقت.

خانه: در متنهای قدیم به معنی «اتاق» است.

خبثت: پلیدی، ناپاکی.

خراسان: مشرق (در اصل «خورآیان» بوده به

معنی جایی که خورشید از آن جا طلوع می کند).

خرافه: سخن بیهوده و باطل.

خویشتن خویش: خود واقعی، حقیقت انسان که از آن به «من» تعبیر می کنند.

دُرّخس: درخشش، برق.

در نور دیدن: پیمودن و رفتن.

دعاگونه: مانند دعا.

دعای بد: نفرین.

دنائت: پستی، نانجیبی.

رُکن: آنچه سبب قوت و غلبه و شوکت باشد

مانند لشکر.

رواق: سقفی که در مقدم خانه سازند، اتاقی که به خیمه بزرگ و سایبان شبیه باشد.

زُبده: برگزیده، پسندیده از هر چیزی.

زخارف: جمع زُخرف، چیزهایی که تزویر و

ص: ۱۱۷

ظاهر آرایبی در آن به کار رفته و ظاهری فریبنده دارد.

سبب: فرزندزاده، نواده.

سُترگ: بزرگ.

سنت: راه و روش، در فقه گفتار و کردار و تقریر پیامبر و امامان معصوم.

سیاحت: گردشگری.

سیره: در عربی «سیره»؛ چگونگی رفتار،

طریقه و روش.

شِدَاد: (مأموران...، جمع شدید) ظالمان،

سختگیران.

شعار: علامت و نشانی که حزب یا گروهی به آن مشخص و ممتاز بشوند.

شمول: همه را فرا گرفتن، احاطه.

صِاح: جمع صحیح، مقصود کتابهایی است که از نظر علمای اهل سنت حدیثهای آن درست می باشد. و روایان ثقه از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند.

طاغوت: بُت، پیشوای در گمراهی، کنایه از

حاکمان طغیانگر و ظالم.

طعن: عیب جویی و عیب گویی، سرزنش.

طُوی: نام وادی که حضرت موسی علیه السلام در آن سخن حق تعالی را بیواسطه شنید، موضعی است در شام نزدیک کوه طور.

عصمت: ملکه ای نفسانی است که دارنده آن را از گناه باز می دارد.

عَطِیْه: بخشش و دَهش.

غائی / غایی: (منسوب به غایت) نهایی و پایانی.

غِلاظ: (مأموران...، جمع غلیظ)، دُرشت خو، سنگ دل.

فَجِيع: دردناک، جان گداز.

فَيْضَان: لبریز شدن، ریختن.

قِسْط: عدل، نصیب و بخشِ هر کس.

کرامت: بزرگی و بزرگواری؛ در اصطلاح کارهای غیر عادی (خارق عادت) که از امام و اولیای خدا سرزند.

گُسْتَرَه: پهنه، ساحت و میدان.

گنجور: نگهبان گنج، خزانه دار.

لعن / لعنت: دور کردن کسی را از نیکی و رحمت، نفرین کردن.

مائده: خوان و طبق آراسته به غذا.

مأثور، مأثوره: منقول، نقل شده از پیشوایان دینی.

مبارک: برکت داده شده، پُر نفع.

مبالغه: زیاده روی در بیان صفات پسندیده

کسی یا چیزی.

مَبْرور / مَبْروره: طاعت قبول شده.

مُتَضَّمِن: در بردارنده، شامل.

محامد (جمع محمَدت): خصلت‌های نیک.

محتوا / محتوی: آنچه در بر دارد، درونمایه.

مَذَلَّت: خوار شدن، ذلیل شدن.

مُرْسَل: فرستاده شده، پیغمبر صاحب کتاب.

مَرَقَد: خوابگاه، قبر.

مَزور: کسی که زیارت می شود.

مُسَبَّبُ الْأَسْبَابِ: سبب و علت اسباب، خدای تعالی.

مُسْتَدَل: دارای دلیل و برهان، اثبات کرده با دلیل.

مُسْتَفِیض: فیض گیرنده.

مُسَجَّع: دارای سَجَع و وزن، آهنگین.

مَسَخ: دگرگون ساختن، تغییر صورتی به صورت زشت تر.

مَشْكَات / مَشْكُوه: طاقی که در آن چراغ نهند، چراغدان، مجازاً جای نورافشانی.

مَشْهَد: جای شهادت، مدفن شهید.

مَشِیَّت: اراده و خواست خدای تعالی.

مَضْجَع: جای بر پهلو خوابیدن، قبر.

مِعْرَاج: وسیله عروج و بالا رفتن، آنچه به

وسيله آن بتوان بالا رفت.

مِعْضَلَات (جمع مُعْضَل): دشواریها.

مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ: آنکه فرمان برداری اش واجب است.

مَلْعُون: دور کرده شده از نیکی و رحمت، نفرین شده.

مُلْک و مَلْکُوت (عالم...): عالم مادی (دنیایی) و عالم مجردات، ظاهر و باطن جهان.

مَنَارَه: جای بلندی که بر آن چراغ افروزند.

مُنَافِی: مخالف، ضد.

مُنَاقِب: (جمع منقبت)، آنچه مایه ستایش دیگران و مباحثات شخص باشد، ستودگی و کارهای شایسته.

مُنْجِی: نجات دهنده.

منصوص: معین شده، به ثبوت رسیده (بر طبق

آیات و احادیث).

موالات: دوستی و پیوستگی با هم نمودن، دوستی و پیوستگی.

موالی (جمع مولی): دوستان و یاران.

مؤتور: آنکه انتقام خون کشته خود را نگرفته.

مهدب: پاک شده از عیوب، پیراسته.

نُدبه: گریه وزاری و شیون.

نعت: وصف کردن مخصوصاً صفات نیک خدا

و رسول را شمردن.

نغز: نیکو، بدیع.

نفوس قدسی: روانهای پاک.

نیوشنده: گوش دهنده، قبول کننده.

واقفیه: گروهی از شیعه که منکر رحلت امام

موسی بن جعفر علیه السلام شدند و گفتند آخرین ائمه اوست و زنده مانده است.

وثر: دریافت نکردن انتقام و خون کشته خود.

وجهه: جانب و سوی، آنچه بدان توجه کنند.

وهاب: بسیار بخشنده، از صفات خدای تعالی.

همام: سرور بزرگوار، مهتر دلیر و جوانمرد.

قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تحقیق و نشر دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۶.

آیتی،

محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، با تجدید نظر دکتر گرجی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱.

ابن الأثیر، أسدُ الغابه فی معرفه الصحابه، داراحیاء التراث الإسلامی، بیروت.

ابن قولویه، ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه، کامل الزیارات، تصحیح عبدالحسین امینی، نجف، ۱۳۵۶ ق.

ابن منظور، لسانُ العرب، تحقیق علی شیری، ۱۸ ج، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ هـ. ق.

امینی،

عبدالحسین، الغدیر، الطبعة الثانية، ۱۰ ج، دارالکتب الاسلامیه، طهران، ۱۳۷۲.

برهان،

محمد حسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، ۵ ج، به اهتمام دکتر محمد معین، امیر کبیر.

بیهقی،

ابوالفضل محمد بن حسین، تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر فیاض، دانشگاه فردوسی، مشهد.

جرجانی،

میرسید شریف علی بن محمد، التعریفات [کتاب التعریفات]، انتشارات ناصر خسرو، افسر.

حرّانی،

حسن بن علی بن حسین شعبه، تُحفُّ العقول، تصحیح و ترجمه غفّاری، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۸۴ ق.

الحُرّ

العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، ۱۳۹۱ ق.

حکیمی،

محمد رضا، خورشيد مغرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ۱۳۶۰.

الخوري

الشَّرتوتى اللبناى، سعيد، أقربُ المواردِ فى فُصحِ العربيه والشوارد، چاپ افست رشديه.

دهخدا،

على اكبر، لغت نامه، ۱۴ جلد، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۷۲.

رامپورى،

غياث الدين محمد، غياث اللغات، به كوشش دكتور محمد دبیر سياقى، كانون معرفت.

سمهودى،

نورالدين، وفاء الوفا بأخبار دارِ المصطفى، الطبعة الرابعة، مصر.

السيوطى،

جلال الدين عبدالرحمان، الدر المنثور فى التفسير بالمأثور، طبع افست، مطبعة اسلاميه.

شُبَّر،

السيد عبدالله، الأنوار اللامعه فى شرح الجامعه، مطبعة الغرّى، النجف الأشرف.

شريعتى،

محمد تقى، تفسير نوين، شركت سهامى انتشار، ۱۳۴۶.

الصافى

گلبايگانى، لطف الله، منتخبُ الأثر فى الإمامِ الثانى عشر (عج)، مركز نشر الكتاب، طهران، ۱۳۸۵ ق.

الصدر،

السيد صدرالدين، المهدى، مطبعة على طهران، تاريخ المقدمه ۱۳۶۰ ق.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن على بن بابويه القمى، عيون أخبار الرضا عليه السلام، تصحيح مهدى الحسينى

اللاجوردى،

دارالعلم، قم، ١٣٧٧ق.

صفى پور،

عبدالرحيم، مُنتهى الأرب فى لغه العرب، كتاب فروشى اسلاميه و ابن سينا، افسٲ، ١٣٧٧ق.

الطبائى،

السيد محمدحسين، الميزان فى تفسير القرآن، ٢٠ ج، مؤسه الأعلمى للمطبوعات، بيروت، ١٣٩٣ ق.

طبائى،

علامه محمدحسين، مكتب تشييع، مصاحبات با هانرى كُربن درباره شيعة، سالانه ٢، ١٣٣٩ش.

الطبرسى،

الفضل بن الحسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، دارالمعرفه، بيروت، ٥ ج .

الطوسى،

ابوجعفر محمد بن الحسن، كتابُ الغيبه، مكتبه نينوى الحديثه، طهران، افسٲ ١٣٩٨ق.

فيض الإسلام، سيدعلى نقى، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ٢ ج، چاپخانه آفتاب، ١٣٢٦ ش.

فيض كاشانى، محمد بن المرتضى المدعوّ بالمحسن، الصافى فى تفسير القرآن، ٥ ج، مؤسه الأعلمى للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٢ق.

قمى، شيخ عباس، مفاتيح الجنان (كليات)، كتاب فروشى اسلاميه.

كليدار،

دكتر عبدالجواد، تاريخ كربلا و حائر حسين عليه السلام، ترجمه محمد صدر هاشمى، كتاب فروشى ثقفى، اصفهان، ١٣٣٧.

الكلىنى

الرازى، محمد بن يعقوب، الأصول من الكافى، ٢ ج، دارالكتب الإسلاميه، طهران.

، اصول کافی، ۴ ج، ترجمه و شرح دکتر سیدجواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، تهران.
مجلسی،

محمد باقر، بحار الأنوار، ۱۱۰ ج، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

مسلم بن حجاج، صحیح مسلم بشرح النّووی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.

مطهری،

مرتضی، عدل الهی، حسینیه ارشاد، تهران، ۱۳۴۹.

، زندگی جاوید یا حیات اُخروی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.

معین،

دکتر محمد، فرهنگ فارسی، ۶ ج، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰.

موسوی

بجنوردی، کاظم، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ناشر مرکز دایره المعارف، تهران، ۱۳۶۷ به بعد.

مبیدی،

ابوالفضل رشید الدین، کشف الأسرار و عُدَّة الأبرار، (ترجمه و تفسیر)، ۱۰ ج، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران.

النُّعمانی،

محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبه، تحقیق علی اکبر الغفّاری، مکتبه الصدوق، طهران.

یاقوت حموی، شهاب الدین، معجم البلدان، بیروت، دارُ صادر، ۱۳۸۸ ق.

ص: ۱۲۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

